



پوهنتون اسلام  
پوهنځی شرعیات وفتون  
پروگرام ماستری تاسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# تفسیر موضوعی سورة الزمر

( رساله ماستری )

محصل: مجیب الرحمن " نصرت "

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی

سال : 1400 هـ ش - 1443 هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر  
و حدیث



امارت اسلامی  
افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

# تفسیر موضوعی سورة الزمر

( رساله ماستری )

محصل: مجیب الرحمن " نُصرت"  
استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب بلخی  
سال : 1400 هـ ش - 1443 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

## تصدیق نامه

محترم مجیب الرحمن ولد حبیب الرحمن ID: SH-MST-99-764 محصل دور ششم تفسیر و حدیث  
که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی سوره الزمر  
به روز ۱۳۳۳ تاریخ ۱ / ۱ / ۱۴۰۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس  
بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۲ (نمره به عدد) ۵۵ (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور فصیح الله عبدالباقی	عضو هیات	
۲	دکتور نصرمن الله مجاهد	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل نبیب بلخی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

## ا هـ اء

بابت یاد بود از معلم بشریت و افتخار انسانیت پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد – صلی الله و علیه و سلم – این رساله را با تمامی کمی ها و کاستی ها، به روحانیت گرامی ایشان و سائر انبیاء الهی که در راه اشاعه توحید و عدل الهی کوشیده اند تقدیم می نمایم  
و نیز این رساله را به والدین بزرگوارم ، اساتید گرامی ، و تمامی دوستان حسبی و نسبی ام تقدیم میدارم.

مُجِيبُ الرَّحْمَنِ نُصْرَت

## سپاس گزاری

از آنجا که احادیث گهربار رسول الله - صلی الله علیه و سلم - بر لزوم سپاسگزاری و قدردانی از صاحب نعمت ، تاکید دارد، بناء شکر گزاری و سپاس بنده در گام نخست ، در راستای تهیه این رساله ، برای خالق جهانیان بر می گردد که او ولی مطلق نعمت است، خدایم را بر تمامی نعمت هایش خصوصا تهیه این رساله ، که بر من ارزانی کرده است می ستایم و شاکرم ، پس از آن تشکر و سپاس این بنده حقیر شامل حال تمامی کسانی باد که در میسر علم و تربیت ، به صورت مستقیم و غیر مستقیم عهده دار هدایت و تربیت و یا زمینه ساز کسب علم و معرفتم بوده اند از جمله والدین گرامی ام ، اساتید معزز ، و دوستان نیک ام .

همچنان در پایان جا دارد تا از وزارت تحصیلات عالی امارت اسلامی ، اساتید و بزرگان پوهنتون سلام بابت زمینه سازی کسب علم و دانش و از استاد رهنما ام دوکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی ، بابت هدایات و رهنمایی های ارزنده جناب گرامی شان در راستای تهیه این رساله ، سپاس خاص و قدردانی ویژه داشته و خویشتن را مدیون آنان بشمارم.

## خلاصه بحث

این سوره مبارکه بنابر روایت موثق بنام الازمر مسمی گردیده است و الازمر خود در لغت به معنی گروه و جماعت بوده که این کلمه در آیه 71 این سوره ذکر گردیده است و این سوره شامل 75 آیه می باشد.

این سوره مبارکه به اعتبار تقسیم موضوعی به پانزده (15) مقطع تقسیم شده است که هر مقطع روی یک موضوع خاص رشته سخن را می گشاید مثلاً مقطع اول (آیه های 1 الی 4) موضوع آن، نزول قرآن کریم از سوی الله متعال و تخصیص عبادات برای او تعالی بوده و مقطع دوم (آیه های 5 الی 7) که موضوع آن نشانه های از قدرت الله متعال در هستی و خلقت انسان، است به همین ترتیب مقطع پایانی یعنی مقطع پانزدهم (آیه های کریمه 71 الی 75) موضوع، سرانجام انسان های نیک بخت و بد بخت، را احتوا کرده اند

ولی در کل، همه ی این مقاطع روی یک موضوع محوری و اصل اساسی که محور اصلی این سوره را تشکیل داده است یعنی قضیه توحید و یگانگی الله متعال، می چرخد. توحید که اساس همه نعمت های ابدی و جاویدانی آخرت، و سبب مدد الهی در دنیا محسوب می گردد اما در برابر، منشأ تمامی بدبختی ها و سر در گمی انسان در امور دنیوی، و نیز علت دخول همیشه گی انسان به جهنم و آن هم به گونه ذلیلانه در شرک و کفر که منافی توحید هستند، نهفته است تا جای که دخول و وارد شدن گروه گروه انسان ها به جنت و جهنم در گروی این دو اصل (توحید و کفر) قرار گرفته است.

در نهایت، این سوره مبارکه با لفظ ( وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ) ترجمه: و گفته شود: تمامی حمد و ثنا مخصوص پروردگار عالمیان می باشد، به پایان می رسد.

واژه های کلیدی: ، سیق ، الزمر ،

## فهرست

1	مقدمه.....
2	اسباب اختيار موضوع : .....
2	اهمیت موضوع : .....
3	سوال های تحقیق: .....
3	الف : سوال های تحقیق: .....
3	ب : سوال های فرعی : .....
4	پیشینه تحقیق: .....
4	اهداف تحقیق: .....
5	روش تحقیق: .....
5	مشکلات من ، پیرامون تهیه تحقیق: .....
6	خطه بحث .....

## تمهید مفاهیم کلی بحث

8	موضوع اول : تعریف تفسیر موضوع .....
8	فرع اول : معنی لغوی .....
9	فرع دوم : معنی اصطلاحی .....
9	فرع سوم : اهمیت و فواید تفسیر موضوعی .....
10	موضوع دوم : معرفی سورة الزمر .....
10	فرع اول : تعریف لغوی .....
14	فرع سوم : تعریف لغوی واژه سورة .....
11	فرع چهارم : تعریف اصطلاحی سورة .....
11	فرع پنجم – وجه نامگذاری سورة الزمر .....



- 12 ..... فرع ششم – ترتیب و تعداد آیات سورة الزمر
- 12 ..... فرع هفتم – مکی یا مدنی بودن سورة الزمر
- 13 ..... فرع هشتم – فضایل سورة الزمر
- 13 ..... فرع نهم – موضوع محوری سورة الزمر
- 15 ..... فرع دهم : مناسبات در سورة الزمر

### مقطع اول ( آیه های کریمه 1 الی 4 )

#### نزول قرآن کریم از سوی الله متعال و تخصیص عبادات برای او تعالی

- 22 ..... موضوع اول : سبب نزول آیات مقطع اول
- 23 ..... موضوع دوم : مناسبت مقطع اول با محور اصلی سورة
- 24 ..... موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های مقطع اول
- 24 ..... فرع اول: ترجمه تحت اللفظی آیه های کریمه
- 25 ..... فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع
- 31 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه
- 35 ..... موضوع چهارم : درس ها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

### مقطع دوم ( آیه های 5 الی 7 )

#### نشانه های از قدرت الله متعال در هستی و خلقت انسان

- 36 ..... موضوع اول : مناسبت های این مقطع
- 37 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع
- 42 ..... موضوع سوم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

### مقطع سوم ( آیه های 8 و 9 )

#### مقایسه انسان مؤمن با انسان کافر

- 44 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع سوم:

44 ..... موضوع دوم : مناسبات این مقطع

45 ..... فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

46 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

49 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع چهارم ( آیه های کریمه 10 الی 20 )

رهنمایی برای اهل ایمان و بیم برای اهل شرک

51 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع چهارم

51 ..... موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

54 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

60 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع پنجم ( آیه کریمه 21 )

از دلایل وحدانیت و قدرت او تعالی

61Error! Bookmark not defined..... موضوع اول : مناسبت های این مقطع

62Error! Bookmark not defined..... فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه کریمه این مقطع

64..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع ششم ( آیه های کریمه 22 الی 26 )

تعامل مؤمنان با قرآن کریم و موقف کافران در برابر قرآن و سرانجام آنان

65 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع ششم

66 ..... موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

66 ..... فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

70 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع هفتم ( آیه کریمه 27 الی 31 )

ضرب المثل ها برای تذکیر و عربی بودن قرآن کریم

71 ..... موضوع اول : مناسبت های این مقطع

72 ..... فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

75 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

77 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع هشتم ( آیه های کریمه 32 الی 37 )

و عده های الهی برای مؤمنان و وعید به کافران

78 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع هشتم

78 ..... موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

79 ..... فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

82 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

84 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع نهم ( آیه های کریمه 38 الی 40 )

گمراهی مشرکان و سرزنش آنان از سوی الله سبحانه

86 ..... موضوع اول: مناسبت های این مقطع

87 ..... فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

89 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع دهم ( آیه های کریمه 41 الی 48 )

نماد های از علم و توانایی الله متعال

90 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع دهم

- 92 ..... فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع
- 93 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع
- 96 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع یازدهم ( 49 الی 52 )

تصویر انسان در میان نعمت ها و مصیبت ها

- 98 ..... موضوع اول : مناسبت های این مقطع
- 99 ..... فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع
- 101 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع
- 103 ..... موضوع سوم: درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع دوازدهم ( 53 الی 59 )

دعوت به برگشت بسوی خداوند تواب

- 104 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع دوازدهم
- 107 ..... موضوع دوم : مناسبت های این مقطع
- 109 ..... فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع
- 111 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع سیزدهم ( 60 الی 67 )

حالات مردم در رستاخیز و دلایل الوهیت و وحدانیت خداوند متعال

- 113 ..... موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع سیزدهم
- 114 ..... موضوع دوم : مناسبت های این مقطع
- 116 ..... فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع
- 118 ..... موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع چهاردهم ( آیه های کریمه 68 الی 70 )

دو نفخه در صور و ترس و هیبت‌های رستاخیز

119 ..... موضوع اول: مناسبت های این مقطع.

121 ..... موضوع سوم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

مقطع پانزدهم ( آیه های کریمه 71 الی 75 )

سرانجام انسان های نیک بخت و بد بخت

122 ..... موضوع اول: مناسبت های این مقطع

123 ..... فرع دوم: تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

126 ..... موضوع سوم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

خاتمه

127 ..... الف : نتیجه گیری

132 ..... ب : پیشنهادات

133 ..... ج : فهرست آیات

135 ..... د : فهرست اعلام

136 ..... ز : فهرست

138 ..... Abstract

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين الذي جعل الجنة داراً للمؤمنين المتقين و جعل جهنم مأوى لزمرة الكافرين الجاحدين و أنزل الفرقان هدايةً و هدى على سيد المرسلين و يسرَّ سبيلَ فهم كتابه لنبيه و صحابته أجمعين و لشرح و تفسير كتابه ، وَفَقَّ العلماء الراسخين الذين فسَّروا القرآن تفسيرَ التحليل و الإجمال و المقارن و الموضوع لأصحاب الدين و أشرف مكتبات الأمة الإسلامية بحظ وافر عن كتب المفسرين فالصلاة و السلام على خاتم النبيين ثم رضوان الله على أصحابه و أهله أجمعين و الذين تبعهم بالإحسان من العلماء و الفقهاء و الأدباء و الشعراء و المفسرين و المحدثين ، إلى يوم الدين .

اما بعد قَالَ تَعَالَى: ﴿ تَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ

اللَّهِ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ ﴿ سورة زمر: 1 و 2 ﴾ ترجمه : فروآوردن این کتاب از طرف الله غالب

و با حکمت است (2) البته این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای عبادت کن.

قرآن کریم چنان ریسمان الهی و قانون جاویدانی است که در گزرای تاریخ بشریت ، نمونه و مثال آنرا هیچ قوم و ملت و هیچ دین و آیین ، ندیده است ریسمانی که از بدء نزول تا اكمال آیات اش، سراسر نور، رحمت، هدایت ، نجات ، برکت.... را برای آنانی که در برابر آن سر تعظیم را فروآورده اند، در قبال داشته است و جهان تار و تاریک کفر و بربریت را به نور و روشنی ایمان ، چراغان ساخت و انسان های که جز اسم و قالب انسانی ، تمامی اوصاف انسانی را از دست داده و در گروه بهایم و حتی از آن بدتر شامل گردیده بودند را به جاده انسانیت قرار داده و حتی در زمره قدسیان یعنی فرشته گان و برتر از آنان قرار داد.

قرآنی که منشأ تمامی علوم دینی و مصدر نخست تشریح اسلامی است و قفسه های بی شماری از کتابخانه های امت اسلامی میزبان صدها نوع کتب تفسیر در مجلدات متعدد و مختلف می باشد



## اسباب اختیار موضوع :

موضوعی را که برای رساله ماستری خود انتخاب نموده ام علل و عوامل زیاد و گوناگونی دارد که در ذیل به عده ی آنها به شکل موجز می پردازم

- 1- بر علاوه رهنمایی و هدایت ویژه استاد رهنما ام \_ جناب دوکتور لیبب بلخی \_ دلچسپی و علاقه ذاتی خودم از مهم ترین عوامل اختیار این موضوع برای رساله ماستری ام می باشد.
  - 2- دنیا معاصر امروزه دست خوش هزارها تحولات و تغییرات در عرصه های گوناگون انسانی بوده که این تحولات برای انسان معاصر امتیازات و خدمات بی شماری را مهیا ساخته است، عرصه علوم نیز از موارد است که هزارها تحول را تا اکنون شاهد بوده است و علوم تفسیر و یا تفسیر قرآن کریم نیز دایما رو به انکشاف بوده است از جمله ، تفسیر موضوعی که شکل امروزی آن از موارد جدید و بکر این عرصه قلمداد شده و حوزه علوم دینی به آن نیاز مند می باشد بناء سیمای جامعه دینی ما از نیازمندی شدیدی، به این نوع تفسیر در قالب زبان دری و سلیس بازگویی دارد پس این تلاش کوچک بنده در این رساله برای پاسخگویی به این نیازمندی ترتیب شده است .
  - 3- به کارگیری اصول تفسیر موضوعی که در جریان درس ها آنرا فراگرفته ام در ساحه تطبیق از آنها استفاده کرده باشم.
  - 4- سوره زمر ، از مهم ترین سوره های قرآن کریم بوده که موضوع محوری آن را بحث توحید تشکیل می دهد بناء عرضه و تقدیم مسایل مهم و سر نوشت ساز توحید در پرتو این سوره ، برای نسل جدید و جوان جامعه ما ، از زمره مهم ترین عوامل انتخاب این موضوع در رساله هذا می باشد.
  - 5- بهره برداری از علم مناسبات ، که از موارد کلیدی در تفسیر موضوعی می باشد نیز یکی از عوامل انتخاب این موضوع می باشد .
- بناء با در نظر داشت موارد فوق ، مصمم بر آن شدم تا سوره زمر را مورد تفسیر به گونه موضوعی قرار دهم .

## اهمیت موضوع :

چنانکه پر وضوح است تفسیر قرآن کریم یکی از جمله موارد تحقیقی و علمی است که دست خوش تلاش های شایان و در خور دقت از سوی دانشمندان و محققین جهان اسلام به طور خاص و دانشمندان غرب به طور عام در گزارای تاریخ اسلام قرار داشته است و نیز ناگفته پیداست که تفسیر قرآن کریم ضمن اختلاف در زبان نگارش از اختلاف نظر در تاویل و توجیهاات مفسرین به دور نمانده و هر مفسر باوجود اهلیت و خبره از سلیقه های فردی و منشهای درونی در تفسیر عده ی از آیات قرآنی به دور

نمانده است بنا به اساس جهات متذکره و مواردی دیگری مکتبات و کتابخانه های دنیا از داشتن انواع مختلف کتب تفسیر پرده بر میدارد

مسئله اصلی که تحقیق بنده پیرامون آن میسر شد تقدیم و تهیه یک رساله کوچک ضمناً دربرگیرنده تشریح موضوعی سوره زمر، بیان درسها، اساسات تربیتی یا درسهای نهفته در آن می باشد که جهت بجا آوردن حق این رساله، بنده تا حد ممکن تلاش خواهد ورزید.

این رساله در زمانی در دسترس خواننده گان قرار میگیرد که جامعه افغانی ما در سطح کل و اهل زبان دری به سطح خاص از دسترسی به چنین رساله موجز ضمناً دربرگیرنده تمامی موضوعات تفسیر موضوعی یک سوره خاص قرآن کریم محرومند.

چنانکه بر همه گان معلوم است جوامع انسانی از توده های مختلف افراد با استعداد های متفاوت و نابرابر تشکیل میگردد که هیچگاه همه در یک سطح از خبره و آگاهی قرار ندارند پس نیاز است تا تحقیقات علمی در قالب های متفاوت و سبک های متنوع تقدیم اجتماع گردد تا عطش افشار گوناگون اجتماع را اشباع سازد بدین اساس بنده - جامعه افغانی را نیاز مند یک تحقیق موجز در عین حال جواب گوی یک سری از مسایل موضوعی پیرامون یک از سوره های قرآنی دانستم چنان تحقیقی که ساحه تطبیقی در زنده گانی افراد بیشتر از جامعه افغانی ما داشته باشد.

حقا که قرآن همه اش هدایت و رهنمایی است ولی اگر به گونه موضوعی به آن پرداخته شود و یک یک سوره آن مورد بازرسی و تفسیر موضوعی قرار گیرد بدون شک که فواید و مزایا خاص آن ضمن قابل دست رسی اسان به آن فراگیر خواهد شد و حق قرآن کریم تا حد المقذور انجام خواهد گردید که احتمالاً در ساحات تخصصی و غیر تخصصی مورد کار برد قرار گیرد و از نورانیت آیات قرآنی بهره برداری بیشتر صورت گیرد

تفسیر موضوعی سوره مبارکه الزمر چنانکه بزرگان دینی تصریح داشته اند از جمله سوره های مهم و اساسی در باب اعتقادات علی الخصوص توحید الهی بوده و از مسایل اعتقادی را بسیار به گونه ارزنده و زیبا به نمایش گرفته است. و از آنجا که همه میدانیم اصلاح کامل فرد حقا در گرو اصلاح اعتقاد و قضیه توحید می باشد.

در کل، این مسایل متذکره و موارد اند که در بابت اهمیت سوره مبارکه الزمر ارزنده تلقی می شوند.

### سوال های تحقیق:

عموماً بحث های تحقیقی روی مسایل علمی، در برگیرنده یک سری از سوال های مهم می باشد که در واقع الامر این سوال ها عامل اصلی و اساسی تحقیق پنداشته می شود بناء بحث بنده، نیز شامل یک عده سوال های می باشد که در ذیل به آنها اشاره می نمایم

### الف: سوال های اصلی تحقیق:

1. اهداف و مقاصد عمده سوره الزمر عبارت از چی اند؟
2. وجه تمسیه سوره الزمر به این اسم چی است؟
3. محور اصلی و اساسی سوره الزمر عبارت از چیست؟

### ب: سوال های فرعی:

1. درس ها و اندرز های نهفته در سوره الزمر، عبارت از چی اند؟
2. مناسبت سوره الزمر با سوره قبله و بعدی و نیز مناسبات در میان مقاطع این سوره از چی قرار اند؟

### 3. موضوعات اساسی و مهم سوره الزمر عبارت از چی اند؟

#### پیشینه تحقیق:

تفسیر موضوعی قرآن کریم پدیده‌ی نیست که به آن کم پرداخته شده باشد و از مسایل جدید و بکر محسوب گردد. بل تفسیر موضوعی بنا بر مزیت های آن از جمله مواردی است که دست خوش تحقیقات فراوان بوده است و تالیفات گران سنگی در حوزه وجود دارد مانند تفسیر فی ظلال القرآن ، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ، تفسیر المنیر ، تفسیر تفهیم القرآن و غیره و نیز در این راستا تحقیقات هم کم نیست که یک سوره معین قرآن کریم را مثل سوره - الزمر- احتوا نکرده باشد .

با سیر دقیق هر چند گزرا در یک و دو کتابخانه کشور و مراکز علمی و دینی در میابیم که عده‌ی از نوسنده گان و دانشمندان حوزه قرآن و تفسیر قرآن کریم در ساحه تفسیر موضوعی یک سوره خاص بی نصیب نمانده اند و قفسه های بی شمار از کتاب خانه ها میزبان صد ها نوشته‌ی کوچک و بزرگ از این دانشمندان در حوزه تفسیر موضوعی یک سوره خاص بوده است.

از سوی دیگر و در جهان اسلام بدون سیر و سفر - نا گفته پیداست که جهان اسلام الله الحمد از نوابغ و علامه های بزرگ در گزرای تاریخ برخوردار بوده که هر کدام زنده گانی خود را وقف علم قرآن کرده اند و در ساحت قرآن خدماتی شایان را انجام داده اند و تفاسیر ضخیم از قرآن کریم مثل - فی ظلال القرآن- و تفهیم القرآن - را به نسل های بعدی به میراث گذاشته اند نه تنها این بل که جهان اسلام از خادمان برحال قرآن کریم نیز بهره دارد که هر یک در ساحات مختلف تفسیر قرآن علی الخصوص تفسیر موضوعی تمام قرآن و یا یک سوره قرآن از اثر های گران قیمت برخوردار اند . اما باوجود این همه - مبالغه در ادبیات - تخصص گرایی محض - ادبیات کلیشه‌ی - حشو گزاف - اختلاف زبان - و تنوع موضوع شاید از جمله موارد باشند که درب نیاز به تفسیر موضوعی یک سوره قرآن کریم را در هر عصر و هر شرایط باز نگهداشته است و هر آن زنگ نیاز به تفسیر موضوعی یک یک سوره قرآن را به تکان میاورد .

گذشته از این تا حد اطلاع بنده تفسیر موضوعی یک سوره خاص عموماً در مورد سوره های مشهور و مکرر بوده است و شاید بسیار کم به سوره های مغفول از افاق بلند پرداخته شده باشد.

با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم پرداختن به تفسیر موضوعی - سوره الزمر در ضمن یک رساله که تمامی چارچوب اصولی یک تحقیق علمی مانند مقدمه فصول مباحث و نتایج را دارا باشد و آن هم به زبان سلیس و روان دری را - باوجود غنی و بی نیازی اهل تخصص از آن - یک نیاز مبرم جامعه خود می پندارم و به نصرت الهی کار را روی آن آغاز خواهم کرد.

#### اهداف تحقیق:

مسایل ذیل اهداف عمده بنده را در تحقیق هذا احتوا کرده است .

1. خدمت به دین و کتاب الله متعال از طریق تشریح موضوعی یکی از سوره های مهم قرآن کریم
2. آگاهی دهی برای مسلمانان مخصوصاً قشر جوان نسبت قرآن کریم و عمل به آن.
3. شرح و بیان موضوعات اساسی سوره الزمر
4. تطبیق اصول و موارد مهم تفسیر موضوعی در شرح و تفسیر یک سوره مهم قرآن کریم.

## روش تحقیق:

روش تحقیق بنده در این رساله روش موضوعی و بر اساس منهج تفسیر موضوعی بوده که مراحل ذیل را در آن مد نظر گرفته ام

1. بنده نخست پیرامون موضوع مطلوب مطالعات و تحقیقات مقدماتی ام را به گونه کامل انجام دادم و تا پایان تحقیق، مطالعه کتب مآخذی را ادامه داده ام.
2. بعد از جستجو در کتاب خانه ها و منابع انترنتی، کتاب ها و منابعی مطلوب در این تحقیق را جمع آوری و یا هم یاد داشت نمودم.
3. برای ترجمه نصوص قرآنی آیات سوره مبارکه الزمر از تفسیر کابلی که یک تفسیر مشهور در جامعه می پنداشته می شود استفاده کرده ام.
4. با وجود اینکه رساله بنده از احادیث بیشتر، بی نصیب بوده ولی با آن هم تا حد توان سعی کردم تا احادیث را از مصادر اصلی آن استخراج نمایم.
5. من در تهیه این تحقیق، با کتابخانه های فزیک و قابل دسترس مانند کتابخانه عمومی پوهنتون سلام، کتاب خانه شهید دوکتور محمد ایاز نیازی - رحمه الله - و غیره و نیز کتابخانه های دیجیتالی مانند المکتبة الشاملة، المکتبة النور و غیره بهره برده ام
6. بعد از تکمیل مطالعات و کار های مقدماتی به ترتیب و تهیه خطه و پلان بحث اقدام کردم.
7. برای ترجمه آیات از تفسیر کابلی بنابر سهولت تعبیر و دسترسی همگان به آن، استفاده نموده ام.
8. نسبت دادن درسها و اندرزها به آیه مربوطه در مقطع مورد بحث را، در میان قوس ناخونک، نگاشته ام.
9. اقوال علماء و دانشمندان را پیرامون هر آیه و مطلب در پاورقی نشانی نموده ام.
10. ترجمه اعلام را به ذکر منابع آن در پاورقی جا داده ام.
11. فهرست موضوعات را در ابتدا رساله و فهرست آیات، احادیث، اعلام و فهرست منابع را در آخر رساله جا داده ام.

## مشکلات بحث، پیرامون تهیه تحقیق:

طوری که بر همگان معلوم است، اجرای هر عمل و کار با یک سری از چالش ها و مشکلات همراه می باشد، بنده نیز در اجرای این تحقیق به یک سری از چالش ها دست و پنجه نرم کرده ام که در ذیل به آن می پردازم.

1. نبود یک کتاب خانه مجهز و با داشتن تمامی وسایل تحقیق، تا محققین با سهولت هر چه تمام به منابع و مآخذ مورد نظر دست رسی داشته باشند.
2. زیادی فاصله میان محل بودوباش بنده و کتابخانه های مورد نظر که بعضا جهت بهربرداری از کتب مطلوب، دچار ضیاعی وقت در مسیر راه می شدم.
3. موجودیت منابع گسترده پیرامون موضوع بحث بنده که احیانا در انتخاب منابع اصلی و فرعی، در دو راه گی قرار می گرفتم.

باوجود مشاغل متذکره، از جمله مزیت های که بنده در راستای تهیه این رساله داشتم، دست رسی کامل بنده با مسایل ادبی و زبانی، زبان عربی بوده که ترجمه و بهره گیری مطالب مورد نظر را برایم سهل و آسان ساخته بود.

## خطه بحث

بحث دست داشته شما با در نظر داشت معیار ها و اصول تحقیق، به شرح ذیل تقسیم بندی شده است

**مقدمه :** بیان مسایل مربوط به تحقیق

**تمهید:** مفاهیم کلی بحث

**موضوع اول :** تعریف تفسیر موضوعی

**موضوع دوم :** معرفی سوره زمر

فرع اول- معنی لغوی لفظ زمر

فرع دوم – معنی اصطلاحی لفظ الزمر

فرع سوم – موضوع محوری سوره الزمر

فرع چهارم – مناسبات در این سوره

**مقطع اول ( آیه های 1 الی 4):**

**نزول قران کریم از سوی الله متعال و تخصیص عبادات برای او تعالی**

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع اول

موضوع دوم : مناسبت این مقطع با محور اصلی سوره

ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع:موضوع سوم

فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

**مقطع دوم ( آیه های 5 الی 7 )**

**نشانه های از قدرت الله متعال در هستی و خلقت انسان**

**مقطع سوم ( آیه های 8 الی 9 )**

مقایسه انسان مؤمن با انسان کافر

**مقطع چهارم ( آیه های کریمه 10 الی 20 )**

رهنمایی برای اهل ایمان و بیم برای اهل شرک

**مقطع پنجم ( آیه کریمه 21)**

از دلایل وحدانیت و قدرت او تعالی

مقطع ششم ( آیه های کریمه 22 الی 26 )  
 تعامل مؤمنان با قران کریم و موقف کافران در برابر قرآن و سرانجام آنان  
 مقطع هفتم ( آیه کریمه 27 الی 31 )  
 ضرب المثل ها برای تذکیر و عربی بودن قران کریم  
 مقطع هشتم ( آیه های کریمه 32 الی 37 )  
 وعده های الهی برای مؤمنان و وعید به کافران  
 مقطع نهم ( آیه های کریمه 38 الی 40 )  
 گمراهی مشرکان و سرزنش آنان از سوی الله سبحانه  
 مقطع دهم ( آیه های کریمه 41 الی 48 )  
 نماد های از علم و توانایی الله متعالی  
 مقطع یازدهم ( 49 الی 52 )  
 تصویر انسان در میان نعمت ها و مصیبت ها  
 مقطع دوازدهم ( 53 الی 59 )  
 دعوت به برگشت بسوی خداوند تواب  
 مقطع سیزدهم ( 60 الی 67 )  
 حالات مردم در رستخیز و دلایل الوهیت و وحدانیت خداوند متعال  
 مقطع چهاردهم ( آیه های کریمه 68 الی 70 )  
 دو نفخه در صور و ترس و هیبت های رستخیز  
 مقطع پانزدهم ( آیه های کریمه 71 الی 75 )  
 سرانجام انسان های نیک بخت و بد بخت  
 خاتمه و نتیجه گیری : مهترین نکات به دست آمده از تحقیق، پیشنهادات و فهارس



## تمهید

### موضوع اول : تعریف تفسیر موضوعی

#### فرع اول : معنی لغوی

اصطلاح - تفسیر موضوعی - از دو کلمه تشکیل شده است که لازمه بررسی لغوی هر دو جزء تشکیل شده را دارد که نخست هر دو جزء را به تنهایی و سپس هر دو را منحصبت یک اصطلاح کامل به واکاوی می گیریم.<sup>1</sup>

امام ابن فارس<sup>2</sup> - رحمه الله - در مقایس اللغة گفته است : **الفسر كلمة تدل على بيان الشيء وإيضاحه**<sup>3</sup> ترجمه : واژه تفسیر در حقیقت کلمه است که بر بیان کردن و واضح ساختن بکار می رود. تفسیر لغت به معنی کشف کردن و بیان کردن را می گویند و در مفردات راغب به معنی اظهار کردن یک معنی معقول با مبالغه آمده است .

چنانکه در قران نیز این واژه به کار رفته است مانند ﴿ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَقْسِيرًا ﴾<sup>4</sup> {سوره الفرقان آیه 33} ترجمه : آنان مانند آنچه را که ما برای تو بر حق فرستاده ایم را هرگز آورده نمیتوانند ما انرا بر تو بر حق و بر بیان نیکو و مطلوب فرستاده ایم .  
تعریف موضوع : موضوع از \_ الوضع \_ به معنی گذاشتن چیزی در مکانی است و نیز گفته اند - الناقاة الواضعة - یعنی شتر که در گرد آب بچرد و از آن به دور نرود و - الموضوعة \_ به چیزی که صلاحیت تعدی را داشته باشد و کسی بر او تعدی نتواند گفته می شود<sup>4</sup> .

#### فرع دوم : معنی اصطلاحی

اما تفسیر در اصطلاح عبارت از علمیت که با آن معانی آیات قرآنی و مراد الله سبحانه به اندازه توان بشری بیان و واضح می گردد<sup>5</sup> .  
موضوع در اصطلاح به قضیه متعلق به بخش از بخش های زنده گانی بشر بوده که به آن در روشنایی آیات قرآنی پرداخته شود می باشد .

<sup>1</sup>مسلم - دوکتور مصطفی مباحث فی تفسیرالموضوعی . ط 3 - درالقلم دمشق- 1421-2000م ص 15 و 16  
<sup>2</sup> ابن فارس : احمد بن فارس بن زکریا قزوینی رازی - از ادیبان زبان و ادب بوده که در سال 329 هجری قمری موافق با 941 میلادی تولد شده است اصل او از قزوین بوده ولی مدتی در همدان اقامت گزین شده است که بعد ها به ری سفر کرده و در همان جا چشم از جهان بست وی -- صاحب تصانیف گران قیمت مانند مقایس اللغة - المجل و جامع التاویل فی تفسیر القرآن می باشد وی بالآخره در سال 395 هجری قمری مصف با 1004 میلادی درفانی را وداع گفته است . الأعلام للزکلی ج 1 ص 193  
<sup>3</sup> ابن فارس ، ابو الحسین أحمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة ، داراحیا التراث العربی - بیروت 2001 م ص 554 ماده «فسر»  
<sup>4</sup> مفردات فی غریب القرآن ج 1 ص 371  
<sup>5</sup> الزرکشی ، البرهان فی علوم القرآن ص 13

اما تفسیر موضوعی بعد از اینکه آنرا نوع از انواع تفسیر شناختیم علماء تعریف های متفاوت به آن بیان داشته اند.<sup>1</sup>

تفسیر موضوعی در اصطلاح علمیت که قضایا مختلف را بنابر مقاصد قرآنی در یک سوره معین و یا بیشتر به واکاوی می گیرد<sup>2</sup>

### فرع سوم : اهمیت و فواید تفسیر موضوعی

در باب اهمیت تفسیر موضوعی باز هم دکتور مصطفی مسلم به شرح ذیل بیان داشت است که فشرده آن را متذکر می شویم .

1. از آنجای که نیازمندی های اجتماعات انسانی روز افزون بوده و سیل از نظریات و افکار تازه در زمینه های مختلف دایم الوقت اجتماع بشری را احاطه می نماید لازم است تا به موضوعات مختلف و جدید در پرتو قرآن با اسلوب تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخته شود و این امر از اهمیت تفسیر موضوعی رو نمایی می دارد .

2. حقا که بررسی یک موضوع با جوانب مختلف آن در سایه آیات قرآنی ضمن جمع آوری ایت های مربوطه ، شناخت اسباب نزول و مراحل نزول همه در حقیقت بیان گر نماد از فضای تخصصی و علمی پیرامون موضوع می باشد که این چنین تحقیق تنها در دامن تفسیر موضوعی میسر بوده میتواند و بس.

3. محقق در دامن تفسیر موضوعی وجوه جدید اعجاز قرآنی را از بحر بیکران اعجاز قرآن کریم به دست آورده و برملا می سازد .

4. زمینه سازی برای تهداب گزارشی عده ی از علوم جدید در پرتو آیات قرآنی چنان در گذشته علمای شریعت اسلامی تهداب عده ی از علوم مانند علوم اللغة و فقه آیات احکام را در پرتو قرآن گذاشتند همین طور علوم جدید نیز باید از این امتیاز در دامن تفسیر موضوعی مستفید گردد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> مباحث فی تفسیرالموضوعی ص 16

<sup>2</sup> مصدر سابق ص 17

<sup>3</sup> مباحث فی تفسیرالموضوعی ص 30. 31 و 32



ابن فارس - رحمه الله - گفته است " حرف ( ز ، م ، ر ) حروف اصلی اند یکی انها دلالت بر قلت شیء و دومی دلالت بر نوعی از صوت می کند یعنی زَمَر و زِمِر معنی قلت را افاده می کنند مانند رَجُلٌ زَمِرُ المروءة یعنی مرد کم مرعوت . و اصل دوم آن ( الزَّمَر و الزَّمَار ) نوعی صوت از پرنده گان است از باب ( زَمَرْتُ تَزْمُرُ و تَزْمِرُ زِمَاراً ) هچنان خلیل احمد فراهیدی<sup>1</sup> - رحمه الله - می گوید که زَمَرُ که جمع آن المزامیر ، الزَمَر و الزامرُ از باب یزمرُ زَمراً است الزَمَارُ نوعی از صوت میباشد اما الزُمرة به معنی دسته از مردم است<sup>2</sup>»

امام جوهری<sup>3</sup> - رحمه الله - می گوید الزُمرة بمعنی گروه از مردم است که جمع آن الزُمَرُ یعنی گروه ها و دسته های از مردم<sup>4</sup>

### فرع سوم : تعریف اصطلاحی سوره

سوره در اصطلاح هر یک از سوره های صد و چهارده گانه قران که داری ابتدا و انتها باشد و ضمناً متشکل از لا اقل سه آیه کریمه و یا بیشتر بوده باشد می باشد.<sup>5</sup>

### فرع پنجم - وجه نامگذاری سوره زمر

سوره زمر بنام زمر نامگذاری شده است زیرا الله متعال از زمر که به معنی گروه است یادها می نموده طوریکه زمر خوشبخت تان از اهل بهشت را باکمال اعزاز و احترام در آیه ( 73 ) و در مقابل زمر بد بخت تان از اهل جهنم با کمال از تحقیر و سر نگونی شان را در آیه های ( 71 و 72 ) متذکر شده است.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> ابو عبد الرحمن الخلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم الفراهیدی الأزدی الیحمدی ، شاعر و نحوی ، عربی بصری ، وی یکی از علماء بارز در لغت و ادبیات زبانی عربی و نیز بانی علم العروض می باشد وی موسیقی و ایقاع در شعر نزد عبد الله ابن ابی اسحاق حضرمی فرا گرفته است وی در سال 100 هجری مطابق به 718 میلادی چشم به جهان گشوده است و در سال 170 هجری مطابق به 768 میلادی چشم از جهان بست در باره وی نصر بن شمیل گفت است هیچ کسی از زمانه او مانند او را ندیده و نه خود او هم مثل خود را در میان مردم ندیده است . سیر اعلام النبلاء ج 1 ص 341

<sup>2</sup> معجم مقاییس اللغة ص 324 ماده «زمر»

<sup>3</sup> جوهری : ابو نصر اسماعیل بن حماد جوهری - فرد لغوی ادیب و از امامان بخش لغت می باشد در اصل ایشان از ولایت فاریاب بوده که در سنین کودکی وارد عراق گردیده است و سپس به سوی حجاز رهسپار شد اما در آخر دوباره به سوی خراسان آمده و در نیشاپور مسکن گزین شده است او نخستین کسی است که برای پرواز کردن تلاش ورزید طوریکه وسیله چوبی ساخته و در سطح منزل خود بیرون آمده ندای ساخت وسیله را سر داد که توان پرواز را با آن به وی داده است در این میان مردم نیشاپور همه گرد آمده وی را نظاره گر شدند تا این که وی بعد از پرواز با وسیله خود ساخته اش دوباره سقوط کرد و در این جان خود را فدا نمود سال وفات وی را 393 گفته اند . زرکلی - الاعلام ج 1 ص 313.

<sup>4</sup> جوهری ، اسماعیل بن حماد ( ت 393 هجری ) الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة ، دارالعلم الملايين بیروت 1979 م ص 342

<sup>5</sup> الباحث

<sup>6</sup> التفسیر الموضوعی لسور القران الکریم ج 6 ، ص 473

## فرع ششم - ترتیب و تعداد آیات سوره زمر

سوره مبارکه زمر در ترتیب مصحف شریف سی و نهم (39) و ترتیب نزولی آن (59) و بعد از سوره سبأ نازل شده است که دارای 75 آیه بوده و در جز «24» حزب: «47 46» قرار گرفته است.<sup>1</sup>

## فرع هفتم - مکی یا مدنی بودن سوره زمر

امام قرطبی<sup>2</sup> در تفسیر خود چنین گفته است: این سوره بنا بر قول عکرمه<sup>3</sup>، عطاء<sup>4</sup> و جابر<sup>5</sup> بن عبد الله \_ رحمهم الله \_ مکی گفته شده است و ابن عباس - رضی الله عنه - دو آیت (الله نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ) {آیت 23} و (قُلْ يَا عِبَادِيَ \* الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا) {آیت 53} انرا مدنی گفته است و بعضی ها هفت آیت انرا از (قُلْ يَا عِبَادِيَ \* الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا) {آیت 53} الی آیت های بعدی که در مورد وحشی - رضی الله عنه - و همراهانش نازل گردیده است مدنی محسوب کرده اند.<sup>6</sup>

شیخ محمد بن صالح العثیمین<sup>7</sup> - رحمه الله - فرموده است " در باره مکی و مدنی بودن یک سوره اصل این است که هر گاه یک سوره قرآن کریم مکی گفته شود لازم است تا تمامی آیات ان مکی باشد و هرگاه یک سوره مدنی گفته شد نیز باید تمامی آیات ان مدنی باشد و اگر چند آیت در یک سوره مکی - مدنی شمرده شود و برعکس ان دریک سوره مدنی چند آیت به مکی بودن استثناء گردد باید در هر دو صورت دلیل موجه بر ان وجود داشته باشد " <sup>8</sup>

<sup>1</sup> همان مصدر ج 6 ص 473

<sup>2</sup> امام قرطبی \_ رحمه الله - : ابو عبدالله محمد ابن احمد بن ابوبکر بن فرح انصاری خزرجی اندلسی قرطبی یکی از امامان بزرگ تفسیر بوده که در قرن هفتم می زیست. قرطبی در سال 601 هجری قمری در شهر قرطبه دیده به جهان گشوده است و در سال 671 هجری قمری در همان شهر دیده از جهان بسته است، شمس الدین داوودی - طبقات المفسرین 1403 هجری 1983 م ، الناشر دارالکتب العلمیه ط 1 ج 2 ص 65 ، سال چاپ 1995 م بیروت دار القلم .

<sup>3</sup> عکرمه بن ابی جهل مخزومی متوفی 13 هجری یکی فولاد مردان دلیر انگشت شمار قریش و یکی از برجسته ترین و با نامترین سواران آنها بود ، در روز فتح مکه ، قریش وی در یافت که قریش قدرت مقابله با محمد و یارانش را ندارد تصمیم تسلیم را گرفت ولی وی از این فرمان سرباز زد و فرار کرد که بعدها بعد از اسلام آوردن خاتمش به اسلام گروید . تاریخ اسلام للذهبی ج 1 ص 380 چاپ بیروت .

<sup>4</sup> عطاء بن ابی رباح از جمله تابعین مشهور که در سال 27 هجری در یمن دیده به جهان گشوده و از شاگردان مشهور ابو هریره - رضی الله عنه - می باشد دست ایشان در جنگ با حجاج قطع شده بود ایشان همچنان در مکه مفتی و مرجع عام و خاص بودند ایشان در سال 114 هجری در دیار مکه وفات یافته است - میزان الاعتدال فی نقد الرجال - دار المعرفة - بیروت - لبنان ج 3 ص 70.

<sup>5</sup> جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام اسلمی یک تن از صاحب های جلیل القدر پیامبر صلی الله علیه و سلم - بوده که در سال 78 عمر 94 ساله گی وفات نمود است همچنان ایشان از جمله آن عده از اصحاب اند که در بین الرضوان حضور داشت است . تاریخ الاسلام للذهبی ج 1 ص 302 بیروت دار القلم.

<sup>6</sup> الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة و آی الفرقان ج 4 ص 290

<sup>7</sup> ابو عبدالله محمد بن صالح العثیمین الوهیبی التمیمی ، در 27 رمضان سال 1347 هجری مطابق به 9 مارچ سال 1929 میلادی در منطقه عنیزه سعودی دیده به جهان گشود وی یک عالم بزرگ فقیه ، خطیب ، استاد پوهنتون و عضو سابق در هیئت کبار علماء بوده که از وی صدها اثر گران سنگ در عصره های مختلف به جا مانده است بلاخره وی در 15 شوال سال 1421 هجری مطابق به 2001 میلادی دارالفانی را وداع گفت.

العثیمین محمد بن صالح ، تفسیر موضوعی سورة الزمر . ص 3.

<sup>8</sup> العثیمین محمد بن صالح - تفسیر سوره الزمر ، ط 1 - 1436 - مؤسسة محمد بن صالح العثیمین الخریة ص 8 و 9

بنا ما چنانکه قبل اشاره گردید در این مورد قول ابن عباس- رضی الله عنه - را منحیث دلیل ذکر کرده و گفتیم که دو آیت این سوره به قول ابن عباس - رضی الله عنها - یعنی آیت های 23 و 53 و بنا به قول عده دیگر از مفسیرین هفت آیت این سوره مدنی می باشد .

### فرع هشتم - فضایل سوره زمر

این سوره مبارکه از زمره سوره های المثانی است (گاهی تمامی سوره های قرآن کریم را بنا بر ﴿الله نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي﴾ ﴿سوره الزمر 23﴾ و ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْفُرْقَانَ الْعَظِيمِ﴾ ﴿سوره حجر 78﴾)

و در مورد فضیلت سوره های مثانی امام احمد - رحمه الله - و دیگر محدثان از حضرت واثله بن الاسقع<sup>1</sup> - رضی الله عنه - روایت کرده اند که پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و سلم - فرموده اند " ( أعطيت مكان التوراة السبع و أعطيت مكان الزبور المئين و أعطيت مكان الإنجيل المثاني و فضلت بالمفصل )<sup>2</sup> ترجمه : الله متعال برای من در برابر تورات سوره های السبع ، در برابر زبور سوره های المئين ، در برابر انجيل سوره المثانی را اعطا فرموده است و سوره های المفصل فضیلت بلا عوض او تعالی بر من می باشد .<sup>3</sup>

امام قرطبی - رحمه الله - گفته است : هر که دوست دارد قضا الله - جل جلال له - در پیرامون مخلوقات اش بداند باید سوره الغرف را بخواند<sup>4</sup>

### فرع نهم - موضوع محوری سوره زمر

از اینکه سوره زمر سوره مکی می باشد بنا محور اساسی آن قضیه توحید است چنان که در لابلای این سوره از به گونه های مختلف یاددهانی صورت گرفته است زیرا توحید اساس ایمان و باورمندی سالم و جوهر با ارزش برای عمل نیکو و صالح می باشد ( عمل صالح زمانی اهمیت پیدا می کند که به اساس ایمان توحیدی اجرا شده باشد )<sup>5</sup>

1 واثله بن اسقع بن عبد العزی بن عبد الیل اللیثی ، به کنیه ابو الخطاب یا ابو الاسقع یا ابو قرصافة و یا ابو شداد، یک تن از صحابه های جلیل القدر و از جمله اصحاب صفه می باشد وی در سال 9 هجری به اسلام گرویده و در غزوه تبوک اشتراک کرده است ایشان یک تن از مسلمانان فقیر بود. سیر اعلام النبلاء ص 410.  
2 الحديث أخرجه أبو داوود الطيالسي في مسنده ص 136 رقم 1012 . و أخرجه الامام أحمد في مسنده ج 4 ص 107 . و أورده الالباني في السلسلة الصحيحة ، حديث رقم : 1480 و قال : حديث حسن .

3 التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم ج 6 ص 477

4 الجامع لاحكام القرآن و المبين لما تضمنه السنة و آي الفرقان ج 4 ص 293

5 نخبة من علماء التفسير و علوم القرآن - التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم ج 6 ص 543



سید قطب<sup>1</sup> - رحمه الله - می فرماید : سوره زمر تقریباً در انحصار قضیه توحید و اصلاح عقیده توحیدی می باشد این سوره قلب انسانی را با موعظه های بیدارکننده و سریع تکان داده و برحقیقت توحید مطلع و آگاه می سازد طوریکه قلب ها بستر مناسب برای پذیرش عقیده توحید شده و از تمامی شبهات و شایبات مبرا می گردد بناء این سوره را یک موضوع خاص از آغاز تا انجام که به آن به شیوه های متفاوت پرداخت است احاطه کرده است.<sup>2</sup>

از آغاز این سوره قضیه توحید برملا می گردد مانند این قول الله متعال قَالَ تَعَالَى: ﴿ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنْ

اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ ﴿

ترجمه : فرود آوردن این کتاب از طرف الله غالب با حکمت است البته ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم پس الله را

در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای عبادت کن بدان که دین خالص مخصوص الله است . و این قضیه در مقاطع مختلف و متفاوت این سوره گاهی بگونه نص مستقل و گاهی به گونه مفهومی

تکرار گردیده است نمونه نص آن ﴿ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ

الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَاعْبُدُوا مَا

شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ﴿١٥﴾ قُلْ إِنَّ الْخَيْرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾

﴿ {سوره زمر آیه 15} ترجمه : بگو به من حکم شده است که الله را بپرستم در حالیکه دین را برای او

خالص گردانم و ( نیز) به من حکم شده که از اولین ( کس از ) مسلمانان باشم بگو: البته من اگر از پروردگارم نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می ترسم بگو: تنها الله را می پرستم در حالیکه دینم را خالص برای او کرده ام پس ( شما مشرکان ) هر چه را که می خواهید به جای او پرستش کنید بگو :

<sup>1</sup> سید قطب : ایشان ادیب متفکر و مفسر اسلامی مصری در روستای موشه ( موشا ) از توابع استان اسیوط مصر - که به روستای عبدالفتاح معروف است به تاریخ 1324 یا 1285 هجری شمسی دیده به جهان گشوده است او در سن شش ساله گی وارد مدرسه شد از او خدمات بسیار و آثار گران سنگ به نسل های بعد به میراث مانده است از آن جمله - مهمة الشاعر في الحياة -، شعر الجيل الحاضر ، الشاطبي المجهول ، التصوير الفنى في القرآن ، العدالة الاجتماعية في الاسلام ، تفسير في ظلال القرآن ، الدراسات الاسلامية و الجهاد في سبيل الله و .... ( فايز ابراهيم محمد - سید قطب و بیداری اسلامی - تهران : نشر احسان 1398 ص 5 )

<sup>2</sup> سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، دارالشروق، ج 5، ص 3044

زیان کار حقیقی کسانی هستند که خود و خانواده خود را در روز قیامت خسارت مند سازند. ونمونه از مفهوم ان این سخن الله متعال قال تَعَالَى: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِمُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ

هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ {سوره الزمر 29}

{سوره زمر آیه 29} ترجمه : الله ( برای توحید و شرک ) مثالی بیان کرده است مردی را که برده شریکان متعدد است که در باره ( مالکیت ) او ناسازند و مردی را که مطیع یک شخص است آیا این دو برابر اند ؟ حمد و ستایش مخصوص الله است بلکه بیشتر آنان نمی دانند . و نیز این فرموده الله متعال

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَنْ

يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾﴾ {سوره زمر آیه 37} ترجمه : آیا

الله برای بنده اش کافی نیست ؟ آنان تو را از غیر الله می ترسانند و هرکس را الله بخواد گمراه کند پس هیچ رهنمایی برای او نخواهد بود و هر کی را الله هدایت کند پس هیچ گمراه کننده برای او نخواهد بود آیا الله غالب انتقام گیر نیست ؟<sup>1</sup>

### فرع دهم : مناسبات در سوره زمر

با صرف نظر از نشات و پیدایش علم مناسبات و اختلاف علمای در این میان که دوکتور مصطفی مسلم – به آن صراحت کرده است به گونه مقدمه به بیان عده ی از مسایل مربوط به علم مناسبات از ایشان اکتفا می کنیم .

” مناسبت در لغت به معنی نزدیکی و هم شکلی را گویند و در اصطلاح عبارت از پیوند دهنده میان دو چیزی بر هر وسیله که باشد را گویند اما مناسبت در کلام الله مجید عبارت از ارتباط یک سوره با سوره ماقبل و ما بعد آن و نیز ارتباط آیه ها با آیه های ما قبل و ما بعد آن تعریف شده است . علم مناسبات میان سوره های قران کریم و میان آیه های یک سوره از زمره علوم دقیق و ظریف بوده که ضرورت به فهم دقیق آیه های قران کریم ،شناخت نظم و اعجاز قران ، همربایی با فضای نزول قران و اکثرا هم الهامات روحی و فکری شخص مفسر را اقتضا می نماید .

<sup>1</sup> فی ظلال القران. ج 5 ، ص 3054

مناسبات میان آیه های یک سوره لازمه این را دارد که باید ترتیب آیه های سوره امر توقیفی باشد که خوشبختانه قرآن کریم این افتخار را نیز دارد و امت اسلامی بی دون هیچ گونه اجتهادی در توقیفی بودن آیه های قرآنی اجماع کرده اند .

مناسبات در میان آیه های یک سوره به دو شکل است نخست اینکه هر آیه با آیه های مجاور خود مناسبتی دارد و دوم اینکه آیه های آغازین سوره با آیه های پایانی همان سوره مناسبت می داشته باشد و آن اینکه موضوع آغاز سوره در پایان سوره نیز تکرار می گردد.

همچنان مناسبت میان سوره های قرآن کریم زمانی مفهوم میابد که ترتیب سوره های امر توقیفی باشد نه اجتهادی که خوشبختانه جمهور علمای امت اسلامی بنابر دلایل موجه بر توقیفی بودن ترتیب سوره ها اجماع دارند.

مناسبات در میان دو سوره مجاور به ترتیب ذیل می باشد

ا. مناسبت میان آیه های آغازین سوره اول و آیه های پایانی سوره دوم که آن مناسب یا ظاهر و لفظی می باشد مانند تکرار لفظ یا مرادف آن و یا گاهی هم بر اساس معنی مستفاد و یا رابطه اسنادی و یا تعلق با عامل و غیره می باشد .

ب. مناسبت میان آیه های پایانی سوره دوم و آیه های آغازین سوره نخست.

ت. مناسبت میان مضمون هر دو سوره چنان که امام سیوطی - رحمه الله - بر این باور است که در هر سوره مواردی وجود دارد که به گونه اجمال ذکر شده اند و سوره متصل به آن تفصیل گر آن می باشد "1

## الف : مناسبت این سوره الزمر با سوره ما قبل و ما بعد

### 1 : مناسبت آغاز این سوره با آخر سور ماقبل ( ص )

مناسبت آیه های آغازین این سوره با آیه های پایانی سوره ماقبل یعنی سوره - ص - کاملاً هویدا است طوری که الله متعال در آخر سوره مبارکه ( ص ) فرمود ( **إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ** ) { سوره ص آیه 87 } و سپس در آغاز سوره زمر بیان داشت ( **تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنْ اللَّهِ** ) { سوره زمر آیه 1 } گویا همان -ذکر- که در آخر سوره زمر یاد شد ان عبارت از -تنزیل- است که در آغاز سوره زمر بیان گردید حتی اگر بسمله را از میان هر دو سوره مبارکه حذف کنیم در آن صورت هر دو آیه کریمه یک آیه کامل محسوب خواهد شد. از اینکه سوره - ص - قضیه عناد و سرکشی مشرکین را در ضمن اتخاذ معبودان

1. المباحث فی تفسیرالموضوعی . ص 84. 58 و 85

دورغین و شریکان برای خداوند متعال برجسته می ساز مناسب است تا سوره بعدی یعنی سوره زمر با پرداختن به قضیه برعکس ان یعنی اخلاص آغاز گر شود<sup>1</sup>

## 2: مناسبت مضمون سوره الزمر با مضمون سوره ماقبل (ص)

" در حقیقت وجوه ارتباطی محکمی میان مضمون سوره زمر با مضمون سوره ماقبل یعنی سوره – ص – وجود دارد که در ذیل به گونه موجز به چند مورد آن می پردازیم

ا. هر دو سوره قضیه توحید را به گونه مفصل مورد مناقشه قرار داده است در طور در سوره (ص)

خداوند متعال می فرماید ﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ ۗ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا سِحْرٌ كَذٰبٌ ۗ ﴿٤﴾ أَجَعَلَ

الْاٰلِهَةَ الْاِلٰهًا وَّحِدًا ۗ اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ ۗ ﴿٥﴾ وَاَنْطَقَ الْمَلَاۗءُ مِنْهُمْ اَنْ اَمْشُوا وَاَصْبِرُوْا عَلٰۤى اَهْتِكُمْ ۗ اِنَّ هٰذَا

لَشَيْءٌ يَّرَادُ ﴿٦﴾ مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِى الْاٰلَمَةِ الْاٰخِرَةِ ۗ اِنَّ هٰذَا اِلَّا اَخْتٰلٰكُ ﴿٧﴾ ﴿ ترجمه : از اینکه بیم دهنده ی

از نزد شان آمد تعجب کردند و کافران او را ساحر بسا دروغ گو گفتند و گفتند اینکه معبودان چندی را یک معبود بسازد در حقیقت این کار عجیب است و روسای شان از ( مجلس پیامبر ) بر آمدند و ( به دیگران گفتند ) بروید و بر (پرستش) بمعبودان خود صبر کنید بیگمان این ( مقاومت ) همان چیزی است که ( از شما ) خواسته می شود و ما این مطلب را در آیین اخیر ( دین قریش یا نصرانیت ) نشنیده ایم این آیین جز آیین دورغینی نیست.

و در سوره زمر مهربانی می کند ﴿اَلَا لِلّٰهِ الدِّیْنُ الْخَالِصُ ۗ وَالَّذِیْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِیَآءَ مَا

نَعْبُدُهُمْ اِلَّا لِيُقَرِّبُوْنَا اِلٰى اللّٰهِ زُلْفٰی ۗ اِنَّ اللّٰهَ یَحْكُمُ بَیْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِیْهِ یَخْتَلِفُوْنَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی

مَنْ هُوَ كٰذِبٌ ۗ كَفَّارٌ ﴿١٠﴾ لَوْ اَرَادَ اللّٰهُ اَنْ یَّتَّخِذَ وَلَدًا لَّاَصْطَفٰی مِمَّا یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ هُوَ اللّٰهُ

الْوَحِدُ الْقَهَّارُ ﴿١١﴾ ﴿ ترجمه : بدان که دین خالص مخصوص الله است و کسانی که به جای او

دوستانی گرفته اند ( می گویند ) ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای اینکه ما را به الله نزدیک کنند البته میان آنها در باره چیزی که در آن اختلاف می ورزیدند فیصله خواهد کرد یقینا الله متعال دروغ گوی

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 474

ناشکر را هدایت نمی کند اگر خداوند متعال می خواست ( برای خود ) فرزندی بگیرد حتما از آنچه که می آفریند چیزی را که می خواست برای خور اختیار می کرد او پاک و منزّه است ( از اینکه فرزندی داشته باشد ) و اوست که واحد و قهر کننده است

ب. هر دو سوره از سرانجام کار پرهیزگاران پرده بر می دارند چنانکه در سوره ( ص ) الله متعال می

فرماید ﴿ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٥٩﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَعَةٍ لَّهُمُ الْأُبُوبُ ﴿٦٠﴾ مُتَّكِنِينَ فِيهَا يُدْعَوْنَ

فِيهَا بِفَلَکِهِمْ کَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥٩﴾ \* وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتٌ أَلْوْفٌ أَرْبَابٌ ﴿٦٠﴾ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٩﴾ إِنَّ

هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٩﴾ ﴿٥٩﴾

ترجمه : و البته برای پرهیزگاران سرانجام نیک ( در آخرت ) خواهد بود باغ های جاویدان ( در بهشت ) در حالیکه در هایش به روی آنان گشوده است در انجا ( بر تخت ها ) تکیه می زنند و میوه های فراوان و نوشدنی های زیادی را طلب می کنند و نزد آنان زنانی اند که تنها به شوهرانشان چشم می دوزند و همگی هم سن و هم سال هستند این همان ثوابی است که برای روز حساب برای شما وعده داده شده است البته این عطا و روزی ماست که برای ان هیچ پایانی نیست .

و در سوره زمر خداوند در مورد می فرماید ﴿ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا

جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمْ عَلَيْكُمْ طِبِّئُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ

الْعَمَلِينَ ﴿٧٤﴾ ﴿٧٤﴾

ترجمه : و کسانی که از پرودگارشان می ترسیدند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده می شوند و تا چون به نزدیکی ان رسند ( مسرور می شوند ) و در هایش گشوده شود و نگهبانانش به آنان می گویند سلام بر شما باد پاک و نیک بودید پس خوش باشید و برای همیشه در آن درایید و ( اهل بهشت ) می گویند کشر آن ذاتی را است که وعده های اش در حق ما محقق ساخت و ما را

وارثان رمین ( بهشت ) گردانید از بهشت هر جا که بخواهیم مأوی می گیریم پس چه نیکوست پاداش عمل کنندگان .

ت. در هر دو سوره مبارکه از عاقبت مجرمین و گناه پیشه گان پرده برداری شده است طوری که الله

متعال در سوره ( ص ) فرموده است ﴿ هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَعَابٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا فَيَسَّ

الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقُ ﴿٥٧﴾ وَعَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِمْ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ

مَعَكُمْ لَا مَرْجَأَ بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْجَأَ بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيَسَّ

الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾ ترجمه : و البته برای

سرکشان سر انجام بدی است دوزخی که در آن وارد می شوند و ( دوزخ ) چه بد آرامگاه است این آب داغ و زود آب دوزخیان است که باید آنرا بچشند و عذاب های دیگری از همان نوع برای آنان است ( به سران کفر گویند ) این گروهی ( از پیروان شما ) اند که همراهی شما وارد ( دوزخ ) می شوند خوش آمدید برای آنان نیست چون آنان وارد دوزخ می شوند ( پیروان ) گویند بلکه شما را خوش آمدید مباد چون شما عذاب را بر ما پیش کردید پس چی بد جای قرار است دوزخ و گویند ای پروردگار ما هر کس ما را دچار این سرنوشت ساخته است پس در آتش عذاب او دو برابر بافزا.

و همچنان در سوره زمر الله متعال پیرامون کفار می فرماید ﴿ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا

أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَيَسَّ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

ترجمه : و کافران به طرف دوزخ گروه گروه رانده می شوند تا چون به نزدیکی آن رسند در هایش گشوده شود و نگهبانانش به آنان گویند ایا پیامبرانی از خودتان به نزدتان نیامدند تا آیات پروردگار را برای شما بخوانند و شما را از ملاقات چنین روزی بترسانند ؟ می گویند بلی : ولی فرمان عذاب بر



کافران ثابت و حتمی گردید به ایشان گفته شود از دروازه های دوزخ داخل شوید در حالیکه در آن جاویدانه خواهید بود پس چی بد است جایگاه متکبران .

امام سیوطی<sup>1</sup> - رحمه الله - در باره مناسبت این دو سوره می گوید: الله متعال در آخر سوره ( ص ) قصه خلقت آدم را یاد آوری کرده است و در آغاز سوره زمر قصه خلقت زوجه اش ، خلقت انسانها ، بیان اطوار خلقت انسان در رحم مادران ، بیان سرانجام انسان که همانا مرگ است ، بیان خواب انسان که نمونه از مرگ است ، بیان قیامت ، حساب و جزا ، جنت و جهنم را کرده است و فرمود ﴿ وَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ

بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾ پس ذکر مراحل خلقت از مبدا تا معاد متصل با ذکر خلقت آدم \_

علیه سلام - که در سوره ما قبل آمده است بازگویی از کمال مناسب بین این دو سوره می کند .<sup>2</sup>

### 3: مناسب این سوره با سوره بعدی ( غافر )

ارتباط و مناسبت میان این دو سوره ( سوره زمر و سوره غافر ) تماما واضح می باشد زیرا هنگامیکه سوره زمر از اهل جنت و دخول آنان به جنت سخن می راند سوره غافر از اینکه الله متعال گناهان و توبه آنان را بخشوده است سر صحبت را می گشاید الله متعال در سوره زمر فرمود ﴿ وَسِيقَ

الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمُوا عَلَيْكُمْ  
طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ  
الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمَلِينَ ﴿٧٤﴾

ترجمه : و کسانی که از پروردگارشان می ترسیدند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده می شوند و تا چون به نزدیکی آن رسند ( مسرور می شوند ) و درهایش گشوده شود و نگهبانانش به آنان می گویند سلام بر شما باد پاک و نیک بودید پس خوش باشید و برای همیشه در آن درآیید و ( اهل بهشت ) می

<sup>1</sup> سیوطی : جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر عالم شافعی قرن نهم و دهم است سیوطی در اواخر دوران شگوفایی علمی در مصر یعنی از زمان سقوط خلافت عباسی تا اوایل قرن دهم می زیست او از علمای مشهور بوده که در علوم مختلف و گوناگون از جمله حدیث ، مصطلح الحدیث ، نجوم و علوم قرآنی نوشته های بیش قیمت دارد وی در سال 809 هجری قمری در اسبوط مصر دیده به جهان گشوده و در سال 911 هجری قمری در مصر وفات یافته است . - الاعلام للزرکلی ج 2 ص 135

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم .. ج 6 ، ص 474

گویند شکر آن ذاتی را است که وعده های اش در حق ما محقق ساخت و ما را وارثان رمین ( بهشت ) گردانید از بهشت هر جا که بخواهیم مأوی می گیریم پس چه نیکوست پاداش عمل کنندگان .  
همه این آیات و آیات قبلی که در مورد کسانان از اهل شرک نازل شده اند با مقدمه سوره مبارکه غافر ملایمت و مناسب دارد طوریکه در سوره غافر سر سخن را چنین می گشاید ﴿عَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ

شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾

ترجمه : ( پروردگاریکه ) آمرزنده گناه ( و ) قبول کننده توبه ( است ) سخت سزا دهند و صاحب نعمت فراوان ( می باشد ) هیچ معبودی به حق جز او نیست و بازگشت ( همه ) بسوی اوست . گویا در باره سوره زمر سوالی را فرض می کند و ان اینکه چگونه است بصیر انسانها با اوصاف مذکور ؟ سوره غافر اثر جواب می دهد که مسیر این چنین افراد و باو اوصاف متذکره این طور می باشد و نیز سوره در حقیقت یک دفاع عقلی در برابر بهانه ها و دلایل مشرکین که بر علیه مسلمانان ساخته بودند می باشد طوریکه اخر سوره زمر یا موضوع ان بیانگر نتیجه مبارزه و مجادله بین دو گروه از مسلمان و کفار می باشد و این سوره نیز نتیجه انان را بیان می کند یعنی مسلمانان راستین به سوی بهشت و شرک و و اهل ان بسوی جهنم خواند رفت.<sup>1</sup>

### ب : مناسبت اول سوره زمر با آخر این سوره

مناسبت میان آغاز سوره زمر و انجام آن به گونه واضح وجود دارد طوریکه در آغاز این سوره تاکید بر نزول حقه قران کریم می کند ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾

{ سوره زمر آیه 2 }

ترجمه : هر ایینه ما قران را بر تو ( ای محمد ) به حق فرو فرستاده ایم پس خداوند را با خلاص کامل عبادت نما . و آیه های اخر ای این سوره نیز تاکید بر حقانیت فیصله روز حساب و قضاوت برحق آن می کند ﴿وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

{ سوره زمر 75 }

ترجمه : و در میان آنان به حق فیصله شده و گفته می شود : ستایش ذاتی را است که پروردگار جهانیان است .

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم .. ج 6 ص 475

<sup>2</sup> همان مصدر ج 6 ، ص 475

## مقطع اول ( آیه های کریمه 1 الی 4 )

### نزول قرآن کریم از سوی الله متعال و تخصیص عبادات برای او تعالی

این مقطع سوره مبارکه زمر از آیه کریمه نخست آغاز و با آیه کریمه چهارم به پایان می رسد که در آن موضوعات ذیل را به بررسی می گیریم.

### موضوع اول : سبب نزول آیات مقطع اول

شناخت شأن نزول ایت های قرآنی از جمله مواردی مهم و قابل ارزش پیرامون تفسیر دقیق و درست قرآن کریم میباشد و تاکید بر این مهم هیچ گاه از نظر علمای تفسیر و بزرگان این حوزه به دور نمانده است .

از جمله فواید مهم شناخت شأن نزول آیه های قرآنی به ذکر چهار مورد ان که در – التبیان فی علوم القرآن – آمده است در ذیل اشاره می کنیم.

أ. دست رسی به حکمت که باعث تشریع حکم شده است .

ب. دفع توهم حصر در آنچه که ظاهر اش اقتضا حصر را کند

ت. خاص گماشتن حکم به سببی خاص علی الخصوص نزد انانکه به اعتبار خصوص یک سبب باورمند هستند.

ث. شناخت اسم فردی که ایه در باره اش نازل شده است<sup>1</sup>

هچنان علمای تفسیر من جمله صاحب -فوز الکبیر - بر این باور اند که برای نزول هر آیه قرآنی وجود سبب خاص الزامی نمیشد چنانکه ولی الله دهلوی - رحمه الله - در این رابطه گفته است " در حقیقت هدف اصلی از نزول آیه های قرآن کریم همانا پاکی نفس بشری از انواع رذایل ، ازاله باورمندی های باطل و عمل کردهای فاسد می باشد پس وجود باورهای بیجا و باطل در اذهان مکلفین خود سبب نزول آیه های جدل ، وجود اعمال فاسد و بیدادگری ظلم و تعدی خود سبب نزول آیات احکام و غفلت و بی پروایی از سنت و یاد نعمات الهی و فرار سیدن مرگ و احوال بعد از آن تمامی خود سبب نزول آیه های حاوی پند ها و تذکیر می باشند اما سبب های خاص و قصه های که اکثر مفسران تفاسیر خویش را با آن ضخیم کرده اند همه حشو و گزافسرای محسوب می گردد جزء در مورد آیات که حاوی اشارات

<sup>1</sup> الصابونی - شیخ محمد علی - التبیان فی علوم القرآن . ط جدید - مکتبة بشری - 1432-2011م ص 34

بر عده ی از وقایع که در عصر نبوت یا بعد از آن رخ داده است می باشند که گاهی به آن الزامی قلمداد می گردد<sup>1</sup>

بنا با در نظر داشت آنچه گفته آمدیم ما در ذیل به معرفی شأن نزول آیه های مقطع اول سوره زمر می پردازیم

ولی قبل از آن بی فایده نخواهد بود تا از مساله نزول مکرر یک آیه کریمه و چندین شان نزول برای یک آیه کریمه نیز رونمایی کنیم تا شبیهه که در برابر کثرت داستان ها پیرامون شان نزول آیه های سوره زمر سر بلند می کند دفع شود

" در قران کریم گاهی هم یک آیت یا یک سوره بنا بر عظمت و بزرگی آن و بنا بر تذکر مجدد و خوف اغفال از آن دو باره نازل شده است چنانکه در باره دو بار نزول سوره فاتحه نخست در مکه و سپس در مدینه قایل اند بر علاوه این مفسران بر کثرت اسباب پیرامون نزول یک آیه نیز سخن گفته اند<sup>2</sup>" اکنون هم به بیان سبب نزول آیه های مقطع اول بر می گردیم که تنها برای آیه شماره سوم آن علمای متذکر شده اند .

﴿ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا ﴾ {سوره زمر آیت 3} جویبر از ابن عباس در مورد این آیت روایت کرد که ایشان فرمودند این آیت در مورد سه فرد ( عامر ، کنانه و بنی سلمه ) که بت ها را پرستش می کردند و فرشته گان را

دختران خداوند \_ العیاذ بالله می دانستند نازل شده و این چنین ادعا می کردند<sup>3</sup> ﴿ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا

لِقَرَّبُونَنَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى ﴾ {سوره زمر آیت 3}

## موضوع دوم : مناسبت مقطع اول با محور اصلی سوره

مناسبت مقطع اول سوره زمر با موضوع یا محور اصلی سوره واضح است طوری که در مقطع نخست تاکید بر نزول بر حق قران کریم بالای پیامبر \_ صلی الله علیه و سلم - شده ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ

بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ {سوره زمر آیه مبارکه 2}

<sup>1</sup> ولی الله دهلوی- احمد بن عبدالرحیم- الفوز الکبیر فی اصول التفسیر، ط1- 1429- 2008م ص 62 و 63

<sup>2</sup> زرکشی - بدرالدین محمد بن عبدالله - البرهان فی علوم القرآن، ص 29 و 30

<sup>3</sup> السیوطی - جلال الدین بن عبدالرحمن - لباب النقول فی أسباب النزول - ط 1 - مؤسسة الکتب الثقافیة - بیروت، ص 222

ترجمه : هر اینکه ما قرآن کریم را بر حق بالای تو نازل نمودیم پس خداوند را در حال عبادت نما که دین را خالص برای او تعالی کرده باشی ( با اخلاص عبادت اش نما )  
و نیز تاکید بر توحید الوهیت ضمناً بیان شیوه کامل از اخلاص را می کند و این در حالیست که محور اصلی سوره نیز اصرار بر توحید الله متعال دارد .<sup>1</sup>

### موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های مقطع اول

قَالَ تَعَالَى: ﴿ تَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٤﴾ تَوَارَدَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفِيَ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٥﴾

### فرع اول: ترجمه لفظی آیه های کریمه

فروآوردن این کتاب از طرف الله غالب و با حکمت است (2) البته این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم پس الله را در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانده ای عبادت کن (3) بدان که دین خالص مخصوص الله است و کسانی که به جای او دوستانی گرفته اند ( البته می گویند) ما آنان را عبادت نمی کنیم مگر برای آنکه ما را به الله نزدیک کنند البته الله میان آنها در باره چیزی که در آن اختلاف می ورزند فیصله خواهد کرد یقیناً الله دروغگوی ناشکر را هدایت نمی کند اگر خداوند متعال می خواست ( برای خود ) فرزندی بگیرد حتماً از آنچه که می آفریند چیزی را که می خواست برای خور اختیار می کرد او پاک و منزّه است ( از اینکه فرزندی داشته باشد) و اوست که واحد و قهر کننده است (4)

<sup>1</sup> ، نخبة من علماء التفسير و علوم القرآن- التفسير الموضوعی لسور القرآن الکریم بط 1 -1431-2010-الشارقة - الامارات العربية المتحدة.ص

فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( اصطفی ، القهار ، اِتَّخَذُوا ، كَفَّارٌ ، زُلْفَى ، سُبْحَانَ ، كتاب )

1 - اصطفی : فعل ماضی مفرد مذکر غایب ثلاثی مزید از باب افتعال می باشد .

اصطفی یصطفی اصطفاء فهو مصطف و المفعول مصطفی ، اصطفی فلانا ای اختاره و فضله .<sup>1</sup>

ترجمه : اصطفی به معنی انتخاب کردن و فضیلت دادن است

2 - القهار صیغة مبالغة من قهر : كثير القهر و الغلبة القهار من اسماء الله الحسنى و معناه : الذى

يقصم ظهر الجبابرة من اعدائه فيقهرهم بالإذلال .<sup>2</sup>

ترجمه : قهار صیغه مبالغه از فعل قَهَر بوده و به معنی زیاد قهر و کثرت غلبه می آید و این اسم از جمله

اسما الله است که معنی کامل ان عبارت از ذاتی است که کمر جبابره و دشمن های خویش می شکند و

بالای آن از باب ذلالت آنها قهر و خشمگین می باشد .

3 اِتَّخَذُوا : صیغه مذکر جمع غائب فعل ماضی معلوم از فعل اتخاذا بوده و فعل متعدی به دو مفعول

می باشد و نیز از جمله افعال الصیروة است

حوز الشی و تحصیله لنفسه أو لغيره .<sup>3</sup>

ترجمه : أخذ عبارت از بدست آوردن چیزی برای خود و یا دیگران می باشد . مانند این قول الله متعال

﴿ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعًا عِنْدَهُ إِتَّآ إِذَا لَطَلِمُونَ ﴾ ﴿٧٩﴾ {سوره یوسف آیه

کریمه 79}

ترجمه : یوسف گفت : بخدا پناه می برم از اینکه غیر از کسی را که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم

ما در آن صورت از ظالمان خواهیم بود.

اما در قرآن کریم این کلمه به گونه های ذیل به کار رفته است

• الله متعال فرموده ﴿ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾

{سوره کهف آیه 50}

ترجمه : ایا شیطان و اولاد انرا بغیر از من به دوستی می گیرید؟

امام زمخشری<sup>1</sup> گفته است ﴿ أَفَتَتَّخِذُونَهُ ﴾ همزه برای انکار و تعجب است<sup>2</sup>

<sup>1</sup> معجم مقایس اللغة ج 1 ص 231

<sup>2</sup> معجم الوسيط ج 1 ص 39

<sup>3</sup> الکیبسی - شیخ دوکتور احمد عبید - موسوعة الكلمة و إخوانها فی القرآن الکریم ، در المعرفة - بیروت . ج 5 ص 129

الله متعال فرمود ﴿ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا ﴾  
 {سوره بقره آیه 80}

ترجمه : بگو : آیا در نزد الله پیمانی گرفته اید ؟

امام رازی<sup>3</sup> (أتخذتم) در واقع سوال نیست بلکه برای انکار است زیرا جایز نیست که الله متعال حجت فرستاده اش \_ صلی الله علیه و سلم \_ را در بطلان سخن آنان به گونه سوال بیان کند و نیز این در حقیقت تنبیه به شیوه استدلال است و آن طور که هیچ راهی برای شناخت این تقدیر جز شنیدن وجود ندارد در صورت که دلیل شنیداری واجب است.<sup>4</sup>

خداوند تعالی فرموده ﴿ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ﴾  
 • {سوره بقره آیه 125}

ترجمه : جای نماز خواندن ابراهیم \_ علیه السلام \_ را برای خود جای نماز بسازید.

امام فخر رازی بیان داشته است : تقدیر این آیه اینست که زمانی ما کعبه را شرف داده و او را به توصیف کردیم طوری که آنرا جای رجوع همه گان و مکان امن ساختیم پس آنرا قبله برای خود بگیرد \_ او و فاء - گاهی هر یکی آنها در معنی وضع استعمال می شوند در حالیکه الفاء واضح است ولی هر کی آن را ( و اتخذوا ) با فتحه بخواند در واقع اخبار از فرزند ابراهیم \_ علیه السلام \_ است کسانی که از مقام ابراهیم \_ علیه السلام \_ برای خویشتن جای نماز ساخته اند در این صورت این آیه عطف بر (

<sup>1</sup> محمود بن عمر زمخشری خوارزمی مشهور به جارالله زمخشری ، مفسر و زبان شناس رسا ، ادیب و خطیب زبان عربی بوده و بر عده ی کثیر از علوم روزگار خویش واقف بود وی در راستای کسب علم رنج ها و سفر های زیادی را متقبل گردید تا جای که باری در سفر به سوی بخارا، از بالای مرکب اش به پائین افتید و پا اش شکست و این باعث شد که وی از مجبوریات این پا را قطع کند و در عوض از پای چوبی بهر برداری نماید وی در کهن سالی از راه بغداد عازم حج گردیده و در انجا با ابن شجری مصاحبت نمود و در این میان که شهرت اش فراگیر شده بود مکه برای سکونت خویش برگزید موردی که باعث ملقب شدن وی به جار الله گردید و این لقب برای او منحیث اسم علم قرار گرفت .امام زمخشری \_ رحمه الله \_ در روز عرفه در سال 538 ق مطابق به 12 جون سال 1144 میلادی وفات یافت که از وی آثار بی شماری مانند المفصل فی النحو، الامکنة و للجبال و المیاه فی الجغرافیا ، دیوان الشعر ، روس المسائل فی الفقه، المستقصى فی امثال العرب و تفسیر گران مایه او الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل \_ می باشد .وفیات الأعیان ج 2 ، ص509.

<sup>2</sup> زمخشری محمود بن عمر ، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التاویل، بیروت دارالکتاب العربی سال چاپ 1407 ق ج 4 ، ص 327

<sup>3</sup> امام زاری : ابو عبدالله محمد بن عمر حسین بن حسن تیمی بکری طبرستانی رازی فقیه ، متکلم ، فیلسوف و مفسیر حکیم مسلمان که در سال 544 قمری در \_ ری \_ متولد شده و فات اش را روز دوشنبه سال 606 قمری در هرات گفته اند ایشان ملقب به فخر الدین یا امام رازی و یا امام فخر رازی نیز شده اند او بر علوم نقلی و عقلی و نیز ادبی عصر خود تسلط داشته که برخی از مهم ترین آثار ایشان عبارت از تفسیر کبیر که به مفاتیح الغیب \_ مسمی می باشد البیان و البرهان ، زبدة العالم فی الکلام ، و شرح قانون ابن سینا و... الاعلام للزرکلی 6،313

<sup>4</sup> زاری فخر الدین ابو عبد الله محمد بن عمر - تفسر مفاتیح الغیب - بیروت - دار احیاء التراث العربی سال چاپ 1420 ج 3 ، ص 323

جعلنا البيت ) می شود یعنی شما نیز آنرا مکان نماز خود بگیرید و همچنان عطف آن بر ( و إذا جعلنا البيت ) جایز است یعنی وقتی را نیز یاد آوری کند که آنان مقام ابراهیم - علیه السلام - جای نماز خویش ساختند.<sup>1</sup>

خداوند متعال می فرماید ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ ﴾  
• ( {سوره الممتحنة آیه 1}

ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید دشمنان من و خود را به دوستی نگیرید شما با ایشان دوستی می کنید.

امام قرطبی \_ رحمه الله \_ می گوید: فاتخذ يتعدى الى مفعولين، که آن دو ( عدوی ) و ( اولیاء ) است و ( العدو ) بر وزن فعول از عدا می باشد مانند ( عفو ) از عفا و از اینکه بر وزن مصدر است دلالت بر جمع را نیز مانند دلالت اش بر مفرد می کند.<sup>2</sup>

• خداوند متعال می فرماید ( لاتخذت عليه اجرا ) {سوره الکهف آیه 77}

ترجمه : تا بر آن مزد می گرفتی.

امام ابو حیان<sup>3</sup> \_ رحمه الله \_ می گوید : اگر در این جا سوالی نباشد پس حقا که در ضمن آن انکار بر انجام فعل آن وجود دارد . و عبد الله ، حسن<sup>4</sup>، قتاده و ابن بحریه<sup>5</sup> آنرا ( لتخذت ) با تا مفتوحه و خاء مکسوره خوانده اند چنان که گفته اند - تخذ و اتخذ - مانند تبع و اتبع \_ از ( تخذ ) و حرف تا در تا ادغام شده است در حالیکه حرف تا در نزد بصریین اصل بوده و آنرا از ( الاخذ ) نمی شمارند و عده ی دیگر از علما ( الاتخاذ ) را از ( افتعال ) تصور کرده و تا آنرا اصلی پنداشته اند و ( تخذ ) مانند ( تقی ) از ( اتقی ) گفته اند.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> مصدر سابق ج 3 ، 326

<sup>2</sup> الجامع لاحکام القرآن و المبين لما تضمنه السنة و آي الفرقان ج 4 ص 241

<sup>3</sup> ابو حیان ، محمد بن يوسف بن علی بن يوسف ابن حبان أثیر الدین ابو حیان اندلسی ، از بزرگان تفسیر ، حدیث و ادبیات به شمار می رود. او در نواحی شهر غرناطه در سال 654 به دنیا آمده است که بعد ها به شهر مالقه مهاجرت نموده و در آن جا رشد یافته است او در رشته های مختلف علوم به یژه ادبیات عبرت دست بالای داشت که این امر موجب گردید تا او را به القابی مثل شیخ النحاة ، امام النحاة ، شیخ المحدثین و ریس العلماء یاد کنند وی در سال 745 در قاهره وفات یافت و در مقبره صوفیه بیرون از باب النصر به خاک سپاریده شد از وی آثاری زیاد به جا مانده است . الاعلام للزرکلی ج3 ص 292

<sup>4</sup> ابو سعید الحسن بن ابی الحسن یسار مولی زید بن ثابت انصاری ، یک تن از تابعین جلیل القدر بوده که در سال 21 هجری مطابق 642 در مدینه منوره به دنیا آمده است و در سال 110 هجری در بصره وفات یافته است وی ضمن القاب دیگر به لقب سید التابعین خوانده شده است . سیر الاعلام النبلاء ج2 ص 205

<sup>5</sup> احمد بن ماجد بن محمد یک تن از دانشمندان متبحر در علوم مختلف مانند جغرافیه و لغت و غیره بوده است که در سال 821 هجری به دنیا آمده است و در سال 906 هجری وفات کرده است . شذرات الذهب ابن عماد ، ج 1 ص 429.

<sup>6</sup> ابو حیان ، محمد بن يوسف الاندلسی ، بحرالمحیط فی التفسیر - مکتبة التجارية مصطفى احمد الباز ب ت ، ج 4 ، ص 203



امام آلوسی<sup>1</sup> \_ رحمه الله \_ گفته است : ( اتخذ ) از افتعال است و ( تا ) نخست آن اصلی و ( تا ) دومی آن ( تا ) افتعال بوده که اولی در دومی ادغام شده است ماده اصلی آن ( تخذ ) است نه ( أخذ ) و لو که معنی آنرا افاده نماید زیرا فا کلمه در صورت که همزه یا یای تبدیل شده از آن باشد تبدیل نمی شود . بنا بر این گفته شده است که ( إبتزر ) اشتباه و یا هم از باب شاذ و نادر است و این مورد در زبان فصیح شایع و مروج می باشد.<sup>2</sup>

### 3- کفار :

اسم مبالغه از کفر به معنی پنهان کردن از باب نصرَ چنان که لبید<sup>3</sup> گفته است: في ليلة كفر

النجوم غمامها.<sup>4</sup>

ترجمه : در شبی که ستارها سایه های خود پنهان کرده اند

و نیز از جمله آن کفر و انکار نعمت است که در حالت کفر در برابر و ضد شکر قرار می گیرد  
طوریکه الله متعال می فرماید : (إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)<sup>5</sup>.

ترجمه : یا اینکه بنده شکر گزار می باشد و یا اینکه ناشکر و منکر نعمت .

و نیز الله متعال می فرماید : (أَلَا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ)<sup>6</sup>

ترجمه : آگاه باشید که تمودیان بر پروردگار خود ناسپاسی کردند.

در دعای قنوت نیز می گوئیم ونشكرك ولا نكفرك"

ترجمه : و سپاس ترا ادا می نمایم و کفران نعمت ات را انجام نمی دهیم

ولی هرگاه با حرف جر ( ب ) بکار رود در آن صورت معنی ضد ایمان را افاده می نماید طوریکه الله

سبحان فرموده است: (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ)<sup>7</sup>.

ترجمه : و هر کسی که به طاغوت کفر ورزد و به الله ایمان بیاورد.

---

<sup>1</sup> آلوسی ، شهاب الدین محمود بن عبدالله ( 1270 - 1217 هجری ، 1854 - 1802 م ) فقیه شافعی مذهب ، مفسر ، ادیب عربی ، و مفتی عراق در سده سیزدهم هجری بود ایشان در زیرکی و زکات و معجوبه بودند طوری که در 13 ساله گی شرحی بر قطر الندی نوشت و بعد از علمای - مشهور بغداد اجازه روایت یافت و خود از زمره استادان و بزرگان قرار گرفته و ملقب به « علامه » گردید وی آثار زیادی را در علوم و فنون چون ادبیات ، تراجم ، منطق ، عرفان ، عقیده و تفسیر از خود به جا مانده است که بزرگترین و مشهورترین تفسیر وی بنام روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی - می باشد . وفيات الأعیان ج 2 ، ص 232.

<sup>2</sup> آلوسی ، ابو الفضل شهاب الدین محمود بغدادی ، تفسیر روح المعانی ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، لبنان ج 8 ، ص 349

<sup>3</sup> ابو عقیل لبید بن ربیعة بن مالک العامری بن عامر بن صعصعة از قبیله هوازن بوده که وی را همچو شاعر و اسب سوران برجسته جزیره العربیة همه می شناسند این شاعر خیره در سال 560 میلادی به نیا آمده است و در سال 41 هجری مطابق به 661 میلادی به 100 یا 101 ساله گی وفات یافته است . وفيات الاعیان ج 2 ص 421

<sup>4</sup> معلقة ابن لبید در دیوانش 309 الأشعار 365 و شرح ابن الانباری 360

<sup>5</sup> سورة الإنسان 72 : 3

<sup>6</sup> سورة هود 11 : 68

<sup>7</sup> سورة البقرة 2 : 256

ولی چون مطلق ذکر گردد در حالت به معنی انکار از لوازم ایمان بوده چنانکه قبلا اشاره شد و مراد از ان کفران نعمت ها می باشد طوریکه الله متعال گفته است: (فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ)<sup>1</sup>.

ترجمه: پس بعضی از شما کافر باشد و بعضی هم مومن باشد.

و در پایان به یاد باید داشت که این کلمه بسیار قدیمی بوده که در زبان سامی و انگلیسی به کلمه کور (cover) و که به معنی پنهان کردن و ستر کردن می آید و در زبان عربی واژه های دیگر نیز بر همین معنی وجود مانند (لَفَّ ، غَفَر ، سَتَر ...) <sup>2</sup>

#### 4- زلفی :

به معنی مقام نزدیک مانند این فرموده الله متعال ﴿ مَا تَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى ﴾<sup>3</sup>

ترجمه: ما این بت ها در کنار الله فقط برای نزدیکی با الله متعال عبادت می کنیم.

ابن فارس – رحمه الله – می گوید حروف ( ز ل ف ) بر پیشی در مقام دلالت می کند مانند گفته شده است ( ازلف الرجل ) ترجمه: یعنی مرد پیشی گرفت .

و ( المزدلفة ) که درمکه است بخاطر نزدیک شدن مردم به منی بعد از افاضه از عرفات به این نام مسمی شده است .

و گفته اند ( لفلان عند فلان زلفی ) ترجمه: برای فلان فرد نزد فلان فرد دیگر قرب مقام است.

چنانکه الله متعال در این آیه کریمه گفته است ( و إن له عندنا لزلفی )<sup>4</sup>

ترجمه: هر آینه برای او در نزد ما نزدیکی وجود دارد .<sup>5</sup>

#### الزلفة بالتحريك : منزلة و مرتبة و درجة و جمعه زلف<sup>6</sup>

ترجمه: الزلفة به معنی منزلت ، مرتبه و درجه بوده و جمع ان زلف است .

5- سبحان : امام عبد الحمید الفراهی<sup>7</sup> در مفردات القرآن چنین گفته است : سبحانک یعنی چی ذات عظیم

و بزرگی که در قران کریم زیاد بکار رفته است مانند (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ)<sup>1</sup>.

1 سورة التغابن 64: 2

2 الفراهی عبد الحمید – مفردات القرآن - المورد معهد العلم الإسلامي، لاهور ص 98

3 سورة الزمر: 3

4 سورة ص 25 و 40

5 امعجم مقابیس اللغة ص 509 ماده «زلفی»

6 معجم الوسيط ج 2 ص 211

7 عبد الحمید بن عبدالکریم بن قربان قنبری انصاری الفراهی، وی در قریه فراهیه در حوالی منطقه اعظم کره در سال 1963 م – 1280 هجری چشم به جهان گشود و در سال 1930 م – 1349 هجری در شهر متھرا وفات کرده است وی بانی مدرسه الاصلاح که در آن زبان عربی فراگرفته می شود است بوده و از ای آثار زیاد در ارتباط به علوم دینی به جا مانده است مانند مفردات القرآن و غیره . معجم الباطین لشعراء العربیة فی القرن التاسع عشر و العشرین ، مؤسسة عبد العزيز السعود 1436 هجری.

ترجمه : پاک و منزّه است پروردگارت پروردگار صاحب عزت از توصیف های که کافران ( در باره او ) می کنند .

(سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ)<sup>2</sup>

ترجمه : پاک و منزّه است الله متعال و ذات او بلند است از آنچه کافران بدان شریک می آورند .  
و گاهی هم این کلمه برای دعا و درخواست به کار می رود مانند (دَعُواهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ)<sup>3</sup>،  
ترجمه : و سخن شان در آن جا ( جنت ) این باشد ( که گویند ) پاکی تر است بار الهی.

و این قول الله سبحان : (فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ)<sup>4</sup>.

ترجمه : و چون به هوش آمد گفت پاکی ترا است من به سوی تو توبه و برگشت کرده ام .  
که در معنی باید با توبه بکار رود.

و نیز برای ایجاد یک امری چنانکه شایع در مصدر هم است بکار می رود و آن زمانی که آن امر قبل از  
آن مقدر پنداشته شود مانند این آیه (عُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ)<sup>5</sup>.

ترجمه : مغفرت از تو می خواهیم ای پروردگار ما و بازگشت ما به سوی تو است .

که این کلمه نیز به این منوال به کار رفته است مانند قول الله متعال (فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ  
تُصْبِحُونَ)<sup>6</sup>

ترجمه : پس چون در وقت شام و در وقت صبح وارد می شوید الله را به پاکی یاد کنید .

و همچنان این کلمه برای انکار در ضمن تعجب بکار می رود مانند این فرموده باری تعالی (سُبْحَانَكَ هَذَا  
بُهْتَانٌ عَظِيمٌ)<sup>7</sup>.

ترجمه : چرا وقتی آن ( بهتان بزرگ و ناروا ) را شنیدید نگفتید : برای ما سزاوار نیست که به آن سخن  
بگوییم ( ای الله ) تو را به پاکی یاد می کنیم این بهتانی بزرگ است .

و نیز (وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ)<sup>8</sup>.

ترجمه : و برای الله دختران را قرار می دهند پاک است او و برای خود آنچه را دوست دارند قرار می  
دهند .<sup>1</sup>

1 سورة الصافات 37: 180

2 سورة القصص 28: 68

3 سورة يونس 10: 10

4 سورة الأعراف 7: 143

5 سورة البقرة 2: 285

6 سورة الروم 30: 17

7 سورة النور 24: 16

8 سورة النحل 16: 57

## 6 - کتاب :

دارای معنی زیاد است کتاب الله که بر رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نازل شده و تلاوت آن عبادت می باشد .

همچنان قضای مقررہ الله متعال که از سوی او تعالی قابل تنفیذ می باشد طوریکه الله متعال می گوید :  
(وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ)<sup>2</sup>.

ترجمه : ما هیچ قریه را هلاک نساخته ایم مگر این برای آن اجل معین وجود داشته است .

نیز به معنی شریعت و نظام که برای ما تعیین کرده است مانند این قول باری تعالی (وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ)<sup>3</sup>.  
ترجمه : ( تا پیامبر انسان های ) کتاب ( شریعت ) را بیاموزد.

کتاب یعنی چیزی که مشتمل بر قضای الهی باشد بنابر معنی دوم آن چنانکه در این آیه آمده است  
(وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ)<sup>4</sup>.

ترجمه : هیچ مورد تر و خشک و جود ندارد مگر ( اینکه قضا و قدر آن ) در کتاب مبین تعیین شده است.  
کتاب به معنی نامه و آنچه که نوشته می شود مانند این سخن الله متعال (إِنِّي أَنزَلْتُ إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا)<sup>5</sup>.

ترجمه : هر آینه بر من نامه کریم رسیده است.<sup>6</sup>

### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه

امام ابن کثیر<sup>7</sup> می گوید : یعنی الله متعال را چنان پرستش کن که هیچ شریک برای او قایل نباشی و او را هیچ شریک و مانندی نیست ( اِلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ) یعنی الله متعال هیچ عملی را از عاملی بدون اخلاص نمی پذیرد تا این که بر او تعالی عقیده سالم نداشته باشد .<sup>8</sup>

1 مفردات القرآن ص 69 و 70

2 سورة الحجر 4:15

3 سورة الجمعة 62:2

4 سورة الأنعام 6:59

5 سورة النمل 27:29

6 مفردات القرآن ص 71

7 ابن کثیر : امام عماد الدین ابو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی شافعی وی در یکی از قریه های منطقه (بصری) که در شام یا سوریه امروزی تولد شده و که درباره سال تولد ایشان قول راجح سال 700 هجری قمری است . و ایشان در سال 770 هجری قمری در ماه شعبان در دمشق وفات نموده است . پدر وی ابو حفص عمر یکی از جمله علمای برجسته و خطباء ی منطقه خود در شام بود ابن کثیر پس از وفات پدر به دمشق جهت کسب علم رفت و در سن خورد سالی پی علم را گرفت یعنی در سن کودکی قران کریم را حفظ کرده سپس به آموزش علم فقه ، حدیث ، تفسیر ، تاریخ و لغت پرداخت . الاعلام للزرکلی ج 1 ص 308.

8 ابن کثیر ، ابی الفداء اسماعیل بن عمر تفسیر ابن کثیر- تفسیر القرآن العظیم

امام رازی - رحمه الله - می فرمایند : آیات نخست این سوره بر منزله بودن الله متعال از هر گونه فرزند دلالت می کند و بیان می دارد که الله متعال واحد و یگانه است و به تعقیب آن از کمال قدرت و بی نیازی او تعالی پرده برمی دارد و همچنان الله متعال ضمن آیات بعدی پرستش بت ها را مورد تحقیر قرار داده و صفات که مخصوص الله متعال است را برای او خود ثابت می کند.<sup>1</sup>

توحید الله متعال و اخلاص در دین برای او تعالی مورد سنگین بر سر زبان نیست بلکه در حقیقت توحید و باورمندی بر الله سبحان همانا نظام و رهنمایی تمامی زندگانی است که از ضمیر و قلب سرچشمه گرفته و بر تمامی ابعاد زنده گی فردی و اجتماعی را احتوا می کند قلبی که به وحدانیت الله متعال قایل باشد تمامی کار ها را محضاً لله اجرا کرده و هیچ گاهی بسوی غیر الله مایل نمیشود هر نیاز خود را از الله متعال خواسته و بر هیچ کسی از مخلوقات جز الله سبحان اعتماد و تکیه نمی کند چون الله متعال به تنهایی خود نزد او همه کاره برتر و قهار بر بنده گان اش می باشد و هر آنچه از بنده گان وجود دارد همه ضعیف و ناتوان بوده که هیچ گاه توان فایده رسانیدن و یا ضرر رسانیدن را ندارند پس این چنین قلب اصلاً ضرورت برگشتن بسوی غیر الله احساس نکرده و همه را مثل خود سلب صلاحیت ضرر رسانیدن و فایده رسانیدن به دیگر تصور می کند و در حقیقت الله متعال خیر رساننده و ضرر رساننده می باشد همچنان قلبی که به سرمایه ایمان مجهز گردیده و باومند صالح بر الله گردد در حقیقت همه کار ها و امور زنده گی خود جز نظام و سنت الله متعال می داند که هر طوریکه بخواهد در آن تصرف می کند و نظامی زنده گی انسان ها راست و درست نمیگردد مگر با تطابق به نظامی خداوندی از این جهت هیچ انتخاب جز انتخاب خداوند نداشته و جز به نظام و شریعت الهی سر تعظیم به هیچ نظام و قانونی فرو نمیآورد همچنان قلبی موحد قرابت و نزدیکی میان خود و تمامی مخلوقات که خداوند در کائنات به ودیعت نهاده است درک کرده در کنار انها به مثابه دوست و همنشین خوب به سر می برد و نشانی از دست الله متعال در همه مخلوقات به وضوح می بیند و هرزگهی احساس نزدیکی با الله متعال داشته و خود را دایم از حوادث ناشی از مخلوقات ایمن می پندارد و هر گونه تصرف و دخل در امور زنده گی خود و دنیا را بر حسب مشیت و اراده او تعالی تلقی می کند . همان طوریکه اثار و علایم توحید در اعمال موحد برجسته است در احساسات و عواطف او نیز به میزان بیشتر و اندازه درشت برملا است طوریکه زنده گانی دنیا را تماماً به خواست الله متعال ترسم کرده و از انحصار توحید تنها بر

---

<sup>1</sup> مفاتیح الغیب ج 7 ص 192

زبان بی زاری دارد بنا پابندی به توحید الله متعال تکرار آن در زنده گی روز مره پیام کتاب الله متعال است کتابی که الله متعال آنرا نازل کرده و نیازمند تدبر در هر زمان و عصر می باشد.<sup>1</sup>

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ {سوره زمر آیه مبارکه 2}

اساس حق که کتاب بر مبنای آن نازل شده است وحدانیت مطلقه الله متعال که کائنات بر آن استوار یافته است می باشد و در آیه کریمه شماره پنجم این سوره میاید (خلق السموات و الأرض بالحق) ترجمه: الله متعال آسمان ها و زمین را بر مبنای حق آفریده است. یعنی حقیقت جازم همه هستی وحدانیت الله متعال می باشد طوریکه آسمان ها و زمین بر اساس آن استوار است و کتاب الهی جهت بازگویی آن نزول یافته گویا نظام بر حال کائنات، ثبات زمین و زمان و بیان رسای کتاب الهی همه از وحدانیت الله متعال سر میدهند و این همان حقیقت بزرگ کائنات می باشد که هر مخلوق دست صنایع بر وجود آن گواهی می دهد.<sup>2</sup>

این سوره مبارکه با پرداختن در مورد قران کریم کتابی معجزه جاویدانی بر پیامبر - صلی الله علیه و سلم - نازل شده است آغاز می شود ضمنا تاکید بر این مهم میدارد که قران کریم همان کتاب نازل شده از سوی باری تعالی می باشد و بس ذاتی که غالب بر همه موارد هستی و صاحب حکمت بالغه در تمامی تصرفات و افعال خود می باشد

و این قران هیچ گاه سخن خود ساخته و بافته چنان منکرین کور دل و دیده می پندارند نیست در حقیقت آنان بیراهه گی را در برابر هدایت و رهنمایی انتخاب گر شده اند. در واقع ای فرستاده خدا، الله متعال افتخار نزول قران کریم برای تو اختصاص داده چنانچه در فرورفردان آن حقانیت آن و توحید هویدا است ضمنا هیچ گونه باطل و بی راهه گی در آن راه ندارد که این خود برهان محکم بر وجوب مفیولیت قران کریم و الزامی بودن عمل بالای تمامی آیه های می باشد.

پس خداوند را در حال که دین خود را برای او خالص نموده ای پرستش و عبادت نما و حذر دار از هر گونه نیت و هدفی که وابسته به غیر او تعالی در کار هایت باشد. آگاه باش که دینداری دور از هرگونه شرک و شائبه تنها زبینه برای الله سبحان بوده و آن مشرکان که دهل پرستش و به دوستی گرفتن غیر او تعالی هرزگهی می نوازند و ادعای می کنند که این بت ها را

<sup>1</sup> فی ظلال القرآن ج 5 ، 3038  
<sup>2</sup> همان مصدر سابق ج 5 ، ص 3040

همچو افریننده و خالق خود ما و هستی پرستش نمی کنیم بل که عبادت ما برای آنها جز برای نزدیک شدن ما با الله متعال و زمینه سازی شفاعت ما توسط آنان در نزد الله نیست در حقیقت الله متعال میان این مشرکان و مومنان واقعی الله متعال ان در باره آنچه آنان با هم داریم در اختلاف اند حکم خواهد کرد.<sup>1</sup>

او باری تعالی هیچ گاه فرد دورغ پیشه و دورغ ساز بر پروردگار خود را به جاده فلاح و خیر رهنمود نخواهد زیرا این چنین فرد حقا که در کفر ورزی خود نسبت به پروردگار خود زیاده روی نموده و دست به مبالغه زده است .

در این آیه کریمه اشاره و توضیح نسبت به کفرورزی و افترای آنان وجود دارد افترای که بیان گر ولی و کار ساز و شافع گرفتار بت ها و فرشته گان خداوند توسط آنان است .

بالفرض و التقدير اگر او باری تعالی اراده و خواست فرزند داشتن را می کرد حقا که در آن صورت صلاحیت گرفتن هر نوع مخلوق را برای فرزندی داشت و آنها به طریقه و شیوه توالد و تناسل نه زیرا این شیوه منافی ذات باری تعالی است ولی اراده و مشئت او تعالی بر گرفتن و داشتن فرزند برای خود نرفته است

چنانکه در سوره مریم آیه شماره 92 می فرماید ﴿ وَمَا يَتَّبِعِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴾

ترجمه : برای الله متعال و ذات رحمن به هیچ وجه مناسب نیست که فرزندی را برای خود اختیار نماید.<sup>2</sup>

همچنان صاحب تفسیر فی ظلال القرآن – می گوید " این در حقیقت فرضیه برای مجادله و مناقشه است یعنی اگر الله متعالی اراده گرفتن فرزند را می کرد خامخا این توان را داشت تا از هر نوع مخلوق که او باری تعالی اراده داشت می گرفت زیرا اراده مطلقه در همه کائنات تنها . و تنها مخصوص او تعالی می باشد .

اراده ی که هیچ گاه مقید شده نمی تواند ولی او باری تعالی ذات خود از صفات مخلوقات من جمله توالد و تناسل و یا داشتن فرزند پاک و منزه گردانیده است و برای هیچ کسی مناسب و شایسته نسیت که تا برای الله سبحان فرزندی را نسبت نماید و این در حقیقت باز گویی از اراده مشئت و تقدیر او تعالی می کند که فرزندی را برای خود نگرفته و ذات خود را از داشتن شریک و فرزند منزه داشته است .<sup>3</sup>

<sup>1</sup> نخبة من علماء التفسير و علوم القرآن- التفسير الموضوعی لسور القرآن الکریم ط 1- 1431-2010-الشارقة – الامارات العربية المتحدة ج 6 ص 477

<sup>1</sup> فی ظلال القرآن ج 5 ص 3037

<sup>2</sup> التفسير الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 477

<sup>3</sup> فی ظلال القرآن ج 5 ص 3037

ابن جزی - رحمة الله عليه - در تسهیل می فرماید " الله سبحانه ذات خود را از داشتن و گرفتن فرزند و ولد منزه و بری قلمداد نموده است سپس خویشتن را واحد و یگانه توصیف نموده زیرا وحدانیت و یگانه گی منافی و متناقض با داشتن فرزند و گرفتن ولد است زیرا اگر او تعالی فرزندی می داشت بنا باید از جنس خود او می بود در حالیکه هیچ همجنسی او را نسزد زیرا او یگانه و تنها است . همچنان خود را قهار توصیف کرده است تا دال بر عدم شریکان و انباز برای او تعالی باشد زیرا صفت قهار لازمه مجبور و ملازم بودن تمامی مخلوق را در تحت قهر او تعالی می کند پس در چی صورت امکان دارد تا او انباز و شریک برای خود داشت باشد؟<sup>1</sup>

### موضوع چهارم : درس ها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1- در این آیات اشاره به اثبات نبوت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - وجود دارد.<sup>2</sup>(که به این مورد در ضمن این قسمت از آیه کریمه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ {سوره زمر آیه مبارکه 2} نمایان می گردد)

- 1- هیچ گونه عبادت به درجه قبولیت نمی رسد مگر این که از صفت اخلاص برخوردار باشد.<sup>3</sup> (طوریکه آیه های نخست این مقطع بر این مهم صراحت دارد)
- 2- قرآن، حقا که از صفت آسمانی بودن برخوردار می باشد یعنی قرآن ساخته هیچ بشر نه بلکه از سوی خالق بشر نازل شده است.<sup>4</sup> (چنانکه آیه دوم این مقطع این حقیقت را برملا ساخته است)
- 3- اثبات روز جزا و زنده شدن بعد از مرگ در این مقطع شده است طوریکه این قسمت از آیه (إِنَّ

اللَّهُ يَخْتَلِفُ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ<sup>٥</sup>.... به آن اشاره می کند .<sup>5</sup>

1 ابن جزی - التسهیل لعلوم التنزیل ، 191

2 الجزائری، ابوبکر، آیسر التفاسیر لکلام العلی القدیر ، مکتبه العلوم و الحکم، المدینة المنورة 1340

ج 3 ، 412

3 تفسیر القرآن العظیم ج 12 ص 328

4 روح المعانی ج 7 ص 393

5 آیسر التفاسیر ج 3 ، 412



## مقطع دوم ( آیه های 5 الی 7 )

نشانه های از قدرت الله متعال در هستی و خلقت انسان

موضوع اول : مناسبت های این مقطع

الف : مناسبت این مقطع با مقطع قبلی

مناسبت این آیه ها با مقطع قبلی هویدا است طوری که در مقطع قبلی از عده صفات الله سبحانه، که داشتن شریک و ولد را برای او باری تعالی نفی و رد می کند یاد آوری شد و نیز کمال مطلق در تمامی پدیده ها را برای او تعالی اختصاص داد، این مقطع گویا نمونه ی از صفات کمال الله تعالی و دلیل بر عدم داشتن شریک برای او تعالی محسوب می گردد چنانکه در این مقطع آمده است ( خلق السماوات و الارض .. )<sup>1</sup>

ب : مناسبت این مقطع با محور اصلی سوره

مناسبت این مقطع با محور اصلی سوره که توحید است نیز آشکار است یعنی این مقطع نمونه از توحید الله و بیان گر صفات کمال برای او باری تعالی می باشد.<sup>2</sup>

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّورُ ﴿٥﴾ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَىٰ تَصْرُفَاتٍ ﴿٦﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾ ﴿

<sup>1</sup> التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم ج 6 ص 478 و 479

<sup>2</sup> الباحث

## فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

او تعالی آسمان ها و زمین را به حق آفرید شب را بر روز و روز را بر شب می پیچد و آفتاب و ماه را مسخر کرده است و هر یک تا مدتی معین در حرکت اند بدان که او ست غالب آمرزگار (5) شما را از یک نفس آفریده است، باز همسرش را از همان نفس آفرید و ( از خزانه قدرت خود ) از چهار پایان هشت نوع برای شما آفرید او شما را در شکم های مادر تان در میان تاریکی های سه گانه آفرینشی پس از آفرینش دیگر می آفریند این است الله پروردگار شما پادشاهی برای اوست معبود بر حق به جز او نیست پس چگونه برگردانیده می شوید (6) اگر کفر ورزید ( بدانید که ) الله از شما بی نیاز است لیکن کفر را بر هیچ کسی نمی پسندد بل و اگر شما شکرگزاری نمایید آنرا می پسندد و هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی دارد باز باز گشت همه به سوی پروردگار تان است پس شما را به آنچه می کردید خبر می دهد چون او به راز دلها دانا است (7).

## فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( ثمانية أزواج ، الظلمات الثلاثة ، سخر یا السخرية ، الوزر ، کور / یکور )

### 1- ثمانية أزواج : چهار پایان هشتگانه

امام ابن کثیر - رحمه الله - در این مورد می گوید : و خلق لكم من ظهور الانعام ثمانية ، ازواج و هی المذكورة فی سورة الانعام آیه 143-144.

ترجمه : و الله متعال برای شما انواع حیوانات هشتگانه را آفریده است و آنها در سوره انعام متذکر اند امام بغوی - رحمه الله - گفته است : تفسیر این حیوانات هشت گانه در سوره انعام ذکر شده است.<sup>2</sup>

### 2- الظلمات الثلاثة :

امام قرطبی - رحمه الله می گوید : مراد از آن تاریکی بطن ، تاریکی رحم و تاریکی مشیمه ( غشای که همراهی طفل هنگام ولادت بیرون می آید ) می باشد.<sup>3</sup>

امام ابن کثیر نیز گفته است : مراد آن ، تاریکی بطن ، تاریکی رحم و تاریکی مشیمه می باشد.<sup>4</sup> امام بغوی - رحمه الله - نیز به نقل از ابن عباس - رضی الله عنه - گفته است : مراد آن ، تاریکی بطن ، تاریکی رحم و تاریکی مشیمه می باشد.<sup>5</sup>

1 ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم ج 4 ص 32

2 بغوی ابو محمد حسین بن مسعود معالم التنزیل ، تحقیق عادل احمد عبد الموجود ، دارالکتب العلمیة بیروت لبنان چاپ اول 1418 1997 م ج 5 ص 331

3 الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة ج 4 ص 129

4 ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم ج 4 ص 32

5 معالم التنزیل ، م ج 5 ص 331

### 3- السخرية :

السخرية أن تستقل فعل الآخر أوصفة من صفاته 1.

ترجمه : سخریه در واقع عبارت از کوچک و ناچیز شمردن کار یا صفت فردی را می گویند.

امام ابن فارس - رحمه الله - می گوید : السین و الخاء و الراء اصل مطرد مستقیم يدل على احتقار و استدلال و من ذلك قولنا سخر الله الشيء و ذلك إذا ذل-ه لأمره و ارادته قال الله جل ثناؤه ( سَخَّرَ لَكُمْ ما فى السموات و ما فى الأرض )<sup>2</sup> و يقال رجل سخرة : يسخر فى العمل و سخرة أيضا إذا كان يسخر منه فإن كان هو يفعل ذلك قلت سخرة بفتح الخاء و الراء و يقال سفن سواخر سواخر فالسواخر : المطيعة الطيبة الريح و المواخر : التى تمخر الماء تشقه . سخرت و فى كتاب الله تعالى<sup>3</sup> ( فإننا نسخر كما تسخرون )<sup>4</sup>

ترجمه : حروف ( س ، خ ، ر ) حروف اصلی و اساسی این کلمه بوده که بر تحقیر و ذلیل کردن دلالت می کنند چنانکه می گوئیم " الله تعالى فلان چیز را مسخر ساخته است " و این زمانی می شود که الله متعال آن شی را بنا بر اراده و امر خود ذلیل ساخته باشد طوری که الله متعال می فرماید : ترجمه : الله (ج) برای شما آنچه در زمین و آسمان است مسخر گردانیده است .

و می گویند : مرد مسخره شده یعنی در کار مسخر شده است و سخرة هم زمانی که در بربالای او مسخره شود هم می گویند و اگر سخریه از سوی او باشد در آن صورت می گویند مرد سُخرة با فتحه فا و خا و نیز گفته اند کشتی های پاره کننده و ذلیل کننده آب.

و سواخر به معنی فرمان بردار و خوش بو و کشتی های مواخر به کشتی های که آب را شق کنند که هم لازم و هم متعدی بکار می رود.

امام فیروزآبادی - رحمة الله عليه - در قاموس محیط می گوید : سخر منه و به مانند فَرَحَ سَخرا و سَخرا و سخرة و مسخرا و سُخرا و سُخرا یعنی به معنی استهزا و در خواست استهزا است و اسم از آن ( السخرية و السخرى ) و سخره به مانند ( منعه ) و ( سخریا ) با کسره و ضمه به معنی ( فلان فرد را به آن چه که خود می خواست وادار کرد ) و نیز گفته اند ( و هو سُخرة لى و سُخرى و سخرى ) یعنی او نسبت به من مسخره کننده است. و ( رجل سُخرة ) یعنی مرد استهزا کننده مانند همزه یا نام بد نهادن و (

<sup>1</sup> موسوعة الكلمة و إخوانها فى القرآن الكريم ج 6 ص 729-730

<sup>2</sup> سورة الجاثية : 13

<sup>3</sup> معجم مقاييس اللغة ص 436 ماده «سخر»

<sup>4</sup>سوره هود 38

یسخر من الناس ) یعنی بالای مردم مسخره می کند مانند ( بُسرة ) و ( من یسخر منه و من یستخر کلّ من قَهَره ) یعنی بالای فلان مسخره کرد و او هر کی را که بالایش غالب آمد ، رام و مسخر می سازد .<sup>1</sup>

## 2 - الوزر:

الوزر الحمل الثقیل ، السلاح ، الذنب و جمع اوزار.<sup>2</sup>

ترجمه : وزر به معنی بار سنگین ، سلاح و گناه بوده که جمع آن اوزار می باشد.

الوزر الملجأ الذي يلتجأ إليه من الجبل. قال تعالى: {كلا لا وزر إ} [القیامة، 11] والوزر: الثقل تشبیهاً بوزر الجبل، ويعبر بذلك عن الإثم كما يعبر عنه بالثقل. قال تعالى: {ليحملوا أوزارهم كاملة ومن أوزار الذين يضلونهم بغير علم ألا ساء ما یزرون} [النحل، 25]،<sup>3</sup>

ترجمه : وزر در حقیقت همان پناگاه در کوه است که انسان بسوی آن رجوع می کند مانند این قول الله متعال {كلا لا وزر إلی ربك} [القیامة، 11]

ترجمه: نخیر هیچ پناه گاهی نیست ( در آن روز) .

و نیز ( وزر) به معنی چیزی وزین بنابر مشابهت آن با کوه گفته اند ضمناً از آن تعبیر به گناه هم شده است چنانکه الله متعال می فرماید {ليحملوا أوزارهم كاملة ومن أوزار الذين يضلونهم بغير علم ألا ساء ما یزرون} [النحل، 25]

ترجمه : تا در روز قیامت بار گناهان خود را به گونه کامل و بخشی از گناهان آنان را حمل کنند که ایشان را به نادانی گمراه ساخته اند و چه بد باری را حمل می کنند.

## 4- کور / یکور:

کورث ،أكور ،كؤر مصدره تکویر بمعنی الاتباع و فعل رباعی متعدی بحرف .<sup>4</sup>

ترجمه : کور که مصدر آن تکویر است به معنی پیهم آوردن و یا پوشانیدن است و این فعل رباعی بوده و متعدی به حرف می باشد

## فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

آیه های کریمه این مقطع ادله و براهین بزرگی را در باره توحید و واحدانیت پروردگار عالمیان را در رخ انسان می کشد.

<sup>1</sup> القاموس المحيط ، ص 432.

<sup>2</sup> إبراهيم مصطفى و غيره ، المعجم الوسيط، مكتبة نعمانية پشاور ج 2 ص 1085

<sup>3</sup> مفردات ألفاظ القرآن كتاب الواو ج 2 ص 302

إبراهيم مصطفى و غيره ، المعجم الوسيط، ج 2 ص 819

این دلایل شامل، ایجاد و خلقت کائنات علی الخصوص انسان ها در تاریکی های سه گانه رحم مادران و آفرینش آسمان ها و زمین حتی مساله آمد و رفت شب و روز ، گشت و حرکت آفتاب و سیارات است.<sup>1</sup> الله سبحان آسمان ها و زمین را به بهترین نوع و شکل با اوصاف کمال و جمال آفریده که به گونه واضح بر وحدانیت الهی دلالت می کند. او باری تعالی شب و روز را به گونه خلق کرده که ضمن راحتی و آرامش انسان ها روز را توسط شب پوشانده و شب را با روز می پوشاند تا یکی برای دیگر ستر و پوشش ساخته است گویا یکی برای دیگر لباس است .

شب را با روز می پوشاند تا روشنی روز تاریکی شب را ببرد و روز را با تاریکی شب می پوشاند تا ضوء و روشنی آن را توسط تاریکی شب ببرد و این معنی را این آیه کریمه نیز افاده می کند ( یغشی الليل و النهار یطلبه حیثا ) {سورة الاعراف : 54} ترجمه : شب را به روز می پوشاند و روز را به شتاب می طلبد<sup>2</sup>.

الله متعال آفتاب و مهتاب برای انسانها مسخر کرده است به این معنی که آفتاب و زمین را طوری به شرف خلقت نایل گردانیده است که تمامی مصالح بنده ها و مخلوقات را تضمین کرده بتواند . و این حالت و حرکت آفتاب و مهتاب تا زمانی معلوم و معین ادامه خواهد داشت و سر انجام این حرکت نزد الله متعال بوده و آن روز قیامت می باشد و آن روزی است که در آن آفتاب تاریک و سیارات به دامن نابودی می انجامد و در این تعجب نیست زیرا که قدرت و توانایی الله متعال بلاحدود و مطلق است که هیچ قدرتی بر او غالب نیاید و او ذات رحیم و غفور و با احسان است .

آیه شریفه با ( **أَلَّا هُوَ الْعَزِيزُ وَالْغَفَّارُ** ) به شرف ابتدا نایل آمده که واژه ( الا ) حرف تئیه و هشدار است تا بر کمال توجه و دقت مخاطبین دلالت کند و توجه آنان را به مضمون این آیه معطوف می دارد گویا گفته است : ای بنده گان من توجه و دقت کنید که من درحقیقت پیرامون کار و فرمان خود غالب و توانا استم پوشنده گناه هان بنده گان خود استم پس هر گاه که قضیه چنین است بناء در عبادت من اخلاص نموده در ذات و صفات من هیچ گونه شرک و انداد را شامل نسازید<sup>3</sup>.

در ادامه آیات کریمه این مقطع از شکوه و بزرگی آفاق به بسیار بلاغت به دلایل نفسی برگشته و از چگونه گی نفس انسان ها پرده برداری می کند و بر هم گونی و همخوانی زنده گانی انسان ها با دیگر مخلوقات و نیز از رام بودن حیوانات برای انسان، لفاف سخن را می درد<sup>4</sup>.

1 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم . ج 6 ص 470

2 الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة و آی الفرقان ج 5 ، ص 235

3 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 479

4 فی ظلال القرآن ج 5 ص 3039

پس الله متعال، ای مردمان شما را از یک نفس بر عرصه خلقت آورده است یعنی از آدم - علیه السلام - که حقا خلقت آدم از بزرگترین براهین برای وحدانیت الله متعال کمال عزت و قدرت او باری تعالی و در نهایت بیانگر تمامی صفات الوهیت او باری تعالی است سپس الله سبحان حضرت بی بی حوا - علیها السلام - برای تولد و تناسل ضمنا آرامش روحی آدم - علیه السلام - آفرید.<sup>1</sup>

پس الله سبحان از حیوانات برای شما مواردی را بر خوراک شما آفریده است یعنی در حیوانات مانند شتر گاو گوسفند و بز و غیره از هشت نوع از مذکر و مونث ان برای شما انواع از گوشت ها را برای اکل و خوردن خلق کرده است عده ی از مفسران گفته اند : انزال در این جا به معنی نزول امر الله متعال و قضای او سبحان می باشد.<sup>2</sup>

در واقع این کار ها از خالق واقعی و حقیقی شما . ذاتی که پروردگار عالمیان است می باشد او ذات مصور یعنی صورت دهند است پروردگار شما و پدران پیشین شما می باشد حقا که تمام تصرف مطلق در ایجاد خلق و نابودی ان از برای او باری تعالی می باشد ذاتی که هیچ معبود غیر از او در خور عبادت نیست هیچ پروردگار جز او وجود ندارد پس چگونه این مشرکان در انجام عبادات به سوی غیر از الله روی میآورند و الله را با شریک می خوانند ؟

بعد از اینکه الله متعال دلایل و براهین توحیدی را بازگو کرد اکنون به تحذیر و بیم دادن کفار بنا بر انکار و ناسپاسی انان در برابر فضل و احسان او باری تعالی می پردازد پس می گوید : ای مردمان اگر شما بعد از دیدن این همه دلایل و شواهد مبنی بر توحید الله سبحان باز هم کفر ورزید بدانید که در حقیقت الله متعال از همه این شرک و شرکیات غنی و بی نیاز بوده و در هیچ حالت کفر و شرک را برای هیچ فردی در هیچ صورت خواهان نیست.<sup>3</sup>

و در ضمن الله متعال به این اشار می کند که اگر انان ایمان بیاورند ایمان شان به هیچ حالت برای او تعالی نفع و منفعت را نمی رساند و اگر انان به الله متعال شرک بیاورند باز هم شرک انان به هیچ وجه به الله متعال ضرر و نقصان نخواهد رسانید. تنها قضیه این است که الله متعال کفر را برای کسی نمی پذیرد یعنی انسان کافر را توصیف نمی کند و او را هرگز مورد تقدیر قرار نمی دهد و لو که کفر او در قضا او باری تعالی وجود هم داشته باشد .

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 480

<sup>2</sup> محمد علی الصابونی صفوة التفسیر ج 3 ص 70

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 480

و اگر شما شاکر نعمت های او باری تعالی باشید خداوند از این کار تان خرسند شده و انرا می پذیرد و این قبولیت برای این نیست که شکر گزاری شما برای او تعالی نفع را متوجه می سازد بلکه این برای آن است که شکر شما منافع زیادی متوجه خود شما می سازد.<sup>1</sup>

هیچ فردی بار گناه و تخطی فردی دیگر را به دوش نخواهد کشید بلکه هر فرد از گناه و معصیت خود پاسخ گو می باشد و بدانید که در نهایت مسیر و بازگشت همه تان بسوی او تعالی می باشد و الله متعال در روز رستاخیز و روز حساب دهی شما را بنابر اعمال و کنش های تان مورد بازپرس قرار خواهد داد در حالیکه او باری تعالی آنچه را شما می پوشانید و در ضمیر خود پنهان می دارید همه را به گونه واضح می داند که در این قضیه تهدید برای سرکشان و بشارت برای فرمان برداران وجود دارد.<sup>2</sup>

### موضوع سوم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

در این آیه های مبارکه رهنمایی ها و درس های زیاد نهفته است که در ذیل به چند مورد آن اشارات خواهیم داشت .

1. نشانه های الله سبحان در جهان هستی و قرار دادن آن منحیث دلیل و حجت برای توحید و یگانگی الله متعال است .(یعنی در این آیه انسان درس عبرت گیری از نشانه های قدرت الله سبحان را که همانا در افاق و انفس وجود دارد که آیت های 5 و 6 این مقطع برای دلالت می کند)
2. الله متعال در حقیقت ، خالق و ایجاد کننده تمامی مخلوقات روی زمین است<sup>3</sup> (که آیت های 6 و 7 این مقطع بر آن دلالت دارد)
3. قضیه کفر نسبت به ایمان حیرت آور و قابل تعجب است زیرا برای اقامه ایمان دلایل فراوان وجود دارد و لی بر کفر کافران هیچ دلیل منطقی سراغ نیست باوجود این هم باز بشتترین مردم کفر می ورزند<sup>4</sup>. (که آیت 7 این مقطع بر آن دلالت می کند)
4. الله متعال از بنده گانش بی نیاز بوده ولی و بنده ها به او باری تعالی نیازمند می باشند<sup>5</sup> (که آیت 7 این مقطع برای دلالت می کند).

<sup>1</sup> مفاتیح الغیب ج 26 ص 246

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 481

<sup>3</sup> تفسیر القرآن العظیم ج 5 ص 342

<sup>4</sup> مفاتیح الغیب ج 9 ص 302

<sup>5</sup> روح المعانی ج 6 ص 532

5. عدالت الله سبحانه در روز قیامت پدیده ثابت بوده و آن روز نیز قابل الوقوع می باشد<sup>1</sup> (که آیت های 7 این مقطع بر آن دلالت می کند).
6. الله متعال ، از کفر و شکر ورزی بنده گان خود ، به طور مطلق بی نیاز می باشد<sup>2</sup>. (که آیت 7 این مقطع بر آن دلالت می کند).
7. هیچ کسی بار گناه کسی در دیگری را به دوش نخواهد کشید<sup>3</sup>. (که این مفهوم در آیت شماره هفت یاد دهانی گردید است .)
8. الله تعالی آفتاب و مهتاب را طوری آفریده است که هر دو در مدار خود متحرک بود و از آن هیچ گاه بدرو نروند<sup>4</sup>. (این درس همچنان از ایه شماره ششم این مقطع اخذ می گردد.

---

<sup>1</sup> زاد المسیر ج 5 ص 320

<sup>2</sup> تفسیر آلوسی ج 7 ص 402

<sup>3</sup> ابی جعفر محمد بن جریر الطبری- جامع البیان عن تاویل آی القرآن ج3 ، 354

<sup>4</sup> أیسر التفاسیر ج 3 ص 412



## مقطع سوم ( آیه های 8 و 9 )

### مقایسه انسان مؤمن با انسان کافر

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع سوم :

در باره آیه شماره نهم این مقطع ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوًا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾ ﴿٩﴾ أَمَّنْ هُوَ قَلْبُكَ إِنَّآءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾﴾ [سوره زمر آیت 9]

امام سیوطی<sup>1</sup> - رحمه الله - روایت ذیل را نشان دهی کرده است " ابی حاتم<sup>2</sup> از ابن عمر - رضی الله عنهما - در مورد این آیت روایت میکند که این آیت در مورد عثمان بن عفان<sup>3</sup> - رضی الله عنه - نازل شده است ."<sup>4</sup>

### موضوع دوم : مناسبات این مقطع

#### الف : مناسبت این مقطع با مقطع قبلی

پس از آن که الله متعال در مقطع گذشته از انسان کافر و انسان شاکر و مؤمن یاد آوری کرد اکنون در ادامه احوال هر دو را به تفصیل بیان کرده و میان آن دو در عده ی از موارد مقایسه و مقارنه می نماید.<sup>5</sup>

#### ب : مناسبت این مقطع با محور اصلی سوره

هر حالات انسان مؤمن و انسان کافر با هم مقایسه گردد، در حقیقت ارزش توحید و منزلت رفیع انسان موحد در نزد الله متعال برای انسان هویدا می گردد .<sup>6</sup>

<sup>1</sup> عبدالرحمن بن الی کمال بن ابی بکر بن محمد سابق الدین الخضرى السیوطی ، شام روز یک شنبه ماه رجب در سال 849 هجری در شهر قاهره بدنیا آمده است وی از خانواده شهیر در علم و تدوین میباشد و پدر شان از علماء بزرگ عصر خویش بود از امام سیوطی کتب زیاد به جا مانده است مانند تفاسیر و غیره بالاخره وی در سال 911 هجری وفات کرده است . سیر اعلام النبلاء ج 3 ص 393.

<sup>2</sup> ابوحاتم ، محمد ابن ادريس بن المنذر بن داود بن مهران حظلی غطفانی یک تن از محدث کبار عصر خویش بوده که در سال 195 هجری چشم به جهان گشوده است و در سال 277 هجری در شهر ری وفات نموده است از وی کتب زیاد خصوصا در عرصه حدیث به جامانده است مانند مستدرک ابو حاتم . سیر اعلام النبلاء ج 3 ص 303.

<sup>3</sup> ابو عبدالله عثمان بن عفان الاموی القریشی متوفی 35 هجری ، خلیفه سوم اسلام و یک از عشره مبشره بالجنة بوده و نیز یکی از سابقین اولین می باشد وی حیا ویژه ی بود وی به لقب ذی نورین یاد می شد چون با دو دختر رسول الله - صل الله علیه و سلم- ازدواج کرده بود طوری که نخست با رقیه و بعد از وفات وی با ام کلثوم - رضی الله عنهما - ازدواج نمود. سیر اعلام النبلاء ج 2 ص 209

<sup>4</sup> السیوطی جلال الدین بن عبدالرحمن، لباب النقول فی أسباب النزول ، السیوطی ، 1 - موسسة الکتب الثقافیة - بیروت. ص 222

<sup>5</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم . ج 6 ، ص 481

<sup>6</sup> الباحث.

## موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا حَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوًا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ

وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾ أَمَّنْ هُوَ قَلْبُكَ أِنَاءً

أَلَيْلٍ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٠﴾ ﴿١١﴾

### فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

و چون به انسان آسیبی برسد پروردگارش را می خواند در حالیکه با توبه روی به درگاه او آورده است باز چون نعمتی از سوی خود به او ببخشد آن ( مصیبتی) که به خاطر رفع آن به درگاه او دعا می کرد فراموش می کند و برای الله شریکانی قرار می دهد تا ( خود و دیگران را ) از راه گمراه کند بگو: مدتی اندک از کفر خود بر خوردار شو البته تو از دوزخیان هستی آیا ( مشرکی که اوصاف اش را بیان کردیم بهتر است یا ) کسی که در اوقات از شب سجده کنان و ایستاده به عبادت مشغول است در حالیکه از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد ؟ بگو آیا انان که می دانند و انان که نمی دانند برابر اند ؟ تنها صاحبان عقل و خرد پند می گیرند.

### فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( منیبا ، حوله ، قانت )

1- منیبا : حال منصوب بر فته است

اسم فاعل از ( أناب) رباعی به معنی برگشت ، رجوع و توبه کردن می باشد.<sup>1</sup>

2- حَوْلٌ : فعل ماضی از باب تفعیل ثلاثی مزید فیه به یک حرف است.

حَوْلْتُ أَحْوَلَ ، حَوْلٌ مصدر آن تخویل به بخشیدن ، دادن و اعطاء کردن می باشد.<sup>2</sup>

3- قانت: اسم فاعل از باب فعل ، فعل ثلاثی ( ن و ت )

<sup>1</sup> معجم الوسيط ج 1 ص 102

<sup>2</sup> همان

قانت: قائم بالطاعة و المواظبة دائم عليها.<sup>1</sup> مرجمه قانت عبارت از فردی است که در التزام همیشه در طاعت و عبادت الله متعال داشته باشد.

### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

الله سبحان در این مقطع ضمن یاد آوری مسایل دیگر از طبیعت انسان های که به وسیله ایمان تربیت نشده اند پرده برداری می کند که همان کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های منعم حقیقی می باشد. طوری که هر گاه در آستانه تنگی ( معرض تنگی ) و مصائب قرار گیرد از سر ناچاری و نیز از روی فطرت بسوی الله متعال معبود حقیقی خود رجوع و بازگشت بنماید و چون گلیم مشاگل و مصائب برچیده شود و در زنده گانی او فراخی و راحتی نمایان گردد آنگاه او از الله متعال روگردان شده و حالت نخست و قبل از این نعمت های را کاملاً به باد فراموشی می سپارد نه تنها این بلکه گویا این نعمت ها او را در راستای ناسپاسی و روی گردانی از پروردگارش مساعدت کرده و به اعراض او از سوی خالق اش صاحب همه نعمت هایش و در نهایت برگردان کننده تمامی مشاگل اش می افزاید .

در باره این خصلت انسان در کلام الله مجید آیات زیاد وجود دارد که ما در ذیل به عده ی آنها به گونه موجز اشاره می داریم .

• ﴿ وَلَئِن أَدَقْنَا لِلْإِنسَانِ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ ۙ وَلَئِن أَدَقْنَا ۙ

نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ﴿٩﴾ } سورة هود

{10-9 :

ترجمه: و اگر از جانب خود به انسان رحمتی بچشانیم باز انرا از وی بیگیریم البته بسی نا امید و ناسپاس می گردد و اگر بعد از رنجی که به او رسیده است نعمت به او بچشانیم می گوید: بدی ها و سختی ها از من دور شد یقیناً او شادمان ( و ) فخر فروش است.

• ﴿ لَا يَسْعَمُ الْإِنسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَعُوسُ فَنُوطٌ ﴿١٠﴾ وَلَئِن أَدَقْنَا رَحْمَةً مِنَّا

مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ

<sup>1</sup> مقایس اللغة

لَلْحُسْنَىٰ فَلَنْبِتَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنْذِيْقَتَهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿٥١﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ

أَعْرَضَ وَنَغَا بِجَانِبِيْهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيْضٍ ﴿٥٢﴾ {سورة فصلت: 49-51}

ترجمه : انسان از طلب خیر خسته نمی شود و چون شری برای او برسد مأیوس و نا امید می گردد و اگر پس از سختی که به انسان رسیده است از طرف خود رحمتی به او بچشانیم حتما خواهد گفت این حق من و لایق من است و چنان ( مغرور می شود که گوید) گمان نمی کنیم که قیامت بر پا شود و اگر به سوی پروردگارم باز گردانیده شوم حتما در پیشگاه او دارای مقام و منزلت خوبی هستم پس بی گمان کافران را به آنچه کرده اند خبر خواهیم داد و حتما عذابی بسیار سخت به آنان می چشانیم و هر گاه به انسان نعمت دهیم روی گردان می شود و تکبر می ورزد و هر گاه رنج و بلای به او برسد بسیار دعای طولانی می کند .

• ﴿ فَإِنِ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا إِنَّا عَلَيْنَا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا

رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِْبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ فَإِنَّ لِلْإِنْسَانِ كُفُوْرًا ﴿٤٨﴾ {سورة

الشوری : 48}

ترجمه : پس اگر روی بگردانند پس تو بر آنان نگهبان نفرستاده ایم ( تا آنان را بر ایمان مجبور سازی ) بر تو نیست مگر رسانیدن پیغام الله و البته اگر وقتی از جانب خویش رحمتی به انسان بچشانیم به آن شاد می شود ( و ما را فراموش می کند ) و اگر بلا و مصیبتی به خاطر کارهایی که کرده است به او برسد نعمت ها را فراموش می کند ( یقینا انسان ناسپاس است .

بناء انسان ناسپاس در واقع زمانکه از نابسامانی های دنیوی مانند فقر مرض و یا هر مصیبت که برای او برسد بلا فاصله برای دوری و ازاله این ناهنجار ها دست به دامن الله متعال، زده و و پروردگار خود را به تضرع و خشوع یاد و فریاد زند و این تضرع و استدعای او از کمال اخلاص و انابت اش سر چشمه می گیرد و این در حالیست که چون الله متعال برای او نعمت ارزانی کرده و گلیم مصایب و بلا ها را از لوحه زندگانی اش پاک و برچیند ان گاه او به بسار وقاحت با فراموشی گذشته خود دست به سر کشی زنده و دامن هر نوع حق و عدالت بدرد و همچنان در عبادت با الله متعال شریکانی را برگزیده و

حتی از ممانعت در راه او باری تعالی شرم نکرده و مردمان را از عبادت حقیقی الله متعال و اطاعت او باری تعالی به انحراف بکشاند .

پس ای انسان سرکش و ناسپاس از زنده گانی این دنیا و زینت آن بهر بردار و هر گونه ناسپاسی که یاد داری انجام بدهد ولی این را فراموش ننمای که این روز های دنیا اندک و کم است که سر انجام مصیر و بازگشت ات به سوی آتش سوزان جهنم باشد و تو در آن جا برای همیشه خواهی ماند<sup>1</sup>

صاحب تفسیر فی ظلال القرآن امام سید قطب - رحمة الله علیه - می فرماید : در واقع فطرت بشری انسان به گونه واضح در زمانی که مصائب و بلاها به سزاغ او می رسد آشکار شده و تمامی پرده های غفلت و عناد و دیوار های وهم و شک را به گونه سحرآسا از برابر دیده گان اش به دور می زند که او در این میان رو به پروردگار حقیقی خود آورده او را به کمال اخلاص و با انابت صد در صدی یاد می نماید و از هرگونه شرک و شریک برای پروردگار خود اجتناب می کند .

در این چنین حالت فطرت انسانی به این حقیقت او را و می دارد که حقا علاج دهنده و دفع کننده هر نوع مشکل و مصیبت تنها الله متعال است و بس و هر نوع شرک و شریک های خود ساخته و خود بافته پدیده جز کذب و خیال نیست .

اما زمانی دامنه مصائب برچیده شود و وسعت و فراغی به سر وقت او رسد و الله سبحان او را به الطاف نعمت ها بی شمار نوازش داده و بلاها را از او دور نماید در این چنین حالت همان انسانی که او را فطرت به گونه قبلی گوش زد نموده بود دو باره به سوی کفر و عناد برگشته و به گونه کاملاً نسبت به تضرع و نیایش که برای خداوند در گذشته انجام داده بود او را به یگانه گی فریاد می زند همه را به باد فراموشی گذاشته و ناسپاس می گردد ان ذاتی را که یگانه کار ساز و مشکل گشا می دانست را فراموش می کند و در راه الحاد و کفران نعمت های الهی هر در را طرق الباب کرده و هر خشک و تر را در راستا به کار می اندازد و برای پروردگار عالمیان امثال و شریکان متعدد را برمی گزیند.<sup>2</sup>

سوال مهم در این جا این است که این انسان کافر و ناسپاس بهتر و محبوب تر است یا هم انسان که مطیع و پاسدار نعمت های الهی بوده و پاره های از شب تار و تاریک را با انجام سجده ها و رکوع های طویل و با خضوع در پیشگاه پروردگار خود گرزازنیده و رحمت و مغفرب او را با سرپای وجود خود خواهان می باشد ؟

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم . ج 6 ، ص 482

<sup>2</sup> فی ظلال القرآن ، 5 ، 3041

بگو ( ای پیامبر - صلی الله علیه و سلم - ) ایا انان که از گنجینه علم و دانش برخوردار بوده و چگونه گی اجرا و انجام حقوق و احکام دین پروردگار خود را به کمال و تمام میدانند با کسانی که از این حقایق به گونه کامل بی خبر و نا آگاه بوده برابر هستند؟ حقا که این دو گروه انسان ها به هیچ وجه برابر نیستند اما این حقیقت - یعنی فرق میان این دو گروه را تنها اهل خرد و اهل بصرت می دانند و بس.<sup>1</sup>

فخر الدین رازی - رحمة الله علیه - در مفاتیح الغیب می فرماید: بدان که حقا این آیه دلیل و برهان قاطع حاوی یک سری از اسرار عجیب می باشد طوریکه ابتدا آن با بیان کار و عمل و انجام آن با بیان علم و دانش می باشد به گونه که عمل در این جا عبارت از قنوت، سجده و قیام بوده و علم در این سخن پروردگار ( هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون )؟ این آیه دلالت بر این دارد که کمال انسان در حقیقت در گروهی این دو مقصد است یعنی عمل در واقع به مثابه آغاز بوده و علم و درایت در واقع به مثابه سر انجام و پایان می باشد و در این سخن در حقیقت حذفی وجود دارد به این معنی ( أ من هو قانت کغیره ) ترجمه: آیا کسی که قانت و فرمانبردار است او مانند دیگران در اجر و پاداش و علم و خرد است؟ و حسن حذف در این میان همانا دلالت سخن است که قبل از ان الله سبحانه زکری از انسان نا سپاس و کافر کرده است و سپس الله متعال برای حالت و وضعیت کسانی که از سرمایه علم و خرد در ضمن آگاهی از دین برخوردار است مثال زده است.<sup>2</sup>

### موضوع چهارم: درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

- 1- انسان ها هیچ موردی را از برابر صفت سمع و بصر الله متعال، پنهان کرده نمی تواند زیرا او باری تعالی، حتی بر آنچه که در سینه نهفته است آگاه و عالم است.<sup>3</sup> (طوریکه آیه 8 این مقطع بر آن دلالت دارد)
- 2- انسان قانت درحقیقت عبارت از فردی است که در برابر احکام الله متعال و رسول اش، فرمان بردار و خاشع می باشد.<sup>4</sup> (درسی که در آیه 9 این مقطع نهفته است)
- 3- بهترین نماز، در واقع نمازی است که قیام یعنی قنوت اش طویل تر باشد.<sup>5</sup> (نظر به آیه نهم این مقطع چون قنوت جز نماز است)

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 483

<sup>2</sup> تفسیر مفاتیح الغیب ج 4 ص 250

<sup>3</sup> تفسیر الطبری ج 3 ص 192

<sup>4</sup> تفسیر ابن کثیر ج 5 ص 302

<sup>5</sup> تفسیر کشاف ج 7 ص 230

- 4** در حقیقت انسان که از سرمایه ایمان به الله متعال مستفید بوده و حیات خود را در اوج اطاعت و فرمان برداری او باری تعالی می‌گذراند برتر و بهتر است نسبت به انسان که ناسپاس و کافر که زنده گانی خود را در جاده کفر و گمراهی به سر می‌رساند<sup>1</sup>
- 5** فردی عالم و دانشمند از فرد جاهل برتر و بهتر است اما هر گاه که فرد عالم و دانشمند به علم خود عمل ننماید در آن صورت هر دو در انحطاط و کج روی یکسان می‌باشند.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> أيسر التفاسير ج 3 ص 415

<sup>2</sup> أيسر التفاسير ج 3 ص 415

## مقطع چهارم ( آیه های کریمه 10 الی 20 )

رهنمایی برای اهل ایمان و بیم برای اهل شرک

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع چهارم

در باره شان نزول آیه مبارکه شماره 18 این مقطع ﴿ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ﴾<sup>1</sup>

امام واحدی<sup>1</sup> در شان نزول این ایت داستانی دیگر و متفاوتی را به شرح ذیل بازگو می نماید " عطاء - رحمه الله - از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت میکند که وی فرمود : آنگاه که حضرت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - به سعادت ایمان نایل گردید و به پیامبر - صلی الله علیه و سلم - ایمان آورد دست به انفاق در راه الله متعال زد افرادی چون عثمان ، عبدالرحمن بن عوف ، طلحه ، زبیر ، زید و سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنهم - نزد وی تشریف فرما شده و از علت این اعمال از وی جویا شدند حضرت ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - در پاسخ آنها را از ایمان خود آگاه ساخت و آنها نیز به سرمایه ایمان دست یافتند و این ایت در مورد آنها نازل گردید "<sup>2</sup>

موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

الف : مناسبت این مقطع با مقطع قبلی

چنان که محور اصلی این سوره توحید گفته شده است این مقطع تصویری از کنش حقیقی انسان موحد در برابر عبادت الله متعال و اوصاف آنان را به نمایش می گیرد و طوریکه در مقطع گذشته از اوصاف و مقایسه انسان های کافر و انسان های مومن یاد آوری شد اکنون در ضمن این مقطع از نقطه کمال ایمان و عمل کرد های موجه انسان مومن در برابر خواسته های ملحدین و مشرکین پرده برداری شده است.<sup>3</sup>

ب : مناسبت این مقطع با محور اصلی سوره

از آنجای که محور اصلی این سوره را توحید گفته اند اکنون از موقف گیری های انسان های موحد رشته سخن را آغاز می کند.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> ابو الحسن علی بن محمد ابن علی الواحدی النیسابوری الشافعی یکی از علماء بارز در عرصه علوم شرعی علی الخصوص علم تفسیر و اسباب نزول ، شعر و تاریخ می باشد عبد الغافر الفارسی از شاگردان اش و ابو اسحاق الثعلبی از جمله شیوخ اش می باشد مشهور ترین کتاب وی اسباب نزول است وی در سال 468 هجری وفات نموده است . سیر اعلام النبلاء ج3 ص 391

<sup>2</sup> الواحدی ، اسباب النزول ص 369

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 490

<sup>4</sup> الباحث



## موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى ﴿٩﴾ قُلْ يٰعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ﴿٩﴾  
إِنَّمَا يُوقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ  
الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَأَعْبُدُوا مَا  
شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ﴿١٥﴾ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾  
لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَعْبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٧﴾ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا  
الطَّلْعَاتِ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَتَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبَشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ﴿١٧﴾  
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ وَوَلَّيْنَاكَ هُمْ أَوْلَىٰ مِنَ الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُتَقَدُّ مِنْ فِي  
النَّارِ ﴿١٩﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ  
اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ ﴿٢٠﴾

## فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

( ای پیامبر ! ) بگو : ای بنده گان مؤمن من ! از پروردگار تان بترسید برای کسانی که نیکی کرده اند در این دنیا نیکی است و زمین الله فراخ است و البته که بر صابران پاداش شان به طور کامل و بی حساب داده می شود بگو به من امر شده است که الله را تنها پرستم در حالیکه دین را برای او خالص گردانم . و ( نیز ) برای من حکم شده که اولین ( کس از ) مسلمانان باشم . بگو البته اگر من از پروردگارم نافرمانی کنم از عذاب روز بزرگ می ترسم . بگو من تنها الله را می پرستم در حالیکه دینم را خالص برای او گردانیده ام . پس ( شما مشرکان ) هر چه را که می خواهید به جای او پرستش کنید . زیان کاران حقیقی کسانی اند هستند که خود و خانواده خود را در روز قیامت خساره مند سازند آگاه باش این است همان زیان آشکار . از بالای سرشان سایه بان های از آتش و از جانب زیر شان نیز سایبان های از

آتش است این چیزی است که الله به واسطه آنان بنده گان خود را می ترساند پس ای بنده گانم از من بترسید . و کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب ورزند و به سوی الله روی آورند برای شان مژده است پس بنده گانم را مژده ده . آنانکه سخن را ( به دقت ) می شنوند باز بهترین انرا پیروی می کنند ایشانند که الله هدایت شان کرده و ایشان اند همان خردمندان . آیا کسی که حکم عذاب بر او حتمی شده است ( امید نجات دارد؟) پس آیا تو کسی را که در آتش است نجات می دهی ؟ اما آنان که از پروردگار شان ترسیدند برای آنان قصر های است که بالای یک دیگر ساخته شده اند و در زیر آن نهر ها روان است ( این ) وعده الله است و الله و عده اش را خلاف نمی کند .

## فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( الطاغوت ، أنابوا، اتقوا ، الدين )

### 1 - أناب: الانابة : هي كثرة الرجوع عن الذنب مرة بعد أخرى يقال ( فلان يئتابه الصداع )

ترجمه : انابت معنی کثرت برگشت از گناه است چنانکه گفته اند " سر دردی بارها برای فلان فرد برگشت می کند " مانند این قول الله متعال ( و أنیبوا الی ربکم ) {سوره الزمر: 54} کلمه های توبه ، انابت ، اعتذار و فیء هر یک مفهوم نوعی از انواع برگشت از گناه را در قبال دارد . ولی - الانابة : عبارت از تیزی و عجله در توبه کردن بوده که هر انابت کننده توبه کننده نیز است ولی هر توبه کننده را انابت کننده گفته نمی شود یعنی انابت کننده یا منیب فردی است که در راستای توبه عجله به خرچ می دهد و بسیار به زودی پند پذیر می گردد و هر گاهی که مرتکب گناه گردد فوراً به سوی توبه رجوع می نماید .<sup>1</sup>

### 2 - الطاغوت :

فعلوت من الطغیان کالمکوت والرحموت ، إلا أن فیها قلباً بتقدیم اللام علی العین ، أطلقت علی الشیطان أو الشیاطین ، لکونها مصدراً وفيها مبالغات<sup>2</sup>.

ترجمه : طاغوت بر وزن ( فعلوت ) مانند ملکوت و رحموت است با این تفاوت که (لام آن با عین آن ) قلب شده و عموماً بر شیطان و شیاطین اطلاق می گردد زیرا مصدر است و حامل بالمغات در معنی خویش می باشد.

<sup>1</sup> موسوعة الكلمة و إخوانها فی القرآن الکریم. ص 238 و 239

<sup>2</sup> الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ج 4 ص 93

## الانس و الجن و السحرة و الكهنة و الشياطين ( و الذين اجتنبوا الطاغوت أن يعبدوا ها ) { سورة الزمر : 17 }<sup>1</sup>

ترجمه : طاغوت هر انسان ، جن ، ساحر و شیطانی که به غیر الله متعال عبادت کرده شود. جبت و طاغوت در قران کریم آن دو صفت مذموم و زشت آمده است که موصوف آنها نیز زشت و مذموم می باشند. در قران کریم دو نوع کلمه ها مذموم اند نخست کلمه های که معانی ظلم را در ضمن دارند مانند ( الطاغوت، الجبت، الرذل و السفیه) دوم آن عده از کلمه ها که مذموم اند ولی خصوصیت را در ضمن نداشته بل معنی تجاوز و استعلاء را فاده می کنند مانند ( عتل ، ظالم ، متکبر جبار ..) طاغوت یعنی سر منشا و آغاز هر گمراهی و بدی که اصلا در مکان و جای خود هیچ گونه ارزشی را دارا نباشد مانند انسان ساحر<sup>2</sup>

### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

ای محمد برای بنده گان من بگو تا در میان ایمان و تقوای الهی جمع نمایید. در واقع الله متعال نسبت ( عباد ) به سوی خود بنابر تشریف و تکریم برای آنان کرده است و ضمیر را که از سوی خود ذکر کرده است نشان دهند اوج لطف و شدت تخصیص او باری تعالی نسبت به این مهم می باشد ضمن اعلام داشت که او تعالی همیشه حاضر و ناظر نسبت به آنان بوده و هیچ گاه رحم او از آنان به دور نمی باشد.<sup>3</sup>

هر کسی که در این دنیا عمل و کار نیک را به سر رساند در حقیقت در سرای اخرت برای او پاداش بزرگ و نیکو خواهد بود آخرتی که خانه همیشه گی و جنب زیبا و در نهایت زمین فراغ و گسترده شده الله منان می باشد بنا از کفر و نماد آن به سوی ایمان و خانه ایمان مهاجر شوید و هیچ گاهی زمینی را که در آن امکان اقامه و برپایی شعائر الهی وجود ندارد برای زنده گانی خود انتخاب ننمایید و بدانید که خداوند متعال حتما پاداش صابران و آنان که در برابر مصائب به صبر روی آوردن را نه تنها که ضایع نکرده بل در مقابل آنان را به پاداش بزرگ و کامل این عمل شان نوازش خواهد داد و این پاداش را نه و زن و حصر خواهد بود.<sup>4</sup>

ای محمد بگو که من از سوی پروردگارم مامور به پرستش خالصانه او بدون هیچ گونه شریک و همسان برای او شده ام .

<sup>1</sup> موسوعة الكلمة و إخوانها فی القرآن الکریم. ص 402 و 403

<sup>2</sup> همان. ص 402 و 403

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 485

<sup>4</sup> مختصر تفسیر این کثیر . 3 ، 215

و حقا که الله متعال این امر را ویژه رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در حالیکه دیگران به این امر مهم بیشتر سزاوار اند بنابر تشویق و ترغیب آنان کرده است و نیز بگو که من مامور ام تا نخستین و اولین این امت باشم.<sup>1</sup>

امام قرطبی - رحمة الله علیه - گفته است: هیمن طور بود یعنی رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نخستین فردی بود که ندای مخالف و اجتناب از رسم و آیین پدران اش را سر داد و اطاعت و پیروی از دین الهی را محکم گرفته و پروردگار خود را به اخلاص تمام، عبادت، دعا و پرستش نمود.<sup>2</sup> و من از عذاب الهی در روز رستاخیز در صورت سرکشی از امر او بسیار می ترسم امام صاوی - رحمه الله - در حاشیه الصاوی می فرماید: هدف در این آیه ترسانیدن و بر حذر داشتن دیگران از معاصی می باشد زیرا رسول الله - صل الله علیه و سلم- با وجود پاکی و عصمت پیرامون معاصی در اوج خوف و خشیت نسبت او تعالی قرار داشت بنابراین در این جا دیگران هدف امر الهی قرار گرفته اند. و نیز بر همه گان هویدا و روشن است که روش انبیاء - علیهم الصلاة - و صالحین این است که هر امر نیک و صفت خوبی که دیگران به آنان مامور قرار بگیرند آنان در این صفت نمونه مثال زنده می باشند.<sup>3</sup>

ای محمد برای آنان بگو: من جز پروردگار حقیقی و واحد هیچ کسی را به پرستش نمی گیرم و در این میان او را با تمام اخلاص و خضوع فرمانبرداری می نمایم. این امر در واقع تکرار نیست زیرا در امر نخست رسول الله - صلی الله علیه و سلم - مامور به عبادت و پرستش او باری تعالی شده در حالیکه در امر دومی گراف ترس و خوف او در صورت نافرمان برداری اذعان شده است و در امر سومی تخصیص او بر ملازمت به پیروی و امتثال از او امر او تعالی برملا شده است گویا این که او گفته است: من تنها الله را پرستش می کنم و غیر از او هیچ کسی را نمی پرستم.<sup>4</sup>

در حقیقت این اعلام و اعلان از سوی نبی کریم - صلی الله علیه و سلم - در باره مامور بودن اش از جانب الله سبحان بر پرستش و عبادت او باری تعالی بدون هیچ گونه شریک و انداد می باشد و این که او - صل الله علیه و سلم - الله سبحان را به یگانگی و اخلاص کامل پرستیده تا با این کار از نخستین مسلمانان محسوب گردد و این که او از پروردگار خود در صورت معصیت به شدت می هراسد. در واقع الامر این اعلان از اهمیت و ارزش بزرگی در باره عقیده اسلامی و امتیاز آن برخوردار است زیرا این

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 485

<sup>2</sup> الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة و آی الفرقان ج 6 ، ص 242

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 485

<sup>4</sup> صفوة التفاسیر الصابونی - شیخ محمد علی - ط جدید 3 ، 73

عقیده درست و سالم اسلامی را بر ملا می دارد . بنابر این رسول الله - صلی الله علیه و سلم - در این مقام موقف عبدیت و بنده گی او باری تعالی را داشته است که این منصب و مقام از آن او بوده و از آن به هیچ صورتی تخطی و تعدی نخواهد کرد . تمامی بنده گان در مقام بنده گی با ملبس بودن به تمامی صفات بنده گی قرار می گیرند و ذات الله متعال را برتر و فوق تمامی مخلوقات پنداشته که این خود مراد و مقصد اصلی عقیده توحیدی می باشد.<sup>1</sup>

پس ای گروه سرکشان و نافرمانبرداران شما هر کی را که دوست دارید مانند بتها و غیره را به جز او تعالی بپرستید زیرا در عاقبت شما سر انجام اعمال و کار های خود را خواهید دید . و این صیغه امر بنابر تهدید و وعید آمده است.

و در حقیقت زیان کاران واقعی کسانی اند که نسبت به خود و خانواده خود زیان کرده اند طوری که همه بسوی آتش همیشه گی جهنم سوق داد شده و جای گاه آنان سعیر خواهد بود بنابر این آنان زیان کار حقیقی هستند .

حضرت ابن عباس - رضی الله عنه - می گوید : حقا بر هر فرد در جنت منزل ، فامیل ، و خدمتگاران می باشد که الله متعال آنها را بنابر فرمانبرداری و اطاعت آنان برایشان اعطا می نماید و هرگاه فردی از اهل آتش بوده باشد از تمامی این نعمت ها محروم می ماند که در حقیقت این زیان واقعی و اصلی بوده که هم بر خود و هم برای خانواده خود زیان را به بار آورده است . آگاه باشید ای قوم که این زیان و خسران مهم ترین و بزرگترین زیان که بعد از آن دیگر زینانی به این پیمان خترناکتر نخواهد بود می باشد .

هنگامی که الله سبحان یادی از زیان کاری آنان در دنیا نمود همچنان از سرانجام اخروی آنان نیز پرده برداشته فرمود : این آتش آنان را به تمامی وجود پوشانیده طوری که از بالای سرشان و زیرپاهیشان خلاصه از تمامی جوانب آنان را حاطه و محصور می کند یعنی بالای سرشان سایه های از آتش جهنم مستولی بوده که آنان را خوار و ذلیل می گرداند و این سایبان بنابر هلاکت آنان یاد آوری شده است زیرا این سایه ها سوزنده هستند و در غیر آن سایه برای حفاظت از گرمی می باشد.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> فی ظلال القرآن ج 5 ص 3044 .  
<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 486

این عذاب شدید و خوار کننده الله متعال، برای ترهیب و انذار بنده گان بوده و به آنان یاد دهانی می کند تا از همه انواع معاصی و گناه هان دوری نمایند و در ادامه می گوید ای بنده گان و دوستان من از این گونه عذاب های من بهراسید و از انجام آنچه که سبب قهر و خشم من می گردد اجتناب ورزید .<sup>1</sup> و هنگامی که سرزنش پرستش کننده گان بتها را یاد دهانی کرد در ادامه بشارت های اهل ایمان و فضل را بنابر دوری آنان از شرک و شرکیات یاد دهانی می نماید تا همبستگی و مقارنت و عید با وعد ایجاد شده و کمال ترغیب و ترهیب به میان بیاید .<sup>2</sup>

یعنی این کسانی که از پرستش بتها و فرمان برداری شیطان اجتناب ورزیده و از این چنین اعمال به مسافه فاصله زمین و آسمان دور بوده اند و بسوی فرمان الهی و انقیاد ان برگشت و رجوع نموده اند برای آنان در حقیقت بشارت ویژه و بزرگی را بوده و سرانجام آنان جنت بوده که حقا دخول به جنت نعمت بزرگ و عظیم الهی می باشد .<sup>3</sup>

امام ابو سعود<sup>4</sup> - رحمه الله - در تفسیر ارشاد العقل السليم می گوید : طاغوت در حقیقت نقطه و سرحد اخر از طغیان بوده که مقصد از آن شیطان می باشد که بنابر مبالغه به این اسم مسمی شده است .<sup>5</sup> پس بنده گان پرهیزگرم کسانی اند که هر گونه سخن بدون در نظر داشت قضیه عمل گوش دهند ولی در پایان بهترین سخن را برای اطاعت انتخاب می نمایند .

علمائ کرام در باره تفسیر این آیه اقوال مختلفی را بیان داشته اند که از جمله اینکه گفته اند : مراد و مقصد از سخن و قول که آنان آنرا برای عمل انتخاب می کنند در این آیه کریمه تمامی تعالیم و آموزه های دینی می باشد آموزه های که سر چشمه و منبع آن کتاب و سنت می باشد .

و مراد از (احسن) واجب و برتر است باوجود این عمل به مندوب و حسن نیز شامل حسن است .<sup>6</sup> یعنی آنان با وجود توانایی انتقام و عمل بالمثل و جایز بودن این عمل، باز هم رو به احسان آورده و برای آنان نیکی می کنند و از ریسمان عفو و بخشش بنابر افضلیت ان دست بر نمیدارند طوریکه الله متعال فرموده است . ( و أن تعفوا أقرب لتقوا ) {سورة البقرة : 237}

ترجمه : اگر شما عفو کنید حقا که به تقوا نزدیک تر است .

<sup>1</sup> صفوة التفاسیر ج 3 ص 74

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 487

<sup>3</sup> صفوة التفاسیر ج 3 ص 73

<sup>4</sup> محمد بن محمد بن حمادی حنفی صاحب تفسیر ارشاد العقل السليم الی مزایا القرآن الکریم ، بوده که مشهور به ابو سعود می باشد وی در سال

982 هجری قمری وفات یافته است . سیر اعلام النبلاء ج 2 ص 301

<sup>5</sup> ارشاد العقل السليم الی مزایا القرآن الکریم ج 4 ص 305

<sup>6</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 487

و نیز الله متعال می فرماید ( و إن عاقبتكم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لإن صبرتم لهو خیر للصابرین ) {  
سورة النحل 126}

ترجمه : هر گاه بر شما تعدی شد شما هم به اندازه همان بر آنان تعدی نمایید چنانکه شما را مورد تعدی قرار دادند و اگر شما صبر پیشه کنید حقا این کار برای صابران بهتر و خیر است .  
در این صورت معنی آیه کریمه این طور می شود یعنی کسانی که بهترین سخنان را می شنوند و بهترین را به عمل انتخاب می کنند .

از جمله تاویلات که مفسرین پیرامون این آیه داشته اند یکی هم این است : که مراد از سخن در این جا تمامی سخن ها بدون در نظر داشته خیر و شر لحاظ کرده شود یعنی بنده گان الهی کسانی اند که تمامی سخن های مردم را مورد شنید قرار داده و به دقت به آنها گوش فرا می دهند ولی بهترین سخن ها را مورد عمل قرار می دهند و سخن های بیهوده و بی فایده را کنار می گذارند .<sup>1</sup>

صاحب کشف در باره این ( الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه ) به گونه ذیل ابراز نظر کرده اند که خلاصه آن را ذکر می‌داریم .

الله متعال برای این بنده گان خود را طوری اراده فرموده است که آنان ضمن اجتناب از سخن های بیهوده دارای تمایل به شنود هر گونه سخن هستند و نیز آنان را دارای ویژه گی فرمانبرداری و فرمان پذیری نسبت به دین گردانیده است نه تنها این بلکه آنان را به داشتن قدرت و صفت تفکیک میان حسن و احسن یا فضل و افضل نیز نوازش کرده است پس هر گاه بر آنان دو مساله و مورد عارض گردد که یکی واجب و دیگر مستحب یا مندوب می باشد آنان علی الفور مساله واجب را در گام نخست مورد عمل قرار می دهند یعنی آنان در باره اجرای اعمال که بیشترین اجر و پاداش را داشته باشند حریص و پی گیرند تا اجر و پاداش آنان در نزد الله متعال بیشتر و گزاف گردد.<sup>2</sup>

انان هم به قرآن و هم به غیر از قرآن گوش فرا می دهند و نیز آنان تمامی اوامر الله متعال مانند قصاص عفو و غیره را مورد شنود قرار می دهند تا بهترین و بزرگترین آنها در اجر و ثواب بر گزینند .

<sup>1</sup>مصدر سابق ج 6 ، ص 487  
<sup>2</sup> الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ج 4 ص 93

از ابن عباس - رضی الله عنه روایت شده که ان فردی است که هر سخن که دارای فضایل و زشتی ها باشد را می شنود تا در جاده عمل و نقل القول به رکاب بهترین سخن ها سوار شده و از مرکب سخنان بد و زشت خود را به نگهدارد.<sup>1</sup>

سخن فوق از ابن عباس - رضی الله عنه - در ضمن بهترین و راجیح ترین تاویلات و سخن قرار می گیرد زیرا ظاهر این آیه کریمه نیز همین طور یک معنی را افاده می کند .

در حقیقت این توصیف انان از سوی الله سبحان بنا بر تملیک بصیرت و قوه تفکیک میان خوب و بد که هر گاه سخنی را بشنوند فوراً آنرا مورد سنجش و بصیرت قرار داده و به احسن ان عمل کنند می باشد و در حالیکه بهترین سخنان سخنی الله متعال و برترین رهنمایی رهنمایی رسول الله - صلی الله علیه و سلم می باشد.<sup>2</sup>

در واقع وضع ظاهر این آیه ( فبشر عباد ) بدل از ضمیر ( فبشر هم ) بنا بر تکریم و تشریف برای انان می باشد. و انان که متصف به این صفات می باشند در واقع الله متعال انان را بسوی امور که سبب رضایت و خوشنودی او تعالی می گردد رهنمایی کرده و به دین سبب انان از زمره اصحاب العقول و خرد و راهیان جاده مستقیم و سعادت گشته اند.<sup>3</sup>

پس ای پیامبر خدا! آیا فردی که بر او مهر عذاب الهی بنا بر عناد و سرکشی زده شده است توانایی هدایت و نجات اش را داری؟ نه بلکه این قدرت و صلاحیت در خور تو نبوده بل خاصه الله سبحان می باشد.<sup>4</sup>

اما کسانی که تقوا الهی را پیشه نموده و در اطاعت و عبادت او خداوند - جل جلال له - از صفت اخلاص عام و تام مستفید بوده اند حقا که برای انان پاداش بزرگی در قالب منزل گاه های روشن و درخشان که بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار گرفته و از زیر درختان انها جوی بار های خروشان روان باشد وعده داده شده است . و این وعده الله سبحان از ویژه گی انحصار برخوردار بوده که تنها انسان های پرهیزگار از ان بهره برداری خواهند کرد در ادامه باید خاطر نشان کرد که الله متعال از وعده خود هیچ گاه خلاف نمی ورزد.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 488.

<sup>2</sup> همان مصدر سابق ج 6 ص 488

<sup>3</sup> صفوة التفاسیر ج 3 ص 75

<sup>4</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 488.

<sup>5</sup> التفسیر المیسر 8 ، 241



## موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

درس ها و رهنمایی های موجود در مقطع قرار ذیل است

1. الله متعال بر پیامبر خود - صلی الله علیه و سلم - و نیز بر مؤمنان عنایت و احسان ویژه ی را مبذول داشته است طوریکه آنان را به سوی کمال و کامیابی واقعی هدایت و رهنمایی نموده است<sup>1</sup>.
2. هر کی در دنیا دست به دامان نیکوی بزند حقا که در دنیا و آخرت نتیجه نیکو کاری خویش را خواهد دید.<sup>2</sup> ( چنانکه از آیه 11 این مقطع درس گرفته می شود )
3. الله متعال ، برای هر فردی نیکو کار، در جنت منزل گاه و اهل نصیب می فرماید چنان که برای انسان های بد کار منزل گاه در جهنم مهیا نموده است.<sup>3</sup>
4. اهل جهنم در حقیقت ، کسانی اند که بر علاوه ظلم بر خویشان ، در حق اهل و عیال خویش نیز ظلم را روا داشته اند.<sup>4</sup> ( طوریکه این درس از آیه 15 این مقطع اخذ می گردد )
5. برانگیخته شدن و حساب اعمال در روز رستاخیز ضمنا سایر احوال دیگر این روز همه برحق و قابل الوقوع می باشد.<sup>5</sup>
6. عبادت خلاصانه در واقع ، عبادتی است که از رنگ و بوی هر گونه شرک و ریا مبرا بوده و هیچ موردی از امور منافی توحید در آن جا نگرفته باشد.<sup>6</sup> ( چنانکه آیه شماره 17 بدان صراحت دارد )
7. طاغوت در واقع ، عبارت از هر نوع عمل کرد بر خلاف توحید را می گویند.<sup>7</sup>
8. هر گاه برای فردی گمراهی و دخول جهنم ازلی بوده باشد در این صورت هیچ گونه دعوت و پند از سوی هر گونه و عاظ و مصلح مفید واقع نبوده و تمامی تلاش های فرد عوت گر بی نتیجه خواهد بود.<sup>8</sup> ( درسی که از آیه شماره 17 این مقطع اخذ می گردد )

1 أيسر التفاسير ج 3 ص 415

2 تفسير القرآن العظيم ج 7 ص 420

3 بغوی ابو محمد حسین بن مسعود معالم التنزیل ، تحقیق عادل احمد عبد الموجود ، دارالکتب العلمیة بیروت لبنان چاپ اول 1418 1997 م ج 5

ص 331

4 تفسير روح المعانی ج 6 ص 302

5 أيسر التفاسير ج 3 ص 417 - 419

6 فتح القدير ج 4 ص 390

7 تفسير رازی ج 5 ص 291

8 أيسر التفاسير ج 3 ص 420

## مقطع پنجم ( آیه کریمه 21)

از دلایل وحدانیت و قدرت او تعالی

موضوع اول : مناسبت های این مقطع پنجم

الف: مناسبت با مقطع قبلی

چون الله متعال در مقطع گذشته از آخرت به گونه شایان ( شایسته ) یاد دهانی نموده و تمایل و شوق اهل خرد و صاحبان عقل سلیم را به آن شیفته و شایق گردانید در این مقطع ضمن قدرت نمایی و بیان اوصاف کمال خود در پدیده های هستی ، دنیا را به گونه توصیف می دارد که نفرت انسان را نسبت به دنیا بر می انگیزد.<sup>1</sup>

ب : مناسبت با محور اصلی سوره

و چون محور اصلی این سوره عقیده توحیدی است در این مقطع به برخی آیات و نشانه های تکوینی که دلایل توحید ربوبیت است اشاره شده و از آن بر توحید الوهیت استدلال می شود.<sup>2</sup>

موضوع دوم : ترجمه و تفسیر آیه کریمه این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ

ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَمًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾ {سورة الزمر

{21

فرع اول : ترجمه لفظی آیه کریمه این مقطع

آیا ندیدی که الله از آسمان آب فرو می آورد پس انرا به صورت چشمه ها در زمین راه داد باز به وسیله آن انواع سبزه زار ها و کشتزار ها را با رنگ های گوناگون می رویاند باز خشک می شود و آن را زرد رنگ می بینی باز آنها را کاه و خاشاک می گرداند البته در این امر برای خردمندان پند و عبرت است .

<sup>1</sup> تفسیر مفاتیح الغیب ج 6 ، ص 249

<sup>2</sup> الباحث

## فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه کریمه این مقطع

ای انسان عاقل و هوشیار آیا به چشم سر مشاهده نمی کنی که الله متعال چی گونه به قدرت کامله خویش باران و آب را از میان انبوه از ابر ها پایین کرده و انرا به جوی بارها و چشمه های زمین جا به جا می نماید . علما تفسیر گفته اند: این خود دلیل بر اینکه آب چشمه ها از باران بوده که انرا زمین در اغوش خویش نگه میدارد و دو باره به گونه و شکل چشمه ها تدریجا به بیرون اخراج می نماید ..

حضرت ابن عباس - رضی الله عنهما - می گوید : در زمین هیچ گونه آبی وجود ندارد تمامی آب های زمین منشأ آسمانی دارند ولی این زمین است که انرا به گونه و طعم های متفاوت به بار می آورد.<sup>1</sup> سپس الله سبحان با این آب که از آسمان به گونه باران و گوارا پایین آمده است انواع از نباتات و گیاهان را زرع می نماید که این نباتات و میوه ها از طعمه و رنگ و اندازه متفاوت و مختلف بر خوردار اند یعنی رنگ های چون سرخ و سفید و زرد و غیره و صنف های زیادی مانند گندم و برنج و عدس و غیره و این تنوع در کیفیت ها و لذت ها و اندازه ها و رنگ ها در نباتات و میوه جات در حالی است که آب که با آن درختان و زمین های مزارع آبیاری شده است آب یک رنگ که همانا باران می باشد است که زمین آنرا به گونه های متفاوت و مختلف به بیرون می آورد.<sup>2</sup>

بعد از ان این نبات که مرحله از تازه گی و گوارای از عمر خود را به سر رساند تو ای مخاطب آنرا زرد و زار خواهی دید که آرام آرام مانند کاه افتاده در زمین خورد و ریزه شده که باد ها آنرا به مکان نا معلوم سوق می دهند پس بدان ای مخاطب که در این همه کاروای ها الهی پیرامون باران و رشد نباتات عبرت ها و اندرز های بی شماری برای اهل خرد و تعقل نهفته است که همه بر کمال قدرت او تعالی و حدانیت یا یگانه گی او دلیل و حجت می باشند .

در واقع در این آیه کریمه زنده گانی انسان به گونه تمثیل به نمایش کشانده شده است طوریکه انسان ولو از عمر طویل و زنده گانی پر از ناز و نعمت برخوردار باشد لکن سر انجام آخرش نابودی و فنا خواهد بود یعنی مانند نبات او در نهایت زرد و زار و پیر گشته استخوان هایش نازک و از کار می افتد و آرام آرام ملک الموت برای قبض روح حاضر می گردد کاملا مانند آن نبات و گیاه که در روزگاری هم تر و تازه و با ثمر بود که بعد از سپری شدن یک مدت دوباره سر به دامان نابودی گذاشته و هیچ کشتی گویا اصل در دیروز وجود نداشته است .

<sup>1</sup> تفسیر القران العظیم ج3 ص 217.

<sup>2</sup> صفوة التفاسیر ج3 ص 76 .

در حقیقت هدف و مقصد اصلی این آیه مبارکه همان برحذر داشتن انسان از گیر ماندن در گرداب زنده گانی زود گذر دنیا و هوس های مهلک ان می باشد طوری که الله - جلت عظمته - زود گذری و زوال دنیا را به نبات تار و تازه و خرمی تشبیه کرد که سر انجام زرد و زار گشته و به باد فنا میرود و نابود می گردد.<sup>1</sup>

در قران کریم آیه های زیادی وجود دارد که معنی و مقصد این آیه کریمه را باز گو می نماید مانند ﴿وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ۝﴾ {سوره كهف آیه 45} ترجمه : و برای آنان زنده گی دنیا را مثل بزنی که مانند آبی است که آنرا از آسمان نازل کردیم باز گیاهان زمین را به وسیله آن با هم خلط شدند باز چنان خشک شد که باها آنرا پراگند کرد و الله بر هر چیزی توانا ست. و نیز این سخن پروردگار ﴿أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ فِيهَا مَتَاعٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ۗ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرْتَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا ۗ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۗ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ۝﴾ {سوره حدید آیه 20} ترجمه : بدانید که زندگانی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی و زینت و فخر فروشی در میانتان و افزون طلبی در اموال و اوبالاد نیست مانند بارانی گیاه ( رویده ) آن کشاورزان را به تعجب می آورد و خشک می شود و آنرا زرد می بینی باز گاه می گردد و در آخرت عذاب سخت و ( هم ) مغفرت و رضامندی از جانب الله متعال است و زنده گانی دنیا نیست مگر سبب و وسیله غرور و فریب.<sup>2</sup>

ابن کثیر می گوید این چنین دنیا شاداب و خرم می باشد بعدا پیر و زرد و زار می گردد همین گونه است انسان ، نخست جوان و خرم می باشد سپس بزرگ و پیر می شود و دچار مرگ میگردد بناء خوشبخت کسی است که سر انجامش نیکو باشد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ص 490 و 491

<sup>2</sup> همان ج 6 ، ص 491

<sup>3</sup> تفسیر القرآن العظیم ج 3 ص 217.

## موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. در احوال نباتات و میوه ها علی الخصوص طول و قصر عُمر آنها، برای انسان های عاقل نشانه های از دوراندیشی و عاقبت نگری وجود دارد.<sup>1</sup>
2. برای اثبات قدرت و یگانه گی الله متعال دلایل بی شمار در مخلوقات و کائنات وجود داشته که دایم الحال برای این مدعا ناطق و گویا می باشد.<sup>2</sup>
3. از نشانه های گسترده و بی شمار الهی در کائنات تنها اهل خرد و عقل سلیم بهره برداری کامل و شامل کرده می تواند.<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> مفاتیح الغیب ج 5 ص 301

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 489

<sup>3</sup> أیسر التفاسیر ج 3 ص 401

## مقطع ششم ( آیه های کریمه 22 الی 26 )

تعامل مؤمنان با قرآن کریم و موقف کافران در برابر قرآن و سرانجام آنان

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع ششم

سبب نزول آیت 23 این سوره را از امام واحدی به گونه ذیل بیان میداریم .

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ

وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٢٣﴾ {سوره

زمر آیت 23}

امام سیوطی - رحمه - پیرامون شان نزول این آیت به شرح ذیل بیان داشته است " حاکم و دیگران از سعد بن ابی وقاص -رضی الله عنه - روایت میکنند که وی فرمود: هنگامیکه قرآن کریم بر پیامبر - صلی الله علیه و سلم - نازل می شد انرا دیر زمانی بر اصحاب خود - رضی الله عنهم - تلاوت می کرد بناء صحابه - رضی الله عنهم - گفتند : ای رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اگر شما هم صحبتی برای ما داشته باشید؟ در این میان خداوند متعال این آیت ( اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ) {سوره زمر آیت 23} را نازل نمود ."<sup>1</sup>

امام طبری - رحمه الله - نیز در باره سبب نزول این آیت روایتی را از ابن عباس و عمرو بن قیس - رضی الله عنهما - این گونه نقل می کند " اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و سلم - پرسیدند : یا رسول الله - صلی الله علیه و سلم - اگر شما برای ما صحبتی داشته باشید؟ این آیت نازل شد ( اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ) {سوره زمر آیت 23}.<sup>2</sup> (بابت ترجیح یکی از این روایت باید گفت که این روایات هر یک می تواند به نوبه خود شان نزول آیه متذکره باشد بابر اصل تعدد سبب نزول)

1 لباب النقول فی أسباب النزول ص 224

2 جامع البیان عن تاویل آی القرآن ج 3 ص 354

## موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

### الف : مناسبت با مقطع قبلی

از آنجای که در مقطع گذشته از دلایل و حجت های بر وحدانیت الله متعال پرده برداری کرد دلایل که موجب ایمان بر الله متعال می گردد الله متعال در این مقطع از این یاد دهانی می نماید که از این دلایل جز اهل خرد و صاحبان عقل سلیم کسی دیگر منفعت و بهره برداری شایان کرده نمیتواند .<sup>1</sup>

### ب : مناسبت با محور اصلی سوره

دلایل قدرت و عظمت الله متعال بهترین وسیله برای شناخت و توحید الله متعال می باشد و از این مهم ، تنها افراد خردمند و هوشیار بهره جسته می توانند توحیدی که محور اصلی این سوره بیان شده است.<sup>2</sup>

### موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضَلِلْ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّبِعِ بَوَاجِهِ سَوْءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْحَزْنَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾﴾

### فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

آیا کسی که الله سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشوده است و او از سوی پروردگارش از نوری برخوردار است ( چون سنگدلان است؟) پس وای بر کسانی که از شدت سنگدلی – الله را یاد نمی کنند ایشان در گمراهی آشکارند الله بهترین سخن را نازل کرده است کتابی که آیات آن متشابهه ( و مشابه به

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 492  
<sup>2</sup> الباحث

یکدیگر) است ( از شنیدن آن ) پوست های آنان که از پروردگارشان می ترسند به لرزه می افتد باز پوستها و دل های شان با یاد الله نرم می شود این هدایت الله است و الله هر کسی را بخواهد به آن هدایت می کند و هر کس را که خداوند گمراه نماید برای هدایت او هیچ راهنما و هدایتگری نیست . آیا کسی که ( با ایمان و عمل نیک ) روی خود را از عذاب بد روز قیامت دور نگه می دارد ( مانند کسی است که از عذاب آن روز غافل است ؟ ) و ( در آن روز ) به ظالمان گفته می شود بچشید ( سزای ) آنچه را کسب کردید . آنان که پیش از ایشان بودند ( نیز پیامبران را ) تکذیب کردند پس ( در نتیجه ) عذاب از جایی که نمی دانستند به سراغ آنان آمد . پس الله خواری و رسوایی را در زنده گانی دنیا به آنان چشاندید و یقیناً عذاب آخرت بزرگ تر است اگر می دانستند .

### فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

پس آیا آن کسی را الله متعال سینه اش را وسعت داده و او با قبول کردن اسلام و آیین اسلامی به خوش بختی و کامیابی نایل گردیده است و بنابر این ایمان و نور ان در جاده صاف روان گشته و از قوه تفکیک میان حق و باطل را برخوردار گشته است و همچنان الله متعال او را بر اطاعت اوامر خود هدایت و توفیق داده است این چنین فرد با کسی که از این مواصفات بری و عاری بوده است یک برابر و یکسان است ؟ نه هرگز این چنین افراد با هم بک برابر و یکسان نخواهند بود پس هلاکت و نابودی باد بر کسانی که دل های شان از یاد ذکر الله متعال سخت و سفت گشته است و آنان در گمراهی و کج راهی واضح و روشن قرار دارند .<sup>1</sup>

امام طبری<sup>2</sup> - رحمة الله علیه \_ جواب این سوال در آیه کریمه بنابر فهم شنوندگان و نیز بنابر قضیه ما بعدی ان ترک و رها گردیده است که در واقع تقدیر آن این گونه است آن فرد مانند کسی که الله متعال دل او را سخت و سفت گردانیده و از یاد و ذکر الهی محروم و به دور مانده است تا آنجا که در برابر شنیدن حق دل تنگ و ضیق می گردد و او سرا پا از هوای نفس خویش پیروی می کند برابر است ؟<sup>3</sup>

پس عذاب و هلاکت باد بر کسانی که دل های شان در برابر یاد خدا و ذکر نام او تعالی نه نرم می گردد و نه خاشع، آن ذکر یاد کتاب الله ( قران کریم ) که حقاً الله متعال انرا برای بنده گان اش همچو ذکر و پند نازل کرده است .

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج6 ص 492

<sup>2</sup> ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید ( 224-310 هجری = 923-839 م ) مشهور به ابن جریر الطبری وی مورخ ، مفسر ، امام در علوم دینی بود که در شهر آمل طبرستان دیده به جهان گشود . وی در آوان زنده گی نخست بای طلب علم حدیث به عراق ، مصر و شام سفر کرد و از جمع انبوه از مردمان حدیث را سماع نمود وی بعد تبصر در علوم دینی مانند حدیث ، تفسیر و غیره بالآخره در بغداد مستوطن شد و در همان جا وفات نمود از تصانیف مشهور وی : تاریخ طبری و تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن می باشد . زرکلی ، الاعلام ج 6 ، ص 69

<sup>3</sup> ابو جعفر محمد بن جریر - جامع البیان فی تفسیر القرآن ج4 ص 292



هنگامی که الله متعال این را ذکر کرد در برابر و در مقابل ادامه می دهد و که هر آیینی این قران سبب حصول و کمایی نور هدایت و شفاء می گردد چنان که فرمود ( نزل أحسن الحديث ) که مراد از ( احسن الحديث ) همین قران عظیم الشان است که در حسن و احکام و عدم اختاتاف ان با همه اش یک شان و مشابه است که از زمره و جوه احکام ان وجود قصص و احکام و نیز دلایل و بینات روشن ان می باشد.<sup>1</sup>

آن کسان که از شنیدن قران کریم موی های بدن شان برخاسته و اجسام انان در برابر یاد خدا و از ترس او بنابر بر هیبت و هشمت او مضطرب و لرزان می گردیده و سپس دل ها و پوست های بدن شان بنابر وجود بشارت ها و مژده قرانی در برابر قران کریم و شنیدن آیه های آن نرم و گرم می گردد که در حقیقت همین تاثیر پذیری انان در برابر قران کریم مظهر لطف و هدایت خداوند متعال نسبت به انان می باشد.<sup>2</sup>

و الله متعال از میان بنده گان خود هر کسی را که بخواد توسط کلام خود یعنی قران عظیم الشان به جاده هدایت و سعادت سمت و سو می دهد و در برابر هر کسی را که اراده نماید بنابر شرک و عناد اش در مقابل قران کریم گمراه ساخته و از بهره قرانی او را بی نصیب می سازد که در حقیقت برای این چنین فرد در این صورت هیچ یار و راه نمایی نخواهد بود تا او راه نمایی کرده و یا توفیق انرا برای اش نصیب فرماید.<sup>3</sup>

امام ابن کثیر - رحمه الله - می گوید : در حقیقت این ویژه گی و صفت منحصر انسان های نیکو کار و ابرار است که در برابر شنیدن آیه های قران و شنیدن کلام الله جبار متاثر می شوند و چون آیه های وعد و عید یا تخویف و تهدید را می خوانند فوراً بنابر خوف و خشیت الله متعال موی های بدن شان بلند و اجسام شان لرزان می گردد و چون آیه های رحمت و بشارت را می خوانند دل های شان و پوست های شان بنابر امیدواری به رحمت و لطف الله تعالی نرم و گرم می گردد.<sup>4</sup>

در نهایت این که ویژه گی و صفات امؤمنان و راستکاران این باشد که انان در هنگام خواندن قران کریم و یا شنیدن آن در میان خوف الهی و امید به رحمت الهی ، جمع و توازن ایجاد می کنند یعنی خوف و ترس از عذاب الهی و امیدواری نسبت به رحمت و مغفرت او تعالی را همسان ، در نظر می داشته باشد

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القران الکریم ج 6 ص 493

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القران الکریم ج 6، ص 493

<sup>3</sup> التفسیر المیسر 3 ، 245

<sup>4</sup> تفسیر القران العظیم . 8 ، 217

. بناء لرزیدن و نرم شدن پوست بدن های شان ندای کنایه از خوف و ترس الهی و نرمی جلدها و دل ها کنایه از شدت خوشحالی و خرسندی آنان را سر می دهد.<sup>1</sup>

همان قرانی که این چنین صفت و ویژه گی را دارد در واقع عبارت از هدایت و راه نمایی الله متعال است که هر کسی را از میان بنده گان اش که بخواهد بدان هدایت فرموده و هر کسی را که خوار و ذلیل بگرداند دل اش را سخت و تاریک می گرداند که در آن صورت هیچ راه نما و هدایت گری برای او نخواهد وجود داشت.<sup>2</sup>

پس هر کسی که روی خود را از عذاب الهی و آتش جهنم نگه می دارد خبر در این جمله محذوف است یعنی مانند کسی که از عذاب در امان ماند آیا برابر است .

علماء تفسیر گفته اند : روی در حقیقت شریف ترین عضو جسم انسان می باشد و چون هر گاه انسان در خوف و مکان خطر قرار بگیرد فوراً برای حفاظت آن دست های خود را برای وقایع روی خود در برابر روی خود قرار می دهد و دست های کفار در روز قیامت بسته می باشد که هر گاه در مقابل آتش جهنم قرار گیرد هیچ وسیله را برای حفاظت خود حز روی های خود یافته نمی توانند

نگهبانان جهنم در هنگام می گوید: اکنون عذاب این آتش را بنابر انواع از معاصی و گناهان که انجام می دادید بچشید.<sup>3</sup>

ملت ها و مردم های گذشته پیش از آنان نیز این حقایق را تکذیب می کردند که عذاب الهی از سوی به سراغ آنان رسید که هیچ گمان انرا نمی کردند و الله متعال ذلت و رسوایی و تحقیر و توهین را در دنیا به آنان چشاندید و عذاب آخرت که الله متعال برای آنان وعده کرده است به کرات و مرات شدید و بزرگتر است ولی اگر به ان چه که تکذیب می کردند علم و فهم می داشتند .<sup>4</sup>

1 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 494

2 صفوة التفاسیر ج 3 ص 77.

3 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 494

4 صفوة التفاسیر ج 3 ص 77.

## موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

اندرز های نهفته در این درس را امام ابو بکر الجزیری - رحمه الله - به شرح ذیل یاد دهانی کرده است

1. الله متعال چشمه ها و جوی بارها را توسط آب فروآمده از آسمان ، نظر به ضرورت مردمان در نقاط مختلف زمین ایجاد می نماید.<sup>1</sup> ( درسی که از آیه 32 این مقطع اخذ می گردد)
2. قلب های انسان های به دو گونه است نخست قلب قابل هدایت و هدایت پذیر و دوم قلب های که سخت و سفت اند که قابل هدایت نیستند.<sup>2</sup>
3. قرآن کریم بهترین سخن و کلام است تا مؤمنان به آن دایم گفتمان داشته باشند زیرا اخبار قرآنی همه اش صدق و احکام اش همه عدل می است.<sup>3</sup>
4. اهل خشیت و خوف از الله متعال از فضیلت و برتری ویژه برخوردار اند طوری که آنان در برابر شنیدن قرآن کریم متاثر گردیده قلب های آنان در جریان شنیدن و عید الله متعال قلب ها و پوست های شان لرزان و هنگام شنیدن وعده های الهی نرم و گرم می گردد.<sup>4</sup> ( طوری که آیه 23 این مقطع بر آن صراحت دارد)
5. عذاب های آخرت هر چی باشد در نوع خود خطیر و جانسوز می باشند اما خطرناک تر و آزاردهنده تر زمانی خواهد بود که انسان سمت و طرف نزول و آمدن آنها را نداند.<sup>5</sup> ( چنانکه آیه 25 بر آن اشاره دارد )
6. گرفت و تعذیب الهی در دنیا عموماً در قالب مسخ ، خسف و قتل و غیره می باشد.<sup>6</sup> ( طوری که آیه 24 بدان صراحت دارد)
7. اگر ایمان مردم به روز رستاخیز و آخرت به گونه جزم و علم یقینی می بود در این صورت هیچ کسی بسوی انکار و تکذیب دین و بسوی کفر و ظلم روی نمی آوردند.<sup>7</sup> ( طوری که آیه 25 آن را می رساند )

1 تفسیر ابن کثیر ج 9 ص 492.

2 ایسر التفاسیر ج 3 ص 421

3 البحر المحيط ج 11 ص 383

4 تفسیر البغوی ج 8 ص 392

5 تفسیر آلوسی ج 6 ص 532

6 تفسیر إرشاد العقل السليم الی مزایا القرآن الکریم ج 4 ص 302

7 ایسر التفاسیر ج 3 ص 421

## مقطع هفتم ( آیه کریمه 27 الی 31 )

ضرب المثل ها برای تذکیر و عربی بودن قران کریم

موضوع اول : مناسبت های این مقطع

الف : مناسبت با مقطع قبلی

چنانکه در مقطع قبلی از چگونه گی انتفاع و بهره برداری از آیات الهی و احسن الحدیث یادهانی صورت گرفت در این مقطع از سنت الهی در قبال بیان مثال ها و نیز یک مثال بزرگ و حقیقت مرگ پرده برداری می کند.<sup>1</sup>

ب: مناسبت با محور اصلی سوره

مناسبت این مقطع با محور اصلی نیز هویدا است یعنی این مقطع بیانگر مثالی از انسان موحد بر خلاف ،انسان که از این نعمت بهره ندارد است و این درحالی است که محور اصلی این سوره توحید چنانکه قبلا مکررا ذکر گردید می باشد.<sup>2</sup>

موضوع دوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ فُرُؤَانَا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي

عَوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا

الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ

تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

البته ما در این قرآن برای مردم از هر مثلی آورده ایم تا آنان پند گیرند قران عربی بدون هیچ کجی است تا آنان ( به وسیله آن ) پرهیزگار شوند الله ( برای توحید و شرک ) مثالی بیان کرده است مردی را که برده شریکان متعدد است که در باره ( مالکیت ) او ناسازند و مردی را که مطیع یک شخص است آیا

<sup>1</sup> کدام مناسبت میان این مقطع با مقطع قبلی ذکر نشده است و این برداشت شخصی ام است .

<sup>2</sup> الباحث

این دو برابر اند؟ حمد و ستایش مخصوص الله است بلکه بیشتر آنان نمی دانند ( ای پیامبر ) بدون شک تو خواهی مرد و آنان ( نیز ) مردنی هستند باز شما روز قیامت نزد پروردگارتان نزاع و مخاصمه خواهید کرد.

## فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( ضربنا ، مثل ، الموت ، المتشاكسون ، )

**1 ضربنا:** صیغه جمع متکلم فعل ماضی از مصدر ضرب است

الضرب هو إيقاع شيء على شيء، ولتصور اختلاف الضرب خولف بين تفاسيرها، كضرب الشيء باليد، والعصا، والسيف ونحوها، قال: {فاضربوا فوق الأعناق واضربوا منهم كل بنان} [الأنفال، 12]، {فضرب الرقاب} [محمد، 4]، {فقلنا اضربوه ببعضها} [البقرة، 73]، {أن أضرب بعصاك الحجر} [الأعراف، 160]، {فراغ عليهم ضربا باليمين} [الصافات، 93]، {يضربون وجوههم} [محمد، 27]، وضرب الأرض بالمطر، وضرب الدراهم، اعتبارا بضرب المطرقة، والضرب في الأرض: الذهاب فيها وضربها بالأرجل. {وإذا ضربتم في الأرض} [النساء، 101]، {وقالوا لإخوانهم إذا ضربوا في الأرض} [آل عمران، 156]، وقال: {لا يستطيعون ضربا في الأرض} [البقرة، 273]، ومنه: {فاضرب لهم طريقا في البحر} [طه، 77]<sup>1</sup>

ترجمه: ضرب به معنی انداختن یک شی بالای یک شی دیگر بوده که میان مفسران در باره تفسیر واقعی ان اختلاف وجود دارد مانند که آنرا به معنی زدن با دست یا با عصا و یا با شمشیر گرفته شود

چنانکه الله متعال می فرماید: {فاضربوا فوق الأعناق واضربوا منهم كل بنان} [الأنفال، 12]

ترجمه: پس بر بالای گردن ها بزنید و انگشتان شان را قطع کنید .

و نیز {فضرب الرقاب} [محمد، 4]

ترجمه: گردن های شان را بزنید .

و نیز {فقلنا اضربوه ببعضها} [البقرة، 73]

ترجمه: بزنید جسم مقتول را با یک حصه ی از گوشت گاو .

و همچنان {أن أضرب بعصاك الحجر} [الأعراف، 160]،

ترجمه: اینک بزنای با عصای خویش سنگ را .

{فراغ عليهم ضربا باليمين} [الصافات، 93]،

ترجمه: پس با دست راست بر انها ضرب محکم وارد کرد .

<sup>1</sup> مفردات ألفاظ القرآن ج 2، ص 223 کتاب الضاد

و نیز {بضربون وجوههم} [محمد، 27]

ترجمه : انها روی های خویش را می زنند .

و هم چنان ضرب به معنی زدن زمین توسط باران و ضرب زدن پول ها و دراهم بنابر زدن چکش می باشد . و زدن زمین به معنی رفتن بالای آن و کوچیدن از آن می باشد الله متعال می فرماید :

{وإذا ضربتم في الأرض} [النساء، 101]

ترجمه : و هنگامی که در بالای زمین سفر کردید.

{وقالوا لإخوانهم إذا ضربوا في الأرض} [آل عمران، 156]

ترجمه : و گفتند برای برادران خود هنگامی که در روی زمین می رفتند ( کوچ می کردند

و{لا يستطيعون ضربا في الأرض} [البقرة، 273]

ترجمه " آنان که در روی زمین گشت نمی توانند

و {فاضرب لهم طريقا في البحر} [طه، 77]

ترجمه : و گشاید برای راه در بحر

## 2- المثل:

والمثل عبارة عن قول في شيء يشبه قولاً في شيء آخر بينهما مشابهة؛ ليبين أحدهما الآخر ويصوره.

وعلى هذا الوجه ما ضرب الله تعالى من الأمثال، فقال: {وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون}

[الحشر، 21]، وفي أخرى: {وما يعقلها إلا العالمون} [العنكبوت، 43].<sup>1</sup>

ترجمه : مثل عبارت سخنی که با سخن دیگر در عده ی موارد مشابهت داشته طوری که یک آن معنی دیگر را افاده نماید بنابر این معنی آیه های زیاد در قرآن کریم وجود دارد که الله متعال در آن برای مردم

مثال های بیان داشته است مانند {وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون} [الحشر، 21]

ترجمه : این مثال ها را برای مردم بیان داشته ایم تا باشد که در آن تفکر نماید . در آیه دیگر {وما يعقلها

إلا العالمون} [العنكبوت، 43]

ترجمه : و این مثال ها را جز علماء کسی دیگر نمی دانند.

## 3- الموت :

خلاف الحياة . ترجمه : موت یا مرگ برخلاف زنده گی است

چنانکه الله متعال فرموده است( رزقا للعباد و أحيينا به بلدة ميتا) {سوره ق: 11}<sup>2</sup>

<sup>1</sup> مفردات ألفاظ القرآن ج 2 ، ص 223 کتاب الميم

<sup>2</sup> موسوعة الكلمة و إخوانها في القرآن الكريم ج 7 ص 229

ترجمه : ( نزول باران ) برای رزق رسانی مخلوقات است و ما با آن زمین مرده را زنده می گردانیم.  
ابن فارس در مقاییس اللغة می گوید " حرف ( م ، و ، ت ) حروف اصلی بوده که بر رفتن و فرار نیرو و قوت دلالت می کنند از آن جمله ( موت ) که خلاف زنده گی می باشد است این سخن ما که موت به معنی رفتن نیرو می باشد <sup>1</sup>

هم چنان زمین بعد زرع شدن و اصلاح شدن دوباره زنده نمی شود و نیز امام اصمعی - رحمه الله - فرمودند : مردم اصطلاح ( اشتر من المواتان و لا تشتر من الحيوان ) بکار می برند . و ( المواتان ) با سکون و ضم حرف میم است به معنی مرگ است . چنانکه گفته اند ( وقع فی الناس موتان ) ترجمه : در مردم مرگ و میر به وجود آمد . ( ناقة ممیت و ممیة ) برای اشتر که فرزند اش وفات شده باشد می گویند . و ( رجل موتان الفؤاد و امرأة موتانة ) مردی قلب مرده یا زن قلب مرده . ( أمیئت الخمر ) ترجمه : شراب فاسد کرده شده . و ( الموتة ) مرضی است مانند دیوانه گی که انسان به آن مصاب می گردد و آن اسم مره برای ( الموت ) است و ( المیة ) اسم حال برای ( الموت ) است. <sup>2</sup>  
امام فیروزآبادی \_ رحمه الله تعالی فرموده اند : ( مات یموت و یماتُ فهو میتٌ ضد حی ) <sup>3</sup> ترجمه : موت ضد حیات است.

### گویا واژه ( الموت ) در قران کریم به پنج نوع ذیل به کار رفته است .

نوع اول : ( الموت ) به معنی حالت نطفه قبل از انتقال آن ( و کنتم اموتا فاحیاکم ) {سوره بقره : 28} ترجمه : و شما هم چو مرده ها بودید که خداوند پس آن شما زنده گردانید.

نوع دوم : ( المیت و المیة ) به معنی کمی نبات ( حتی إذا أقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد میت فأنزلنا به الماء ) {سوره اعراف: 57} ترجمه : تا آنکه چون ابر گران را بردارد ( پس ) آن را به سوی زمین مرده ( خشک ) روان می کنیم باز ( به وسیله آن ) آب را می بارانیم.

نوع سوم : ( الموت ) به معنی گمراهی و ضلالت ( أو من کان میتا فأحییناه ) {سوره انعام : 122} ترجمه : و یا آن کسی که مرده بود پس ما او را زنده گردانیدیم .

نوع چهارم : ( الموت ) به معنی رفتن روح بنابر بر مجازات قبل از آنکه اجل و رزق اش تمام شده باشد . ( ثم بعثناکم من بعد موتکم ) {سوره بقره : 56} ترجمه : ما پس از مرگ شما را زنده گردانیدیم .

نوع پنجم : به معنی رفتن روح بنابر اجل معین و این همان مرگی است که صاحب اش با آن از دنیا وداع می نماید. <sup>1</sup>

<sup>1</sup> معجم مقاییس اللغة ص 554 ماده « الموت »

<sup>2</sup> موسوعة الكلمة و إخوانها فی القرآن الکریم ج 6 ص 300

<sup>3</sup> فیروزآبادی ، مجدالدین محمد بن یعقوب - القاموس المحیط ، دارالحديث القاهرة، ص 493

#### 4 - المتشاكسون:

متنازعون مختلفون سيئة أخلاقهم، يقال: رجل شكس شرس، إذا كان سيء الخلق، مخالفاً للناس، لا يرضى بالإنصاف.<sup>2</sup>

ترجمه: یعنی متشاكس انسان، مخالف، همیشه درگیر و انسان بد اخلاق را گویند چنانکه که گفته شکس و شرس به فردی گویند که با مردم بد اخلاق بوده و دایم در برابر مردم مخالفت داشته باشد و هیچ گاهی از انصاف در حق اش، خرسند نمی باشد.

#### فرع سوم: تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

در حقیقت ما برای گروه از مشرکان در قران کریم مثال های از سر انجام و سر گزشت اقوام سابقین و گزشته گان را برای عبرت و تهدید آنان بیان کرده است تا با وسیله آن پند و عبرت گیرند و از کنش های زشت آنان مانند کفر ورزیدن به الله متعال به دور مانند. و ما این قران را عربی با وضاحت الالفاظ و آسانی معانی که در آن هیچ کجی و انحراف وجود ندارد گردانیده ایم تا با امتثال و پیروی اوامر آن و اجتناب از نواهی آن به تقوای الهی نایل گردند.<sup>3</sup>

سپس الله متعال مثال برای انسان که به او شرک می آورد و مثالی هم برای انسان که او ایمان دارد و مومن موحد است بیان داشته می گوید: ای مردمان الله متعال برای شما مثل را بیان می دارد طوری که یک مردی از برده گان دارای چندین مالک و آقای بد اخلاق و زشت کنش باشد و در میان آنان آتش نفاق و اختلاف شعله ور بوده و هر یک از حوایج خاص و متعدد خود برخوردار می باشند به گونه که یکی از آنان این برده را به سوی یک کار و دیگری او را به سوی کار و حاجت خود امر می کند و به همین طور اقایان دیگر او نیز عمل می کنند تا جای که این اوامر و درخواست عموماً در خلاف و مناقض یک دیگر واقع می باشند که در این صورت این برده در میان اجرا و عدم اجرای این اوامر و نواهی متحیر و حیران دل خوره قرار می گیرد و نمی داند که امری کدام را اجرا کرده و مالک خود را خرسند سازد و کدامین را ناراض بگرداند اما در مقابل مردی دیگری که برده یک آقا و مالک نیک کردار باشد و او را به تمام جان و دل اطاعت کرده و در این میان از اخلاص نیز کار می گیرد که در این صورت از هر نگاهی، مطیع مالک خود بوده و او نیز خدمت های او را جز به احسان و خوبی جواب نمی دهد

<sup>1</sup> موسوعة الكلمة و إخوانها في القرآن الكريم ج 6، ص 342

<sup>2</sup> تفسیر البغوی ج 9 ص 302

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الكريم ج 6، ص 496



بنا آیا این دو فرد در خوشبختی و خرسندی برابر و یکسان اند؟ کاملاً هیمن گونه است حال و وضعیت انسان مؤمن یک معبود را می پرستد و انسان غیر مؤمن که از چندین معبود و اله برخوردار می باشد.<sup>1</sup> حضرت ابن عباس \_ رضی الله عنهما \_ می گوید: این آیه مثل برای انسان مشرک و انسان مؤمن است و همچنان امام رازی \_ رحمة الله علیه \_ می گوید: این مثل در حقیقت در آخرین حد از زیبایی در بابت بیان قباحت شرک و حسن و زیبایی ایمان و توحید می باشد.<sup>2</sup>

صاحب، فی ظلال \_ رحمه الله \_ می گوید: الله متعال مثال و نمونه انسان ایماندار به الله و موحد و انسان مشرکی را که مالک و آقایان متعدد دارد که شریک یک دیگر که با هم در مخاصمه و جدل می باشند را بیان داشته است طوری که او در میان موج از خواسته ها و حوایج هر یک در حیرت و دلخوره گی قرار داشته چنان در انتخاب امر و فرمان یک مالک مشخص راه راست و مستقیم را پیدا کرده نمی تواند و صلاحیت خرسند ساختن یکی آنان را با اطاعت امر و حوایج یا هوس هایش نداشته و نیز از صلاحیت ناراضی ساختن یکی دیگری را با خلاف ورزی از او امر اش ندارد و در برابر برده و خادمی که دارای یک سید و آقا بوده و از خاطر آرام بنابر فهم مطلب و مقصد آقای یگانه خود برخوردار می باشد و او در یک راه و منهج واحد و مستقیم قرار داشته و هیچ امری مولایش را بنابر وحدت امر و امر نافرمانی نکرده و نسبت به او امر و فرامین مولای خود دایم الاطاعة می باشد.

پس آیا این دو مثال با هم مساوی و یکسان اند؟ نه هرگز بلکه این دو مثال هیچ گاهی با هم یکسان و مساوی نیستند زیرا آن که برای یک آقا و سید سر اطاعت را فرو گذاشته از نعمت خرسندی و آرامش ذهنی و روحی مستفید و از کمال معرفت و یقین بهر مند می باشد و او ضمناً بین استخدام نیروی واحد هدف واحد و وضاحت راه و روش واحد جمع به میان می آورد. اما آنکه به معبودان متعدد و آقایان گوناگون گردن اطاعت را گذاشته در واقع الامر در منجلا ب و گودال از بدبختی و حیرت در ضمن ناآرامی ذهنی افتیده که هیچ گاهی از یک حال و وضعیت بهره نمیداشته باشد که در این میان قدرت کسب رضایت هیچ یکی را در عین حال دارا نبوده و همه را از خویشتن ناراض می سازد! در حقیقت این مثل تصویر از حقیقت توحید و حقیقت شرک را در طول عمر بشری به گونه بلیغ و رسا به نمایش می کشد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> مصدر سابق ج 6، ص 496

<sup>2</sup> فسر مفاتیح الغیب ج 8 ص 277

<sup>3</sup> سید قطب- تفسیر فی ظلال القرآن، دارالشروق، ج 5 ص 3049

از اینکه این مثال در غایت وضاحت و جلاء قرار دارد با ذکر حمد و ستایش باری تعالی به پایان می رسد یعنی حمد و ستایش برای ذاتی است که در اقامه دلیل و حجت برای عاندین و مشرکین اسن گونه قدرت و توانی دارد ولی با وجود این همه این مشرکان و منعدان هیچ گاهی حق را ندانسته و دایم الحال در در شرک و جهالت خود دست به دامن افراط زده و برای الله متعال شریکان متعدد و گوناگون را قایل می گردند.<sup>1</sup>

ای محمد در حقیقت تو خواهی مرد و این مشرکان نیز از این سنت الهی فرار کرده نمی توانند و همه خواهند مرد که هیچ کسی از زنده گی جاویدانی در این عالم بهره ندارد و همه انسان ها و کسانی که شرک ورزیدند در رستاخیز در محضر الهی گرد آمده و الله متعال در میان شان بنابر مظالم و سرکشی های آنان در امور دینی و دنیوی فیصله و داوری بر حق خواهد نمود و او بهترین فصله کننده و بهترین حاکمان می باشد.<sup>2</sup>

### موضوع چهارم : درسها و اندرزه های برگرفته شده از این مقطع

1. برای افهام درست و مبالغه در هدایت یک فردی مورد هدف، بیان مثال ها و به تطویر کشیدن قضیه مطلوب جائز و پسندیده می باشد.<sup>3</sup>
2. الله متعال ، در قرآن کریم برای هدایت افراد از هر گونه مثالی را بیان داشته است.<sup>4</sup> ( چنانکه آیه 29 این مقطع بر آن دلالت دارد)
3. در روستخیز میان انسان ها دعوا و خصومت وجود خواهد داشت و الله متعال میان آنان فیصله عادلانه و برحق بنابر متصف بودن او تعالی بر صفت حق خواهد کرد.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> نخبه من علماء التفسیر و علوم القرآن- التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 497

<sup>2</sup> الصابونی - شیخ محمد علی- صفوة التفاسیر ، ط جدید ج 3 ، ص 78

<sup>3</sup> أيسر التفاسیر ج 3 ص 423.

<sup>4</sup> تفسیر الطبری ج 8 ص 403

<sup>5</sup> أيسر التفاسیر ج 4 ص 424.

## مقطع هشتم ( آیه های کریمه 32 الی 37 )

وعده های الهی برای مؤمنان و وعید به کافران

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع هشتم

امام سیوطی - رحمه الله - در باره آیه شماره 36 این مقطع ، شان نزول آن را ذکر کرده است

{ سوره زمر آیه 36 }

عبدالرزاق از معمر - رحمهما - روایت کرده که مردی برایم گفت : مشرکان برای پیامبر - صلی الله علیه و سلم - چنین گفتند که ای محمد یا اینکه از بدی گوی بت های ما دست بر میداری و یا اینکه از بت های خود هلاکت تو استدعا خواهیم کرد در این میان آیه کریمه فوق نازل شد.<sup>1</sup>

موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

الف : مناسبت با مقطع قبلی

طوری که در مقطع قبلی، الله متعال تاکید بر این داشت که همه خلایق در مسیر نابودی و مرگ قرار داشته و سر انجام ، همه خواهند مُرد و نیز بر این نکته روشنی انداخت که انسان ها در مورد شرک و توحید در روز رستاخیز با هم مخاصمه می کنند که در نهایت الله متعال میان آنان بنا بر حق و عدل فیصله و داوری خواهد کرد ، و در ادامه در این مقطع از جزا و سزای هر دو گروه ، سر سخن را آغاز می کند.<sup>2</sup>

ب : مناسبت با محور اصلی سوره

محور اصلی سوره را چنان که ذکر شد توحید تشکیل می دهد این مقطع نیز از سر انجام توحید و سر انجام مخالفت با توحید سخن می راند.<sup>3</sup>

موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

لِلْكَافِرِينَ ۗ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ

<sup>1</sup> لباب النقول في أسباب النزول ص 223

<sup>2</sup> لتفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم ص 498

<sup>3</sup> الباحث.

رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٥﴾ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي

كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا

لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾ ﴿٣٧﴾

### فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

پس کیست ظالم تر از کسیکه بر الله دروغ بست و چون حقیقت برای او آمد آنرا دروغ شمرد؟ آیا برای کافران در دوزخ جایگاهی نیست؟ و کسیکه سخن راست را با خود آورد و آن را تصدیق کرد، ایشانند همان پرهیزگاران، آنان هر آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان است این است پاداش نیکو کاران تا الله بدترین کاری که کرده بودند از ( اعمال نامه ) آنان بیوشاند و آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده بودند اجر می دهد آیا الله برای بنده اش کافی نیست؟ آنان، تو را از غیر الله می ترسانند و هر کسی را که الله گمراه کند هیچ راه نمایی برای او نخواهد بود و هر کسی را که الله هدایت کند پس هیچ گمراه کننده ای برای او نیست، آیا الله غالب انتقام گیرنده نیست؟ .

### فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( جهنم ، الصدق ، هاد )

#### 1 - جهنم :

اسمی از طبقات هفتگانه آتش بنا بر دوری و بعد عمق آن می باشد ( و این جهنم لموعدهم أجمعین لها سبعة أبواب ) {سوره الحجر : 43-44} <sup>1</sup>

امام جوهری - رحمة الله علیه - گفته است : جهنم یکی از نام های آتش بوده آتشی که الله متعال بنا بر عدالت خود بنده های گناه پیشه را مورد تعذیب قرار می دهد. <sup>2</sup>

جهنم : از ملحقات خماسی بوده با تشدید حرف سوم آن و بنا بر وجود دو سبب از اسباب منع الصرف ( تانیث و معرفة ) قابل جر نیست و بعضی ها آن را معرب از فارسی قلمداد کرده اند. <sup>3</sup> امام راغب \_

<sup>1</sup> موسوعة الكلمة و إحواتها في القرآن الكريم ج 6 ص 772

<sup>2</sup> الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية ص 382

<sup>3</sup> موسوعة الكلمة و إحواتها في القرآن الكريم ج 5 ص 302

رحمه الله \_ می گوید : جهنم : نامی از آتش افروخته ی الله متعال بنابر شعله ور بودن آن می باشد و بعضی اصل آنرا فارسی معرب از ( جهنم ) پنداشته اند.<sup>1</sup>

اکنون به بررسی این کلمه در ایه های دیگر قرآنی می پردازیم

• خداوند متعال می فرماید : ( وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهَا جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ )  
{سوره بقره ایه : 206}

ترجمه : و چون به او گفته شود ( بطور نصیحت ) که از الله متعال بترس غرور و تکبر می ورزد و به گناه ( دیگر ) وادارش می کند پس دوزخ برای او کافی است و البته که دوزخ بد جایی است .

• الله سبحان فرموده است ( لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ) {سوره الاعراف : 41}

ترجمه : برای آنها ( مجرمان ) فرش های از آتش دوزخ است و از بالای شان هم پوشش ها) لحاف ها از آتش دوزخ ) و ما این چنین ظالمان سزا می دهیم .

امام فخر رازی \_ رحمة الله علیه – می فرمایند : مفسران مراد از این آیه اخبار از احاطه شدن کفار توسط عذاب از هر جهت گفته اند یعنی در آنجا برای آنها لحاف ، کمپل ، فرش و.. از آتش قرار داده شده است.<sup>2</sup>

ابن عاشور – رحمه الله \_ می گوید : ( من جهنم ) یعنی از بالای سر شان هم آتش است .<sup>3</sup>  
• الله متعال فرموده است ( وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ )  
{سوره الغافر : 49}

ترجمه : و کسانی که در دوزخ اند به نگهبانان دوزخ می گویند : از پروردگار تان بخواهید که یک روز ( فقط یک روز ) عذاب را از ما بکاهد.

امام آلوسی \_ رحمه الله \_ در روح المعانی بیان داشته اند : از ظاهر ( لخرزنتها ) ضمیر ها برای آتش است مگر وضع ظاهر بنابر هول و هیبت است زیرا بر حسب ظاهر جهنم به نسبت آتش خاص تر بوده بنابر کار برد آن برای دنیا و اینکه جهنم مکانی برای شدید ترین عذاب ها است که آتش و غیر آتش را احتوا می کند و نیز این جایز است تا اطلاق جهنم بر مکان گناه

<sup>1</sup> مفردات ألفاظ القرآن ج 1 ص 223 کتاب الجیم

<sup>2</sup> تفسر مفاتیح الغیب ج 5 ص 432

<sup>3</sup> التحرير و التنوير، ج 25 ص 234

کاران و گناه پیشه گان شود به این معنی که جهنم دور ترین درجه آتش باشد چنانکه گفته اند ( بئر جهنم بعیده القعر ) ترجمه : چاه جهنم عمیق است . کفار و اهل کفر در آن قرار می گیرند "1 امام زمخشری \_ رحمه الله \_ در کشاف چنین می گوید : ( لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ) یعنی برای کسانی می گویند که آنان ملازم بر عذاب دادن تعیین شده گان اند اگر سوال شود که چرا ( الذين فى النار لخرنتها ) گفته نشد ؟ در جواب می گویم : زیرا در یادآوری و ذکر جهنم هول و دهشت وجود دارد و نیز احتمال اطلاق جهنم بر دورترین قسمت از آتش بنابر قول شان ( بئر جهنم بعیده القعر ) نیز وجود دارد <sup>2</sup>

• الله سبحانه گفته است ( هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذَّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ) {سوره الرحمن : 43}

ترجمه : این همان جهنم است که مجرمان آنرا تکذیب می کردند .

امام فخرالدین رازی - رحمه الله - در تفسیر الکبیر می گوید : مشهور در این موضع اضمار ( ههنا ) است که تقدیر آن چنین می شود \_ این است جهنم \_ که همچو اضمار در مواضع دیگر نیز ذکر شده است و نیز احتمال این سخن را دارد که گفته شود : ( هذِهِ ) صفت برای جهنم باشد که مضاف الیه در آن صورت در جای مضاف قرار گرفته باشد و آنچه که ذکر شده آن مشار الیه باشد ولی قوی ترین قول این خواهد بود که گفته شود : رشته سخن با النواصی و الاقدام در حقیقت تمام شده است و ( هذِهِ جهنم ) برای نزدیکی آن گفته شده است چنانکه زمانی زید نزدیک مکان معین گردد ( هذا زید ) می گویند یعنی جهنمی که مجرمان او را تکذیب می کردند نزدیک است نه دور و این نیز با ( یکذب ) مناسبت دارد زیرا وقتی سخن از اضمار وجود داشته باشد پس معنی این طور میشود گویا الله متعال برای آنان گفته باشد : این درحقیقت آن جهنمی است که مجرمان آنرا دورغ می شمارند زیرا در آن هنگامی ( رستاخیز ) دروغ شمارنده ی دیگر وجود نخواهد داشت بنابر این تقدیر آن چنین می شود ( کان یکذب )<sup>3</sup>

امام طبری - رحمه الله - در جامع البیان گوید : الله متعال گفته است : برای این مجرمانی که الله سبحان شناخت آنان را بر چهره های شان موكول کرده در روز قیامت زمانی که از پاها و مو های جبین شان گرفت شود گفته می شود : این همان جنهم است که مجرمان آنرا تکذیب می کردند . الله متعال ( يقال ) را بنابر دلالت کلام بر آن رها کرده است.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> الوسی ، تفسیر روح المعانی ج 8 ، ص 273

<sup>2</sup> الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ج 4 ، ص 93

<sup>3</sup> تفسیر مفاتیح الغیب ج 5 ص 402

<sup>4</sup> ابی جعفر محمد بن جریر الطبری- جامع البیان عن تاویل آی القرآن ج 4 ص 432

## 2- الصدق :

امام راغب اصفهانی می گوید: صدق و کذب در واقع هر دو در سخن و گفتار می باشند که در این صورت ماضی و مضارع بودن و یا وعده و یا ضد وعده در آن برابر و یکسان خواهد بود.<sup>1</sup>

### صَدَقَ فلان فی الحدیث (بکسر الص و فتحها) : أخبر بالواقع.<sup>2</sup>

ترجمه: صدق با کسره و فتحه حرف ص خوانده شده است و معنی راست گفتن در سخن را افاده می کند چنانکه فردی بنابر واقعیت سخن بگوید، (صدق فلان فی الحدیث) گفته می شود.

**3 - هاد :** اسم فاعل بوده که در اصل هادی می باشد و بعد از اعلال، هاد بر وزن فاع شد و مصدر فعل آن هدی و هدایت است<sup>3</sup>

در مورد این واژه امام راغب - رحمه الله - چنین گفته است : الهدایة دلالة بلطف.<sup>4</sup>  
ترجمه : هدایت به معنی راه نمایی مملو از لطف و نرمی می باشد .

### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

الله - جل جلال له - در این آیه های کریمه تاکید و گوشزد بر این داشته است که در میان انسان ها هیچ کسی دست به دامن ظلم و تعدی بزرگتر و خطرناک تر از کسی که برای الله متعال شریک و فرزند را قایل باشد نزده است زیرا چنین فرد نه تنها برای الله متعال فرزند و همسان را ادعا کرده بلکه بر تکذیب قران کریم و شریعت الهی بدون هیچ نوع دلیل و تأمل، آستین بالا زده است . پس هیچ ظلمی در فرهنگ مظلّم تا این حد شنیع و بزرگتر بوده و هیچ ظالمی تا این حد مرتکب ظلم نگشته است چنانکه این فرد گشته است بنابر این او در واقع ظالم ترین ظالمان محسوب می گردد . آیا در جهنم جایگاه و ماوای برای چنین انسان های کفر پیشه و تکذیب کننده وجود ندارد ؟ استفهام در این جا تقریری است یعنی بلی برای آنان در جهنم جایگاه و ماوای دایمی وجود دارد.<sup>5</sup>

در برابر کسی که در گفتار و کردار خویش صدق و راستی را پیشه نموده و از روی ایمان و عمل شرایع الهی را تصدیق و تایید کند، مانند انبیاء الهی و اتباعی راستین ایشان پس در حقیقت اینان کسانی اند که تمامی خصایل تقوی را جمع نموده اند که طبعا در سر فهرست و مقدمه این چنین افراد و اشخاص پیامبر گرامی اسلام خاتم و سید المرسلین حضرت محمد - صلی الله علیه و سلم - و نیز آنان که به او

1 مفردات ألفاظ القرآن ج 2 ، ص 212 کتاب الص

2 المعجم الوسیط ج 1 ص 556

3 الباحث

4 مفردات ألفاظ القرآن ج 2 ص 325 کتاب الهاء

5 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 498

در عمل و گفتار ایمان آورده و شریعت الهی را منهدم زنده گانی خویش قرار داده اند یعنی صحابه گرامی - رضی الله عنهم - و همچنان کسی که از آنها اطاعت و الگو برداری الی روز رستاخیز نماید باشد.<sup>1</sup> برای اینان در باغ ها و بستان های جنت هر چیز و موردی را که بخواهند آماده کرده می شود مانند انواع لذایذ و قصرها و حورها و غیره ، بناء چی زیبا و گوارا است پاداش هر انسان نیکوکاری که در این دنیا دست به احسان و نیکو کاری بزند.<sup>2</sup>

عده ی از مفسران و علمای تفسیر بر این قایل اند که مراد ( الذی جاء بالصدق ) پیامبر - صل الله علیه وسلم - و مراد از ( صدق به ) حضرت ابو بکر صدیق - رضی الله عنه - می باشد اما مناسب این است که این آیه به عموم خود رها کرده شود تا در این ویژه گی تمامی انبیاء الهی - علیهم السلام - و تمامی کسانی که برای اشاعه و نشر این صدق، آستین همت بالا کرده اند مانند پیروان انبیاء الهی - علیهم السلام - و صیغه جمع در ( اولئک هم المتقون ) این ادعا را اثبات می کند.<sup>3</sup>

همین کسانی که انبیاء الهی - علیه السلام - را تصدیق کرده اند الله متعال آنچه از گناهان و اعمال زشت را که در گذشته انجام داده اند ، همه را زیر قلم عفو و بخشش قرار داده و آنان را در برابر این اعمال محاسبه نخواهد کرد بلکه آنان را بنابر اطاعت آنان در این راستا، ثبات قدم نصیب کرده تا در اجرای اعمال احسن و بهتر - بنابر فضل و احسان الهی بر آنان - پیش تاز شوند.<sup>4</sup>

مفسران - جزاهم الله خیرا - گفته اند : عدل الهی مقتضی این است تا نیکی ها و بدی های فرد مورد حساب قرار داده شود سپس پاداش هر کسی بنابر حساب اعمال اش مقرر گردد اما فضل الهی عبارت از این است که الله متعال برای بنده گان پرهیزگار خود اجرا می نماید یعنی بدی های شان را پوشانیده تا جای که هیچ مورد از بدی شان برای حساب روز آخرت باقی نمی ماند و بنا بر اعمال نیکو و شایسته که انجام داده اند پاداش نیک و چند برابر برای شان اعطا می کند تا جای حسنات آنان را می افزاید که کفه اعمال نیک شان وزین شده و مقامات بلند جنت را برای آنان مهربانی می کند و این همه معادل زیادت اکرام و احسان الهی محسوب می گردد . آیا الله متعال برای بنده خود و رسول خود محمد - صلی الله علیه و سلم - کافی و شافی از هر شر و مکر مکاران نیست ؟<sup>5</sup>

امام ابوسعود می گوید : در حقیقت این تسلیت از جانب الله متعال برای پیامبر \_ صلی الله علیه و سلم- در برابر ایذا و اذیت مشرکین، می باشد زیرا آنان او را در صورت عدم دست برداری از تحقیر بت

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم . ج 6 ، ص 498

<sup>2</sup> همان ج 6 ص 498

<sup>3</sup> صفوة التفسیر ج 3 ص 80

<sup>4</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 499

<sup>5</sup> همان مصدر سابق ج 6 ص 499



های شان مورد انذار از خشم بت ها قرار داده که به این اساس، به مریض دیوانه گی و جن زده گی سر دچار خواهد گشت.<sup>1</sup>

امام ابو حیان می گوید: قریش گفتند: اگر محمد از تحقیر و بد گویی بت های ما دست بردار نشود در آن صورت ما حتما او را در دست بت های ما قرار می دهیم تا بر او صدمه و ضرر رسانند در این میان الله متعال جهت تشریف و تکریم فرستاده خود این آیات را فرو فرستاد.<sup>2</sup>

یعنی ای محمد! تو را از ضرر این بت های که در حقیقت هیچ قدرت ضرر رسانیدن و نفع رسانیدن را ندارند بر حذر می کنند درحالی که هر کسی را خداوند گمراه و بدبخت سازد هیچ کسی را صلاحیت هدایت و نجات او نخواهد بود و در برابر، هر کسی را که خداوند اراده خوشبختی و سعادت اش را کرده باشد و او را راه نیکان را رهنمایی کند، هیچ کسی یاری و توان گمراهی و بی راهه گی او را نخواهد داشت، او تعالی منبع نجات است برای هر کسی که بسوی او برگشت نماید و او تعالی قدرت دارد تا وعده خود را در باره دشمنان خود و رسول خود، تحقق بخشیده و انتقام خود را از آنان به وجه کامل اخذ نماید زیرا او تعالی غالب و توانا بر گرفتن انتقام از دشمنان خود است. بر این اساس، آیات فوق از وعده الهی بر مومنان و وعید او بر مشرکان پرده برداری می کند.<sup>3</sup>

### موضوع چهارم: درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

- 1 بستن هر گونه افترا و کذب بر الله متعال و انچه را پیامبر اش - صلی الله علیه و سلم - آورده است از جمله اصول دین مردود و ناپسند می باشد<sup>4</sup> ( چنانکه 32 این مقطع بدان اشاره کرده است ).
- 2 آنان که بر الله متعال دورغ می بندند و رسالت پیامبر - صلی الله علیه و سلم - افترا میداند در حقیقت بنابر این تکذیب خویش در رستاخیز دچار عذاب سخت خواهند شد.<sup>5</sup> (طوری که این درس نیز از آیه 32 این مقطع اخذ می گردد.)
- 3 بستن دورغ و افتری بر بالای الله و رسول اش از شنیع ترین ظلم ها می باشد<sup>6</sup> ( طوری که آیه 32 این مقطع به آن صراحت دارد)

1 إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم ج 4 ص 310

2 تفسیر البحر المحیط ج 7 ص 429

3 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الكريم ج 6 ص 500

4 أيسر التفاسير ج 3 ص 424

5 همان مصدر سابق ج 3 ص 424

6 تفسیر القرآن العظيم ج 4 ص 294

- 4 هر کسی که از صفت صدق و تصدیق حق برخوردار باشد ، حقا که برای او در آخرت بهترین بدله و مأوا وجود خواهد داشت.<sup>1</sup> ( طوریکه آیه 34 بر آن اشاره دارد)
- 5 سنت الهی در باره اولیاء اش چنان است که او تعالی در برابر دشمنان خود از آنان حمایه کرده و کسانی که با آنان از در دشمنی پیش آیند در عذاب الهی سر دچار می گردند ولو که در این میان وقت زیاد هم بگذرد.<sup>2</sup> ( درس که از آیه های 32 و 36 برملا می گردد)
- 6 شرک و توحید، در حقیقت دو ضد جمع ناشدنی اند و چون یکی معرفی گردد، دومی خود به خود معرفی می شود یعنی وقتی که توحید از شریف ترین اسم ها و صفت ها گفته شود پس شرک از بدترین خصایل قرار می گیرد.<sup>3</sup> ( طوریکه آیه 32 به آن روشنی انداخته است )
- 7 در آیه 36 لفظ ( عبد ) در سیاق کفایت و حمایه الله متعال ، مفرد ذکر شده است ولی جایز است تا این واژه بر اطلاق خود حمل شود تا جمع ( عباد ) را نیز شامل گردد یعنی الله متعال برای حمایه و کفایت تمامی بنده گان خود، کافی است.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> تفسیر روح المعانی ج 8 ، ص 4

<sup>2</sup> ایسر التفاسیر ج 3 ص 424

<sup>3</sup> تفسیر مفاتیح الغیب ج 5 ص 432

<sup>4</sup> الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ج 4 ص 100

## مقطع نهم ( آیه های کریمه 38 الی 40 )

### گمراهی مشرکان و سرزنجش آنان از سوی الله متعال

#### موضوع اول: مناسبت های این مقطع

#### الف مناسبت با مقطع قبلی

طوریکه در مقطع گذشته الله متعال ، سر سخن از عده ی کثیر از حجت ها و دلائل مبنی بر متصرف بودن او باری تعالی در معانی قلبی مانند هدایت کردن و گمراه کردن ، راند و تقدیر در استفهام انکاری این طور بود اگر شما با این استفهام انکاری از ایشان اقرار بگیریید آنان به گونه حتمی و با جزم قاطع این مهم را تایید و قبول می کنند بنابر این الله متعال در میان معنی مذکور معنی جدید را در این مقطع عطف می کند یعنی این را خاطر نشان ساخت که همان طوریکه الله متعالی در معانی قلبی متصرف و خالق آنها است همچنان در ذوات و پدیده های ظاهری نیز متصرف می باشد و با دو اصل یعنی تخصیص قدرت مطلق برای خود و عجز کامل معبودان آنها ، عقاید و باورهای آنها را به چالش کشانده مهر بطلان را بر جبین افکار و باورهای شان می زند ( و لاین سألتم )<sup>1</sup>

#### ب : مناسبت با محور اصلی سوره

از آنجا که محور اصلی این سوره قضیه توحید گفته شده است بناء درحقیقت مناسب این مقطع با ان ملموس و ظاهر است آیات این مقطع صراحتا به توحید ربوبیت آغاز یافته که مشرکان را می پذیرفتند و از آن به توحید الوهیت استدلال شده زیرا ربوبیت مستلزم توحید الوهیت است یعنی ذاتی که می آفریند اختیار رسانیدن زیان و نزول رحمت را دارد باید ستوده شود که بدین گونه آیات مقطع کاملا تائید دارنده محور اصلی سوره می باشد .<sup>2</sup>

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 501

<sup>2</sup> الباحث

## موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ

اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ

رَحْمَتِي ۗ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَتَّقُوا أَعْمَلُوا عَلَى مَكَاتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٤٠﴾

## فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است ؟ حتما می گویند الله بگو : پس آیا در آنچه جز الله می خوانید، اندیشه کرده اید ؟ اگر الله بخواهد زیان برای من برساند آنها می توانند آن زیان الهی را برطرف سازند ؟ و یا اگر الله رحمتی را به من بخواهد آنها می توانند مانع رحمت او شوند ؟ بگو الله برای من کافی است ، توکل کننده گان تنها بر او توکل می کنند (39) بگو ای قوم من شما به وضع خود عمل کنید من ( نیز به وضع و مأموریت خودم ) عمل کننده ام پس خواهید دانست (40) ( خواهید دانست که ) چه کسی عذاب خوار کنند بر وی خواهد آمد و عذاب پاینده بر او نازل خواهد شد.

## فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

در این مقطع الله متعال دلیل بر تزییف و ابطال راه و منش بت پرسان و کسانی که بت ها را به معبودی خویش گرفته اند ، اقامه می نماید یعنی ای محمد اگر از این مشرکان در مورد آفریده گار آسمان ها و زمین سوال نمایی، حقا که آنان در پاسخ برای تو خواهند گفت که الله متعال خالق و آفریده گار زمین و آسمانها است و جواب آنها بنابر وضاحت این دلیل است که الله متعال در خور آفرینش این چنین مخلوقات است و بس.<sup>1</sup>

امام فخر الدین رازی – رحمه الله – می گوید" در میان جمهور خلائق در باره وجود معبود توانا و حکیم، هیچ گونه نزاع و اختلاف نیست و فطرت و عقل سالم بشری به این حقیقت شاهد و گواه می باشد بناء هر کسی در عجائب خلقت کائنات و چگونه احوال زمین و آسمان ها همچنان در ساختار نباتات و

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 501

میوه ها تامل و درنگ کند و نیز در عجائب خلقت انسان ها و حیوانات تفکر کند ضمنا ، حکمت ها و مصلحت های وجود این همه خلایق را به واکاوی بگیرد حقا از روی جزم و نا چاری به وجود یک خالق و معبود واقعی که او حکیم و رحیم است معترف گشته و لب به اقرار توحید می گشاید بنابر این اصل، مشرکان مکه نیز به وجود الله متعال معترف بودند .<sup>1</sup>

ای محمد برای آنان ، از بابت سرزنش و توبیخ شان بگو: . مرا خبر دهید – بعد از اینکه بر خالق بودن الله متعال معترف و مقرر شده اید – در باره این معبودان دروغین خویش که انها را به عوض الله ، عبادت می کنید که اگر الله متعال اراده رسانیدن یک مصیبت و بلا را برای من عملی نماید آیا این بت ها توانایی دفع بدی و ضرر را از من دارند ؟

و اگر الله متعال بخواهد برای من منفعت و نعمت را اعطاء نماید، آیا آنان می توانند این نعمت را از من دور کنند و نگذارند تا این نعمت ها برای من برسد ؟ در این جا بنابر دلالت کلام این جواب محذوف است یعنی انها در جواب خواهند گفت : نخیر هرگز این بت ها توانایی دفع ضرر و جلب منفعت را همچنان که توانایی ممانعت خیر را کرده نمی توانند، ندارند .<sup>2</sup>

براین اساس، الله متعال برای من کافی بوده و من هیچ گاهی بسوی غیر از الله روی نخواهم آورد زیرا او ذاتی است که اعتمادکننده گان تنها به او اعتماد می کنند .<sup>3</sup>

غرض این مجادله با مشرکان در این جا ، همان عبادت کردن مواردی است که در دفع و جلب خیر و رسانیدن شر هیچ گونه تصرفی ندارند و نیز بر پایی دلیل بر وحدانیت الله متعال ، می باشد .<sup>4</sup>

بناء ای گروه سرکشان و معاندین ، بدانید شما همان منهج مکر، کید و حيله خویش را در پیش گیرید و من نیز در همان منهج رسای خویش ، ثابت قدم خواهم ماند ، منهج که دعوت بسوی الله متعال و دین او را احتوا می کند و پس شما به زودی خواهید دانست که عذاب ابدی رسوا کننده و ذلیل کننده سر دچار کی ها خواهد گشت چنان عذابی که هر گاه انسان به آن دچار گردد از آن رهایی نیافته و برای همیشه در آن باقی خواهد ماند پس آیا این عذاب برای من است یا برای شما ؟<sup>5</sup>

در این آیه کریمه ، مبالغه در وعید در ضمن گوش زد کردن این که حالت پیامبر – صلی الله علیه و سلم – طوری است که با رسوا شدن دشمنان دین ، قوت او بنابر نصرت الهی و تایید او باری تعالی

<sup>1</sup> تفسر مفاتیح الغیب ج 5، ص 282

<sup>2</sup> الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة و آی الفرقان ج 6 ص 259

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 501

<sup>4</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 502

<sup>5</sup> صفوة التفاسیر ج 3، ص 81

افزایش می یابد و این دلیل پیروزی او \_ صلی الله علیه و سلم در برابر دشمنان اش می باشد چنانکه الله متعال آنان را در روز بدر خوار و ذلیل و رسوا ساخت<sup>1</sup>

### موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. الله متعال چنان غالب و توانای است که در اجرای اراده اش هیچ کسی را مجال نزاع و ممانعت نمی باشد.<sup>2</sup> (طوریکه آیه 37 آنرا بیان داشته است.)
2. بدان ، هر گاه که الله متعال یادی از وعید خویش در قبال عمل کردهای مشرکین کند در ادامه دلایل مبنی بر ابطال عقاید آنان را بیان می کند.<sup>3</sup>
3. الله متعال ، برای حمایت بنده خود ، در امور دینوی و اخروی ، کافی و کفایت کننده است.<sup>4</sup>
4. تحقق وعده الهی برای انبیاء – علیهم السلام \_ و مؤمنان واقعی یک امری حتمی و قابل اجرا می باشد.<sup>5</sup> ( به این مهم آیه های شماره 30 و 40 اشاره نموده اند .)

---

1 إرشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم ج 4 ص 310

2 تفسير روح المعاني ج 8 ، ص 332

3 تفسر مفاتيح الغيب ج 5 ص 443

4 إرشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم ج 4 ص 315

5 أيسر التفاسير ج 3 ص 424

## مقطع دهم ( آیه های کریمه 41 الی 48 )

نماد های از علم و توانایی الله متعالی

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع دهم

در باره سبب نزول آیه شماره 45 امام سیوطی - رحمة الله علیه - چنین گفته است

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا

هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ {سوره زمر آیه 45}

این آیه کریمه زمانی نازل شد، که پیامبر - صلی الله علیه و سلم - سوره نجم را در کعبه قرائت می کرد و چون ذکر از معبودان دورغین مشرکین در آن رفته بود مشرکین بدین وسیله خرسند گشتند.<sup>1</sup>

موضوع دوم : مناسبت های این مقطع

الف : مناسبت با مقطع قبلی

از آنجا که الله متعال در مقاطع گذشته علی الخصوص در مقطع قبلی ، مذاهب باطله ی مشرکان گاهی به گونه موجز و گاهی با دلایل و براهین و گاهی با ذکر مثال ها و گاهی هم با وعد و وعید برملا و بطلان نمود که در این میان عناد و کفر مشرکان بالای قلب و ذهن پیامبر - صلی الله علیه و سلم - دشوار و سخت تمام می شد، الله متعال در این مقطع سخن از مواردی می راند که این غم و پریشانی را از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - برطرف می نماید.<sup>2</sup>

ب : مناسبت با محور اصلی سوره

در این مقطع ، قسما به آیات انفسی اشاره شده ، توأم با آن از ناتوانایی شرکاء و شفعاء مشرکین مخالفین توحید پرده برداشته و هم موقف گیری دشمنان توحید را در برابر توحید و شرک بیان نموده ، سرانجام مشرکین و عاقبت مخالفین توحید که زشتترین عذاب است را بر ملا می سازد که در نتیجه همه آیات مقطع حول محور سوره می چرخد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> لباب النقول فی أسباب النزول ص 232

<sup>2</sup> تفسر مفاتیح الغیب ج 7 ص 503

<sup>3</sup> الباحث

## موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ  
عَلَيْهَا ۗ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا  
فِيصِّبُكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۚ قُلْ أُولَٰئِكَ لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا  
يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا  
ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ  
يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا  
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ  
الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ  
بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤٨﴾

## فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

البته ما این کتاب را برای ( هدایت ) مردم به حق بر تو نازل کردیم پس هر کس که هدایت می یابد به نفع خود اوست و هر کس که گمراه گردد تنها به زیان خود گمراه می گردد و تو ( ای رسول الله ) بر آنان وکیل و نگهبان نیستی . الله است که جان ها را در وقت مرگ شان می گیرد و نیز آن ( جانی ) که نمرده است ( آنرا ) وقت خوابش ( می گیرد ) و ( جانی را ) که به مرگ آن حکم قطعی کرده است نگاه می دارد و آن دیگری را تا زمان معین باقی می گذارد یقینا در این امر نشانه های روشن ( وبزرگ الهی ) برای کسانی است که ( در قدرت الله ) فکر می کنند 43 آیا غیر از الله معبودان شفاعتگر گرفته اند ؟ بگو : اگر مالک هیچ چیزی نباشند و توان فهمیدن و خرد را نداشته باشند ( باز هم آنان را شفیعان خود



می گیرید؟) 44 بگو : همه شفاعت ها برای الله است ،فرمان روایی آسمان ها و زمین برای او است باز بسوی او باز گردانیده می شوید 45 و چون الله ،به تنهایی یاد شود کسانی که به آخرت ایمان ندارند متنفر می شوند ولی وقتی کسانی غیر از او یاد شوند ناگهان شاد و خرسند می شوند 46 بگو : ای پروردگارا ! ای ایجاد کننده آسمان ها و زمین ! ای آگاه از پنهان و آشکار ! تویی که میان بنده گانت در آنچه که اختلاف می کردند فیصله خواهی کرد 47 و اگر آنچه در زمین است از ظالمان باشد و مانند آن ( نیز) با آن باشد به یقین به خاطر ( نجات از ) سختی عذاب روز قیامت آن را فدیة بدهند ( ولی سودی نخواهد داشت ) و از جانب الله چیزی برای شان آشکار می شود که گمان اش را نمی کردند .

## فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( الحق ، السیئات، الحین ، إشمأزت ، الشهادة )

### 1- الحق:

امام راغب \_ رحمة الله علیه در باره این کلمه این چنین فرموده است

"الحق هو المطابقة والموافقة، 1.

ترجمه : واژه حق در حقیقت به معنی مطابقت و موافقت است

و حق مصدر بوده چنانکه در معجم وسيط آمده است "حَقَّ الامر حقا و حقة و حقوقا : صحَّ وثبت و صدق . 2

ترجمه : موضوع متحقق ، ثابت و به راستی تبدیل گشت.

### 2 – السیئات:

جمع برای السیئة بوده "وأراد بالسیئات : أنواع العذاب التي يجازون بها علی ما كسبوا ، فسماها

سیئات. 3

ترجمه : مراد از ( السیئات ) انواع از عذاب های است که برای آنان بنا بر عمل کرد شان داده می شود بدین اساس آنرا با این واژه و با ساختار جمع آن تعبیر نمود است .

### 3- الحین:

امام اصفهانی \_ رحمه الله \_ می گوید " الحین وقت بلوغ الشيء وحصوله، وهو مبهم المعنى

ويتخصص بالمضاف إليه". 4

1 مفردات ألفاظ القرآن ج 1، ص 292 كتاب الحاء

2 المعجم الوسيط ج 1 ص 231

3 الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقبول في وجوه التأويل ج 7 ص 236

4 مفردات ألفاظ القرآن ج 1، ص 294 كتاب الحاء

ترجمه : حین : به معنی فرارسیدن و به دست آوردن وقت یک شی را می گویند که معنی ان مبهم بوده مگر این که مضاف الیه آنرا تبیین نماید .

#### 4 - اِشْمَنَازَت :

اِشْمَنَازَت، فعل ماضی برای مفرد مؤنث غایب مبنی بر فتح بوده و مصدر آن والاشْمَنَاز است که معنی آن در کشف چنین آمده است والاشْمَنَاز : أن یمتلیء غمّاً و غیظاً حتی یظهر الانقباض فی اُدیم وجهه.<sup>1</sup> ترجمه : به معنی مملو شدن چهر و متغیر شدن آن ، بنابر خشم ، اندوه و دل گرفته گی می باشد .

#### 3 - الشَّهَادَةُ:

امام راغب اصفهانی - رحمه الله - گفته است " الشَّهَادَةُ هی الحضور مع المشاهدة؛ إما بالبصر، أو بالبصيرة"<sup>2</sup>.

ترجمه : شهادت به معنی حاضر بودن که توأم با مشاهده است که آن ( مشاهده ) یا با چشم و یا با بینش دورنی صورت می یابد.

#### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

ای رسول گرامی در حقیقت ما این قرآن را بر بالای تو برحق فرستادیم قرآنی که به واقعیت برای رهنمای و نجات اولاد بشر و رهنمایی آنان به سوی جاده درست و مسیر نجات ،بهترین ریسمان است پس هر کسی که بر رهنمایی های قرآن چنگ زند و به آن به گونه شایسته و بایسته عمل کرده و به اساس منهج و روش آن زنده گانی خود به پیش ببرد در حقیقت ،فایده این کار برای خود او بر می گردد و هرکسی که بعد روشن شدن راه برای او ،باز هم به گمراهی روی آورد، زیان این عمل در حقیقت برای خود بوده و برای الله متعال هیچ گونه زیان و تاوانی را متوجه نساخته است و تو ای پیامبر خدا ! به هیچ وجه ضامن و وکیل کار ها و اعمال آنان نیستی طوریکه از اعمال آنان بازرسی کنی و برای آنچه انجام داده اند مورد حساب و بازپرس قرار گیری، تنها وظیفه که متوجه شخص تو می شود رساندن پیام الهی برای آنان است و بس.<sup>3</sup>

در این آیات در واقع برای شخص پیامبر \_ صلی الله علیه و سلم \_ تسلیت وجود دارد به این معنی که هدایت و رهنمایی مشرکین به دست تو نیست تا بر اساس آن مواخذه و بازپرس شوی بلکه هدایت آنان به دست ما ( الله ) است اگر خواست و اراده ما شد آنان را به جاده هدایت رهنمای خواهیم کرد و اگر

<sup>1</sup> الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأوقیل فی وجوه التاویل ج 7 ص 236

<sup>2</sup> مفردات الفاظ القرآن ج 2، ص 214 کتاب الهاء

<sup>3</sup> التفسیر المیسر 8، 259

خواست ما بر گمراهی آن رفته بود در واقع آنان را بر گمراهی شان دایما قرار داده و هیچ کسی را یار رهنمایی آنان نخواهد بود.<sup>1</sup>

پس الله متعال خبر می دهد که او تعالی در واقع متصرف واقعی در هستی است که طوریکه به هر گونه که او بخواهد در آن تصرف می نماید او است که نفس بشری را در هنگام مرگ بزرگ ، با ارسال فرشته قبض می کند یعنی فرشته که روح ها را از بدن ها بیرون می کند و در هنگام مرگ کوچک یعنی خواب هر گاه خواست او برای مرگ آن رفته باشد روح او را دو باره ارسال نکرده و او را می میراند و اگر خواست او بر زنده ماندن اش رفته باشد روح او را دوباره پس از بیداری بسوی او می فرستد و این ارسال او را دوباره بسوی بدن ها خوابیده تا وقت اندک و معینی خواهد بود.<sup>2</sup>

این آیه کریمه بیان گر این است که الله متعال نفس ها را به دو گونه می میراند نخست وفات و میراندن کامل که همانا مرگ واقعی است دوم میراندن در هنگام خواب زیرا خواب نمونه از مرگ است زیرا در خواب نیز حواس مانند دیدن و شنیدن از فعالیت خود باز می ماندن مانند این قول پروردگار ( و هو الذی یتوفکم باللیل ) {سوره انعام 60} و در آیه عطف وجود دارد که تقدیر آن یعنی خداوند نفس های را که پس از خواب زنده کند دوباره ( در وقت معین ) خواهد میراند.<sup>3</sup>

امام قرطبی – رحمه الله \_ می گوید در این آیت در حقیقت تنبه و اعلام در مورد بزرگی قدرت الله متعال ، تخصیص او تعالی در الوهیت و اینکه او تعالی ذاتی است که زنده می کند و میمیراند و هر چه را او اراده فرماید همان کار واقع شدنی است و بر هیچ کسی مجال تصرف در این امور متذکره، سراغ نیست.<sup>4</sup>

در این افعال عجیب و غریب که در آیات فوق ذکر گردید دلایل و علایم واضح و قاطع بر کمال قدرت او تعالی در ضمن علم او تعالی، برای مردمان و قوم که فکر و اندیشه خود را پیرامون این آیات در کار می اندازند، وجود دارد ولی مشرکان ضمن عدم تفکر و تعقل در این آیات، بت ها و معبودان دروغین خویش را شافیع نزد الله متعال تصور نمودند که جهالت و کمال بدبختی آنان با این کار برای مخاطب هویدا می گردد طوریکه آنان آنچه را که صلاحیت هیچ گونه نفع رسانی و ضرر رسانی را ندارد، آنرا شفاعت کننده برای خود در نزد الله متعال گمان کردند.<sup>5</sup>

1 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 421

2 تفسیر القرآن العظیم . ج 6 ص 223

3 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم . ج 6 ص 222

4 الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة و آی الفرقان ج 15 ص 321

5 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 223

امام ابن کثیر \_ رحمه الله \_ می گوید : این در حقیقت بدی و ذم برای مشرکان نسبت به عدم عقیده توحیدی آنان می باشد زیرا آنان بت ها و سنگ های که توانایی هیچ گونه نفع و ضرر رسانیدن را ندارند ، بدون دلیل و حجت و همچنان عقل و منطق به منصب شفاعت نزد الله متعال گماشتند ، بت های که نه عقل برای تعقل ، نه چشم برای دیدن و نه هم گوشی برای شنیدن دارند بل در حقیقت امر ، آنان جز سنگ های جامد حتی ضعیف تر از سایر مخلوقات و حیوانات بیش نیستند .<sup>1</sup>

یعنی ای محمد تو برای آنان یاد دهانی نما : که آیا موجوداتی را با همه ضعف که دارند یعنی نه عقل برای خرد و نه چشم برای دیدن و نه هم گوشی برای شنیدن دارند ، را به شفاعت اخیار کرده اید این در واقع استفهام توبیخی است - بگو ای محمد که شفاعت کردن در واقع الامر کار الله سبحان می باشد که در آن هیچ کسی را تصرفی نیست و جز به اراده و اجازه او هیچ کسی توان شفاعت را در ملک و ملکوت ندارد.<sup>2</sup>

سپس سر انجام همه شما ( مشرکان ) در روز رستاخیز به سوی اوتعالی می باشد که در آن روز ، او تعالی نسبت به همه اعمال شما قضاوت و فیصله بر حق خواهد کرد در ادامه الله متعال نوع دیگر از افعال قبیح و منافع توحید و عقیده سالم را یاد دهانی می نماید یعنی زمانی که الله متعال به یگانه گی یاد و ذکر گردد و یادی از معبودان دورغین آنان نشود و در برابر شان ، ندای توحید ( لا اله الا الله ) بلند گردد ناگهان آنان را در اوج از کراهیت و نفرت ظاهری و باطنی می یابی و چون بت ها و معبودان دروغین آنان یاد گردد واقعا آنان مسرور و خرسند می گردند .<sup>3</sup>

امام رازی - رحمه الله - می گوید : این در حقیقت نوعی دیگر از وقاحت عقیده خلاف توحیدی مشرکان قلمداد می شود طوریکه الله متعال را به وحدانیت و یگانه گی یاد کنی هیچ معبودی را جز او لایق عبادت و پرستش ندانی ، در چهره و قلب های شان آثار از نفرت و بدبینی را سراغ می کنی و چون یادی از معبودان دروغین و سنگ های خود ساخته شان را به زبان بیاوری ، در آن صورت نشانه های انبوه از مسرت و خرسندی را در سیما و دل های شان به وضاحت سراغ خواهی کرد . و این کار از عمق جهالت و دوری شان از عقیده توحید ، بازگویی می کند زیرا یاد الله متعال سرمنشا و آغاز گر تمامی انواع از خوشبختی ها و برکات است و بالمقابل یاد دهانی از بتها و سنگ های خود ساخته آنان ، هسته جهالت و حماقت می باشد پس نفرت شان در برابر یاد الله متعال و خرسندی شان در برابر یاد

<sup>1</sup> تفسیر ابن کثیر - تفسیر القرآن العظیم ج 3 ص 222

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 234

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 225

بتها و معبودان دروغین شان از زمره قوی ترین و بزرگترین دلیل برای عمق جهالت و حجم حماقت شان می باشد.<sup>1</sup>

بگو: ای پروردگار، ای آفریننده، از نوع پیدا کننده زمین و آسمان ها، ای آگاه بر پوشیده و آشکار ها ای کسی که هیچ چیزی برای او مخفی و پوشیده نیست، در حالیکه او پنهان از دیده ها است، تو قضاوت گر عادل میان مخلوقات استی پس میان من و میان این مشرکان فیصله خود برقرار ساز.<sup>2</sup>

امام ابو حیان می گوید: زمانیکه خداوند از هرزگی عقیده مشرکان و باورمندی آنان، نیز نفرت شان در برابر یاد الهی و خرسندی شان در برابر یاد بت ها، یاد دهانی می کند فرستاده خود را مامور بر خواستن الله متعال با اسم های نیکو او چون قدرت و علم می سازد که میان او آنان فیصله خود را نافذ سازد این عمل از وعید الهی بر مشرکان و تسلیت او بر فرستاده خود پرده برداری می کند.<sup>3</sup>

در ادامه سر انجام عقیده مخالف عقیده توحید، امام محمد علی صابونی می گوید: اگر همه این مشرکین و کسانی که بر خویشتن بنا بر دروغ شماریدن قرآن و فرستاده خداوند ظلم روا داشته اند همه پادشاهی زمین و آنچه در آن است حتی دوبرابر آن را داشته باشند حتما تمامی آنرا و مالها و ذخیره های خود را جهت نجات از عذاب الهی در روز رستاخیز فدیة خواهند کرد اما در آن روز برای آنان انواع از عذاب ها خواهد بود.<sup>4</sup>

در آن روز خطر ناک نتیجه اعمال زشت (عدم عقیده سالم) شان را طور خواهند دید که از هر سو عذاب های برای شان فرود بیاید.<sup>5</sup>

### موضوع چهارم: درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. در پدیده های چون مرگ و خواب دلائل بیشماری برای اثبات قدرت های الله متعالی وجود دارد.<sup>6</sup> (چنانکه آیه 42 این مقطع بدان اشاره داشته است.)

2. از اینکه شفاعت من حیث شفاعت از آن الله متعال پروردگار عالمیان می باشد بنا تمامی دلائل مشرکان برای عبادت کردن بت های شان مردود و باطل هستند.<sup>7</sup> (طوریکه آیه های 43 و 44 به ان اشاره داشته است.)

1 تفسر مفاتیح الغیب ج 5 ص 284

2 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 226

3 أبو حیان - محمد بن یوسف - تفسیر البحر المحیط ج 7 ص 232

4 صفوة التفاسیر 3،83

5 إرشاد العقل السليم الی مزابی القرآن الکریم ج 4،432

6 أیسر التفاسیر ج 3 ، ص 428

7 تفسیر القرآن العظیم ج 5 ، ص 192

3. الله متعال غنی و بی نیاز است پس هر کسی که هدایت را برای خویش انتخاب نماید، نفع آن به خود او برگشته و هر کی گمراهی را انتخاب نماید باز هم ضرر و زیان متوجه شخص خود او، خواهد بود.<sup>1</sup> (طوریکه آیه 49 این حقیقت را هویدا می سازد )
4. سرور و شادکامی مشرکان در هنگام توصیف بتها و معبودان دورغین شان و حزن و اندوه آنان در هنگام شنیدن آیه های قرانی و مسایل توحیدی همه بیان سفاقت و بی خردی مشرکان را برملا می کند.<sup>2</sup> (طوریکه آیه شماره 45 این مقطع بر آن دلالت می کند )
5. الله متعال، بر اجرای هر عمل و کار، قادر و توانای مطلق می باشد و همچنان او باری تعالی بر تمامی احوال مخلوقات آگاه و عالم مطلق است.<sup>3</sup> ( این حقیقت از آیه 46 برملا می گردد)
6. عذاب الهی ، چنان دشوار و سخت است که کافر و منافق برای رهایی از آن آماده می شود تا تمامی مال و متاع دنیا را در برابر آن فدیة دهد، ولی هیچ گونه فدیة در آن روز قابل پذیرش نمی باشد.<sup>4</sup> ( چنان که آیه 47 این مقطع، بر آن دلالت می کند)
7. استهزاء و تمسخر به گفته های الهی و وعد و عیده های اوتعالی مردود بوده و قابل باز پرس می باشد.<sup>5</sup> ( چنانکه آیه شماره 48 این مقطع بر آن اشاره می کند )

1 الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقبول فی وجوه التاویل ج 7 ص 235

2 أیسر التفاسیر ج 3 ص 428

3 إرشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم ج 4 ص 314

4 تفسیر روح المعانی ج 8، ص 383

5 أیسر التفاسیر ج 3 ص 428

## مقطع یازدهم ( 49 الی 52 )

### تصویر انسان در میان نعمت ها و مصیبت ها

#### موضوع اول : مناسبت های این مقطع

#### الف : مناسبت با مقطع قبلی

چنانکه در مقطع گذشته از تسلیت پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در برابر انکار و عناد قومش توضیحات داده شده در این مقطع حالت و احوال جان گداز و جان سوز ظالمان را در رستاخیز بنابر ظلم و تعدی آنان به نمایش می کشد .<sup>1</sup>

#### ب : مناسب با محور اصلی سوره

محور اصلی این سوره طوریکه ذکر گردید توحید است بناء این مقطع، کنش انسان های مخالف عقیده توحید را در دنیا برملا ساخته و از جزای جان گداز در روز قیامت پرده برداری می کند .<sup>2</sup>

#### موضوع دوم: ترجمه و تفسیر آیه ها

قَالَ تَعَالَى: ﴿فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ وَعَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ

وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾

أُولَئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾

#### فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

پس چون سختی و ضرری به انسان برسد، ما را می خواند باز وقتی از سوی خود به او نعمتی عطا کنیم گوید : جز این نیست که آن نعمت بر اساس دانش و تدبیر که دارم به من داده شده است ، نه چنین نیست بلکه این نعمت وسیله آزمایش است ولی بیشتر مردم نمی دانند البته این سخن را کسانی هم می گفتند که پیش از ایشان بودند ولی آنچه را ( در دنیا ) کسب می کردند برایشان سودی نکرد پس ( جزای ) بدی های که کرده بودند به آنان رسید و کسانی از ایشان ( کفار مکه ) هم ظلم کرده اند ( جزای ) بدی هایی

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 507 و 508

<sup>2</sup> همان ج 6 ص 507 و 508

که می کردند به آنان خواهد رسید و هرگز نمی توانند ( از عذاب الهی بگریزند و الله را ) ناتوان کنند آیا ندانستند که الله روزی را برای کسانی که بخواد فراخ یا تنگ می سازد ؟ البته در این امر نشانه های است برای کسانی که ایمان می آورند .

## فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع ( ضر، الانسان ، خولناه، فتنه )

### 1 - الضر:

#### الضر : الجرح .<sup>1</sup>

ترجمه : ضر به معنی زخم است

الضر سوء الحال؛ إما في نفسه لقلّة العلم والفضل والعفة؛ وإما في بدنه لعدم جارحة ونقص؛ وإما في حالة ظاهرة من قلة مال وجاه، وقوله: {فكشفنا ما به من ضر} [الأنبياء،84].<sup>2</sup>

ترجمه : الضر عبارت از بدی حالت یا شخصیت کسی بنا بر کم علمی یا پاکدامنی و یا در بدن کسی به خاطر کمبودی عضوی و یا کمبودی مالی چنانکه الله متعال می فرماید : ترجمه ضر و مصیبت که به آن دچار بود را از او دور کردیم.

### 2 الانسان:

#### الانسان الكائن الحي المتفكر جمعه الاناسي .<sup>3</sup>

ترجمه انسان عبارت از موجود حیه ی بوده که قابلیت تفکر و تعقل دارد می باشد و جمع آن اناسی است در باره این کلمه در مفردات القران اصبهانی چنین آمده است:

الإنس: خلاف الجن، والأنس: خلاف النفور، والإنسي منسوب إلى الإنس يقال ذلك لمن كثر أنسه، ولكل ما يؤنس به، ولهذا قيل: إنسي الدابة للجانب الذي يلي الراكب (الغريب المصنف ورقة 73، مخطوطة تركيا)، وإنسي القوس: للجانب الذي يقبل على الرامي.

والإنسي من كل شيء: ما يلي الإنسان، والوحشي: ما يلي الجانب الآخر له.

وجمع الإنس أناسي، قال الله تعالى: {وأناسي كثيرا} [الفرقان،49].

وقوله عز وجل: {فإن أنستم منهم رشدا} [النساء،6] أي: أبصرتهم أنسا بهم، و {أنست نارا} [طه،10]، وقوله: {حتى تستأنسوا} [النور،27] أي: تجدوا إيناسا.

<sup>1</sup> المعجم الوسيط ج 2 ص 579

<sup>2</sup> مفردات ألفاظ القرآن ج 2 ص 202 كتاب الضاد

<sup>3</sup> المعجم الوسيط ج 1 ص 59



والإنسان قيل: سمي بذلك لأنه خلق خلقه لا قوام له إلا بانس بعضهم ببعض، ولهذا قيل: الإنسان مدني بالطبع، من حيث لا قوام لبعضهم إلا ببعض، ولا يمكنه أن يقوم بجميع أسبابه، وقيل: سمي بذلك لأنه يأنس بكل ما يألفه وقيل: هو إفعال، وأصله: إنسيان، سمي بذلك لأنه عهد الله إليه فنسي.<sup>1</sup>

ترجمه: انس در واقع خلاف جن و انس خلاف نفرت می باشد و ( انسی ) منسوب به انس کسی که انس گرفتن اش بیشتر باشد گفته می شود همچنان بر هر آنچه که با او انس گرفته می شود ( انسی ) گویند مانند انسی الدابة للجانب الذي يلي الراكب. یعنی چهار پا به سمت که راکب بر ان بالا می شود جست (وانسي القوس: للجانب الذي يقبل على الرامي.) یعنی در سمت که تیرزن قرار می گیرد به همان سمت کمان جست .

جمع ( انس ) اناسی است چنان که الله متعال می فرماید ( {وأناسي كثيرا} [الفرقان،49].

این فرموده الله متعال {فإن أنستم منهم رشدا} [النساء،6] یعنی زمانی که دید او با آنان انس می گیرد

و {أنست نارا} [طه،10]، و این سخن او : {حتى تستأنسوا} [النور،27]

یعنی زمانی که انس گیر پیدا کنید .

در باره ( انسان ) نیز گفته شده است که انسان بخاطر اینکه الله متعال او را در میان مخلوقات اش طور آفریده است که قوام هر یک انسان بسته گی به انس گیری بعضی بر بعضی دیگر است بدین سبب گفته اند که انسان مدنی الطبع می باشد یعنی تمامی نیاز های او در صورت بودن در اجتماع برآورده می شود و به هیچ صورت انسان به تنهایی و دور از اجتماع توان رسیده گی به نیاز های خود را ندارد.

و نیز انسان را بنابر زود انس گیری او انسان گفته اند و انسان را بر وزن ( فعلان ) که اصل اش (انسیان ) بنابر این که او عهد داده شده خود با الله متعال را فراموش می کند نیز گفته اند .

### 3 - خولناه :

خولناه : فعل ماضی برای جمع متکلم مبنی بر سکون بوده و ( ها ) ضمیر منصوب متصل ، برای مفرد مذکر غایب می باشد.

التخويل : مختص بالفضل . ويقال : خولني ، إذا أطاك على غير جزاء { على علم } أي على علم مني أني سأعطاه ، لما في من فضل واستحقاق<sup>2</sup>.

<sup>1</sup> همان مصدر ج 1 ص 292 کتاب الالف

<sup>2</sup> الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقبول في وجوه التأويل ج 7 ص 235

ترجمه: این فعل برای تفضیل و برتریت محض می باشد و ( خولنی ) زمانی گفته می شود که کسی برای تو پاداش و جزای خیر، بدون بالمثل بدهد ( علی علم ) یعنی من نسبت به اعطای خود آگاه و عالم می باشم و این به علت فضل و توانی من است .

#### 4 - فتنه:

**الفتنة هي نوع من الشجر اصفر الزهر و الفتنة هي مصدر تدل على معاني منها : الاختبار بالنار و الابتلاء، الاعجاب بالشيء ، الاضطراب و بلبلة الأفكار و الضلال و غيره.**<sup>1</sup>

ترجمه : فتنه ، یک نوع درختی است که گل های زرد رنگ می داشته باشد و در اصل این کلمه مصدر است و به معنی زیاد همچو با آتش آزمایش کردن، آزمایش کردن ، متعجب کردن ، اختلال کار، ناهنجاری افکار، و گمراهی و غیره را افاده می کند.

#### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

در این مبحث، یک حکایت جداگانه و متنوع از کردار های فاسده و مردود مشرکان صورت گرفته است طوری که آنان در هنگام مواجه شدن با ضرر و شر مانند مرض و فقر علی الفور، دست به دامان رجوع و برگشت به سوی الله متعال زده ، بر این اصل معتقد می گردند که راه حل و نجات از این مصائب جز نزد الله متعال در نزد کسی دیگر نیست و هرگاه چون الله متعال این وضعیّت را به نعمت تبدیل کند یعنی آنان را در قبال مال یا صحتمندی یا اعطای اولاد نوازش دهد، فوراً گمان بر آن کنند که این نعمت ها و فراخی جز به اساس تلاش و علم خود آنان، برای آنها نرسیده است و چون مالی بر آنان افزون گردد، گویند این بنابر تلاش و جهد خودما است و اگر این نعمت در قالب صحت باشد گویند این بر اساس تداوی و علاج فلان نفر یا فلان داکتر برای من ما نایل گشته است، ولی این گونه تصور و گمان ، کاملاً در تناقض و تضاد با آنچه در گذشته می گفتند ، دارد زیرا آنان در هنگام مصیبت جز از الله متعال از کسی دیگری التماس و التجاء نداشتند اما در حالت صحت و سلامتی ، الله را فراموش کرده و وجود این نعمت ها را از الله ندانسته بل آن را به کسب و تلاش خویش نسبت می دهند ، که در حقیقت این تناقض در حد اخیر از قباحت و کراهت قرار دارد .<sup>2</sup>

<sup>1</sup> ابراهیم مصطفی و غیره ، المعجم الوسیط، مکتبه نعمانیة پشاور ج 2 ص 723

<sup>2</sup> تفسر مفاتیح الغیب ج 13 ص 270

این سخن زشت ( انما اوتيته على علم عندي ) را که این کفار می گویند آنرا قبل از آنان کفار دیگر نیز گفته اند مانند که قارون گفت ( انما اوتيته على علم عندي ) {سوره قصص: 78} که در واقع این سخن و آنچه را که از مال ها و افراد گرد آوری کرده بودند به هیچ وجه به نفع آنان تمام نشد.<sup>1</sup>

پس برای آنان جزای اعمال زشت و بد خود را چشیدند و کسانس از گروه قریش که ظلم و کفر ورزیدند، نیز مانند آن اقوام گذشته به زودی سر انجام اعمال زشت خود را خواهند چشید.<sup>2</sup>

امام بیضاوی – رحمه الله – می گوید: در حقیقت، این گروه از کفار قریش، جزای اعمال خود را در هفت سال متمادی و در چاهای بدر در معرکه بدر چشیدند یعنی آنان از گرفت ما به هیچ وسیله فرار نمیتوانند نه با فرار نه به دعا کردن بلکه عذاب ما بر بالای آنها آمدنی است.<sup>3</sup>

پس الله متعال این گفته آنان ( مال و نعمت به اساس تلاش خود ما به ما رسیده است ) را رد کرده می گوید: آیا این گروه از مشرکان نمی بینند که الله متعال هر کسی را بخواهد در رزق و روزی اش فراخی، و هر کسی را که بخواهد در رزق اش تنگی و ضیعی را به بیار می آورد. پس پدیده رزق و وسعت در آن هیچ گاهی به زکات و تلاش فردی انسان بسته گی مطلق ندارد بلکه این امر، به قسمت و حکمت بسته گی دارد. بنا در این دلایل و حجت ها، برای انسان های صاحب خرد و اندیشه عبرت های نهفته است انسان های که آیات الهی را تصدیق می نمایند.<sup>4</sup>

امام قرطبی – رحمه الله – می گوید: در اینجا تاثیر پذیری از نشانه های الهی مخصوص انسان مومن شده است زیرا او فردی است که به آیه های الهی تدبر کرده و از آن منتفع می گردد و این حقیقت را به نیکوی میداند که وسعت روزی گاهی بنابر استدراج بوده و قلت آن گاهی بنابر پند و عبرت گیری می باشد.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 508

<sup>2</sup> صقوة التفاسیر ج 3 ص 83.

<sup>3</sup> أنوار التنزیل و أسرار التاویل ج 2 ص 156

<sup>4</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 508

<sup>5</sup> الجامع لاحکام القرآن و المبین لما تضمنه السنة و آی الفرقان ج 15 ص 267.

## موضوع سوم: درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. اهل شرک و کفر و ظلم در زنده گانی تار و تاریک بنابر تناقضات فکری و اعتقادی که دارند به سر می برند.<sup>1</sup> (طوریکه 49 این مقطع انرا باز گویی می نماید )
2. مراد از ظلم در این آیه ، شرک است زیرا شرک در واقع ، ظلم بزرگ است.<sup>2</sup> (آیه 51 این مقطع این حقیقت را هویدا ساخته است)
3. فراخی و تنگی در رزق و روزی بنابر محبت و نزدیکی به الله متعال نمی باشد بلکه این مهم بر اساس حکمت و تربیه تدریجی الهی برای افراد و جماعات تعیین می گردد.<sup>3</sup> (طوریکه 52 این مقطع بر ان اشاره دارد .)
4. نسبت دادن منشأ هر نعمت و راحت ظاهری و باطنی، بسوی غیر الله متعال در حقیقت، اوج قباحت و وقاحت یک فرد را نشان می دهد.<sup>4</sup> (طوریکه آیه 41 این مقطع آنرا واضح می سازد)
5. الله متعال ظالمان و کفار را به زودی به سرانجام اعمال شان خواهد رساند و این امر را به گونه وعد و عید برای آنان دایما گوش زد کرده است.<sup>5</sup> (طوریکه آیه 51 این مقطع بر آن اشاره دارد)

---

<sup>1</sup> أيسر التفاسیر ج 3 ص 431

<sup>2</sup> تفسیر روح المعانی ج 8 ، ص 349

<sup>3</sup> أيسر التفاسیر ج 3 ، ص 431

<sup>4</sup> تفسیر مفاتیح الغیب ج 5 ص 402

<sup>5</sup> أيسر التفاسیر ج 3 ، ص 431

## مقطع دوازدهم ( 53 الی 59 )

دعوت به برگشت بسوی خداوند تواب

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع دوازدهم

﴿ قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۗ ﴾

﴿ سوره زمر ایت 53 ﴾ ﴿ ۵۳ ﴾

امام سیوطی - رحمه - در شان نزول این آیه کریمه می گوید: گروهی از اهل شرک دست به قتل زد و در این کار مبالغه نیز کردند، رو به عمل شنیع زنا آوردند و در این عمل نیز زیاده روی انجام دادند سپس در محضر رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمده و چنین پرسیدند: آنچه تو می گویی و مردم را به آن دعوت می دهی، حقیقتا که نیکو و پسندیده است اما آنچه آنرا ما در گذشته انجام داده ایم کدام کفاره ی یا جبرانی دارد؟ در جواب آیه کریمه فوق و آیه ( والذین لا یدعون مع الله الها اخر ) نازل شد. ابی حاتم - رحمه الله - از ابن عباس - رضی الله عنه - به سند صحیح روایت کرده که وی گفت: این آیت در باره مشرکین اهل مکه نازل شده است.

ابی عبدالله حاکم و طبرانی - رحمهم الله - از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت کرده اند که وی فرموده است: زمانی ما در میان خویش در باره فرد که در قضیه توبه دچار ابتلا شده باشد نگاه که دینش را با وجود مسلمان بودن و آگاهی به اسلام ترک کند، از یک دیگر سر انجام چنین فرد را پرس و پال می کردیم تا اینکه پیامبر - صلی الله علیه و سلم - به مدینه منوره تشریف آوردند و خدای متعال در باره این چنین اشخاص آیه کریمه فوق را نازل کرد.<sup>1</sup>

امام طبرانی به سند ضعیف از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت می کند که وی فرمود: پیامبر - صلی الله علیه و سلم - فردی را بسوی وحشی، قاتل حمزه - رضی الله عنه - فرستاد و او را بسوی اسلام دعوت نمود، وحشی در برابر دعوت پیامبر چنین پیام فرستاد: چگونه شما من را به سوی اسلام دعوت می نماید؟ در حالیکه باورمند استید که هر کسی قتل کند یا زنا نماید یا به پروردگار شرک آورد در حقیقت چنین فرد جزای اعمال خود را می بیند و در روز رستاخیز چند برابر مورد عقاب قرار گرفته و در جهنم به گونه ذلیل و رسوا، برای همیشه باقی خواهد ماند و من کسی استم که چین جرم را مرتکب

<sup>1</sup> لباب النقول فی أسباب النزول. ص 223-224

شده ام . پس آیا شما برای من کدام رخصت از این عذاب ها دارید؟ در جواب خداوند متعال این آیه کریمه نازل کرد ( الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا ) {سوره فرقان آیه 70} حضرت وحشی پاسخ داد : اینکه فردی ایمان بیاورد و عمل صالح را انجام دهد یقینا شرط سخت و دشواری است شاید من از عهده چنین شرط سنگین برآمده نتوانم.

خداوند متعال در پاسخ این سخن ایه کریمه قَالَ تَعَالَى: ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ

لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٤٨﴾ {سوره نساء 48} را نازل فرمود . حضرت

وحشی گفت : این چیزی است که بعدا خواهم فهمید ولی من نمیدانم که این سخن پروردگار مخصوص من است یا خیر؟ ایا غیر از این سخن پروردگار کدام سخنی دیگر نیز از او تعالی وجود دارد ؟ سپس خداوند

متعال این ایه کریمه ﴿ قُلْ يَعْبَادِي الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ {سوره زمر ایت 53} را نازل فرمود حضرت

وحشی – رضی الله عنه – گفت : اکنون حقیقت برایم هویدا شد و به سرمایه ایمان نایل گردید.<sup>1</sup> بر علاوه این روایات که از امام سیوطی – رحمه الله – نقل کردیم امام واحدی \_ رحمة الله عليه \_ در باره شان نزول این آیه کریمه نیز چندین روایت متفاوت را یاد دهانی کرده است که در ذیل به اشاره می نمایم

أ. " ابن عباس – رضی الله عنه – می فرماید این ایت در باره آن گروهی از اهل مکه نازل شد که چنین می گفتند : ما چگونه مهاجرت کنیم و به اسلام بپیوندیم در حالیکه محمد بر عدم بخشش کسانی که بت را پرستش کرده باشند و انسانی را که خداوند قتل اش را حرام کرده است به قتل رسانیده باشند باورمند است و این نیز در حالی است که ما در گذشته با خداوند شریک قایل بوده ایم و انسان ها را به نا حق نیز به قتل رسانیده ایم؟ خداوند در پاسخ ایه کریمه فوق را نازل فرمود.

ب. ابن عمر – رضی الله عنهما- فرموده است : این ایت در باره عیاش بن ابی ربیع، ولید بن ولید و چند فرد دیگری از مسلمانان نازل شده است زیرا آنان نخست ایمان آوردند و چون به سبب آن

1 لباب النقول فی أسباب النزول ص 223- 224

به اذیت و عذاب ابتلا شدند اسلام را ترک کردند و این کار شان باعث شد تا ما در میان خود بر عدم بخشش ابدی آنان از سوی الله متعال، نه از بابت عدالت و نه هم از بابت عفو و گذشت باورمند شویم زیرا آنان قومی بودند که پس از اسلام آوردن به سبب اذیت ها و عذاب ها از دین خود یعنی اسلام برگشتند. در این میان ایه کریمه فوق شرف نزول یافت و چون حضرت عمر - رضی الله عنه - کاتب این آیت بود آنرا نوشت و برای عیاش بن ابی ربیعه، ولید بن ولید و آن گروهی هم فکر شان فرستاد که تمامی آنان به سبب این آیه کریمه دوباره به اسلام برگشته و از زمره مهاجران گشتند.

ت. ابن جریج فرمود: یعلی بن مسلم برایم خبر داد که او از سعید بن جبیر - رضی الله عنه - سخن ابن عباس - رضی الله عنه - را شنیده است که میگفت: حقا که گروهی از اهل شرک در گذشته به قتل انسان ها دست زده و به عملی شنع زنا روی آورده بودند و ضمنا در این اعمال مبالغه و زیاده روی نیز کرده بودند سپس همه آنان نزد رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمده و این طور بیان داشتند: یا رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آنچه شما، ما را سوی آن دعوت می دهد بسا نیکو و پسندیده است اما آیا آنچه را ما در گذشته مرتکب شده ایم قابل جبران است و در این میان آیت فوق نازل شد این روایت را امام بخاری - رحمه الله - از ابراهیم بن موسی، از هشام بن یوسف و از ابن جریج - رحمهم الله - روایت کرده است.

ث. حضرت عمر - رضی الله عنه - گفت: من با جمعی از مسلمان در مکه عزم هجرت را جزم کردیم، من همراهی عیاش بن ابی ربیعه و هشام بن وائل مکانی را در نزدیک های میقات بنی غفار و عده گاه خود تعیین کردیم و عهد بستیم که هر یکی از ما، اگر به وقت تعیین شده در مکانی تعیین شده حضور نیافت در حقیقت آن شخص از سوی مشرکین دست گیر شده است و فردی که در و عده گاه سر وقت حاضر شد، باید به هجرت اقدام نماید و چون موعد به پایان رسید من و عیاش به عهد خویش وفا کرده توانستیم در آن مکان حاضر شدیم ولی هشام از میان ما، دور مانده و دست گیر شد و چون در این میان به اذیت و عذاب مبتلا گشت از اسلام برگشت اما، ما دو نفر راهی مدینه شده و چون بدان جا رسیدیم همیشه با خود می گفتیم که خداوند - جل جلاله - توبه این چنین اشخاص را هرگز نخواهد پذیرفت زیرا آنها بعد از شناخت الله و فرستاده اش - صلی الله علیه و سلم - به سبب ابتلائات که در دنیا برای شان رسیده از دین خویش برگشتند. در این میان خداوند متعال ایه کریمه فوق را تا این قسمت (أ لیس فی جهنم مثوی للمتکبرین) نازل فرمود.

سپس حضرت عمر - رضی الله عنه - آیه کریمه فوق را با دستان خود نوشته و آنرا برای هشام فرستاد. حضرت هشام می گوید: من چون از ارسال این پیام اطلاع حاصل کردم برای استقبال آن خود تا منطقه (ذی طوی) رسانیده و از خداوند التماس فهم دقیق آنرا نمودم هنگامیکه نامه به دستم رسید فهمیدم که این آیه کریمه در مورد من نازل شده است فوراً به اسلام برگشته و بر شترم سوار شدم و خود را به رسول الله - ص الله علیه و سلم - در مدینه رسانیدم.<sup>1</sup>

## موضوع دوم: مناسبت های این مقطع

### الف: مناسبت با مقطع قبلی

از آن جا که الله متعال در مقطع گذشته حالت و وضعیت ناگوار و جانگداز ظالمان و گناه پیشه گان در روز قیامت را به تصور کشید، در این مقطع از وسعت رحمت خود سخن می راند و آنان را به برگشت و انابت به سوی خود دعوت داده از ناامیدی و یأس بر حذر می دارد، الله متعال درهای توبه را تماماً و سراپا برای توبه کردن باز گردانیده است طوری که انسان های گناه کار باوجود تعدی و تجاوز از حدود و مرز های اوامر الهی چشم امید خویش را به آن دوخته و به رحمت و بخشش بی پایان او باری تعالی مطمئن و معتقد می باشند.<sup>2</sup>

### ب: مناسبت با محور اصلی سوره

آنجا که موضوع محور این سوره را توحید الهی تشکیل می دهد، این مقطع از سر انجام مخالفین توحید - آنها که آیات الهی تکذیب نموده و به آن ایمان نیاورده و در روز قیامت پشیمان و نادم می شوند و آرزو برگشت به دنیا را می کنند که ای کاش به دنیا جهت جبران تقصیرات خویش، برگشته اند شوند- پرده برداری می نماید که این در واقع تاکید بر اهمیت محور سوره می کند.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> الواحی، أسباب النزول، ص 369 - 371

<sup>2</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 510

<sup>3</sup> الباحث



## موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلَمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُصْرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتَنِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِن الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾﴾

## فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

بگو ای بنده گانم که برخود اسراف ( و ظلم ) کرده اید ! از رحمت الله نا امید نشوید یقینا که الله همه بنده گان را می آمرزد، چرا که او بسیار مهربان است و به سوی آفریننده خود رجوع کنید و تسلیم او شوید، قبل از آن که عذاب به شما برسد باز مدد کرده نشوید. و از بهترین چیزی که از سوی آفریده گارتان برای شما نازل شده است، اطاعت و پیروی کنید پیش از آنکه نا گهان و در حالیکه بی خبرید، عذاب به شما برسد تا ( مبادا در قیامت ) کسی بگوید : وای بر من به خاطر تقصیری که در حق الله کردم و بی گمان از مسخره کننده گان بودم یا آنکه ( از شدت اندوه ) گوید : ای کاش الله مرا هدایت می کرد و از پرهیزگاران می بودم یا چون عذاب را ببیند، بگوید : ای کاش برای من باز گشتی بود، تا از نیکو کاران می شدم بلی، بی گمان آیات من به تو رسید، ولی آنرا تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از جمله کافران شدی .

## فرع دوم : توضیح برخی از واژه های این مقطع

( الذنب ، البغۃ ، جنب الله )

### 1 - الذنوب

ذنوب جمع ذنب بوده که امام راغب - رحمه الله - می گوید : ذنب الدابة و غيرها معروف، و يعبر به

#### عن المتأخر و الرذل<sup>1</sup>.

ترجمه : ذنب حیوان و غیره معروف اند و گاهی از این واژه برای تاخیر و بد کنشی نیز تعبیر می شود .

### 2\_ البغۃ:

امام راغب - رحمه الله - می گوید : مفاجأة الشيء من حيث لا يحتسب. قال تعالى: {لا تأتیکم إلا بغۃ} [الأعراف، 187]،<sup>2</sup>

ترجمه : بغۃ به معنی ناگهانی وارد شدن و آمدن یک مورد از جای و به گونه که از قبل، تصور آن نمی رفت . مانند که در این آیه الله متعال می فرماید : {لا تأتیکم إلا بغۃ} [الأعراف، 187]، ترجمه : عذاب بر شما نمی آید مگر به گونه ناگهانی .

### 3 - جنب الله :

والجنب : الجانب ، يقال : أنا في جنب فلان وجانبه وفلان لین الجنب والجانب.<sup>3</sup>

ترجمه: جنب به معنی کنار و پهلو یا همنشین می باشد طوریکه گفته اند من در کنار و همنشین فلان فرد استم. (بناء معنی آن یعنی در کنار الله و همتا با الله متعال، )

### فرع سوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

ای رسول الله - صلی الله علیه و سلم - برای بنده گان گناه کار من کسانی که به گناهان مداومت داشته و بنا بر ارتکاب معاصی و نافرمانبرداری ها بر خویشان ظلم روا داشته اند، برای شان بگو : که شما با در نظر داشت کثرت و زیادی گناهان تان از رحمت الله متعال و مغفرت او تعالی نا امید و مأیوس نشوید زیرا او تعالی گناهان هرکسی را که بخواهد می آمرزد ولو حتی به اندازه کف دریا هم باشد و او تعالی صاحب رحمت وسیع و بزرگ می باشد .<sup>4</sup>

ظاهر این آیت مؤمنین را بسوی عدم یأس و ناامیدی از رحمت الله سبحان دعوت و رهنمایی می نماید .<sup>5</sup>

<sup>1</sup> مفردات ألفاظ القرآن . ج 1 ص 332

<sup>2</sup> همان مصدر سابق ج 1 ، ص 182

<sup>3</sup> الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأقبول فی وجوه التأویل ج 4 ، ص 327

<sup>4</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 51

<sup>5</sup> صفوة التفاسیر ج 3 ص 85.

امام ابن کثیر - رحمة الله عليه - می گوید : در واقع این آیه دعوت به سوی انابت و برگشت و توبه برای تمامی گناه کاران که خواه از مسلمانان و خواه از کافران باشند، است و همچنان این یاد دهانی و خبر دادن نسبت به وسعت بخشش الهی می باشد یعنی خداوند توبه کسی که از گناهان برگشته و بسوی او تعالی نادم و پشیمان گردد را باوجود کثرت گناه می بخشد.<sup>1</sup>

بسوی الله متعال برگردید و با طاعت و فرمان برداری و نیز با اعمال صالح برای او تعالی، سر تسلیمی فروگزارید و اینکار را قبل از این که نعمت الهی به نعمت مبدل گردد انجام دهید، زیرا در آن صورت کسی را برای نصرت و یاری خویش و نیز نجات از عذاب الهی برای خویشتن نخواهید یافت. و بهترین کتابی را التزام و عملی نماید که الله متعال برای شما نازل فرموده است و آن عبارت از قران کریم است زیرا در آن به حقیقت برای شما اسباب کامیابی و سعادت شما بیان شده است و این کار را باید هر چه زودتر قبل از آنکه ناگهان عذاب الهی به سراغ شما آید و شما به سبب غفلت از آن هیچ وقایه و تدارک قلبی را برای رهایی از آن عذاب در دست نداشته باشید انجام دهید.<sup>2</sup>

تا این که مجال این سخن ( وای بر من که در اطاعت از الله و رسول اش تقصیر و کوتاهی کردم ) برای عده ی از مردمان که دست به اسراف زده اند باقی نماند.<sup>3</sup>

امام شوکانی - رحمه الله - گفته است : بدان که این آیه بنا براینکه بزرگ ترین بشارت را احتوا می کند، از امیدوارکننده ترین آیه های کتاب الله متعال می باشد طوری که در نخست الله متعال در این آیه کریمه ، بنده گان را جهت تکریم به سوی خود نسبت داده است و سپس آنان را باوجود معصیت شان، توصیف نموده است و در ادامه آنان را از نا امید و مأیوسیت در برابر رحمت خود، باز داشته است و بعدا این سخن و بشارت ( إن الله یغفر الذنوب ) را گوش زد فرموده است سخنی که بعد از آن هیچ گونه مجال شک و تردید برای انسان باقی نمانده و قلب را در برابر آن ثبات می یابد.

در ادامه الله متعال به این حد که بنده گان خود را بر بخشش تمامی گناهان شان بشارت بدهد اکتفا نکرده بل که آنرا با سخن ( جمیعاً ) تاکید کرده است پس چی بشارت زیبای که نفس ها در برابر آن آرام گیرند و چی زیبا علت و تعلیل که این سخن الله متعال ( إنه الله هو الغفور الرحیم ) بیان میدارد.<sup>4</sup>

1 تفسیر ابن کثیر- تفسیر القران العظیم ج.3، ص227  
 2 التفسیر الموضوعی لسور القران الکریم ج 6 ، ص511  
 3 همان مصدر سابق ج 6 ، ص511  
 4 تفسیر فتح القدیر ج 4 ، ص 310

امام این کثیر - رحمه الله - گفته است: مجرم و انسان گناه پیشه در آن هنگام تَحَسُّر خورده و آرزو می نماید که ای کاش من از جمله نیکو کاران، اخلاص کننده گان، و از زمره بندهگان فرمانبردار الله متعال می بودم.<sup>1</sup>

یا اینکه نفس گناه کار و فاجر در هنگام مشاهده عذاب می گوید: در صورت که برای من برگشت دوباره به سوی دنیا وجود داشته باشد حقا که از الله متعال فرمانبرده و سیرت و عمل خود را نیکو و مطابق خواست او تعالی خواهم ساخت.<sup>2</sup>

در حقیقت هدایت الله متعال با ارسال و فرستادن انبیاء و رسولان الهی و فرورستادن کتاب، رسیده است ولی من آنها را به باد تکذیب گرفته و در برابر ایمان آوردن دست به دامن تکبر زدم و در واقع از زمره منکرین و جاحدین این حقایق بودم.<sup>3</sup>

الله متعال این گونه حالات و اوضاع مردم را در روز رستاخیز به شکل بسیار بلیغ و رسا به نمایش می کشد طوریکه هر انسان عاقل و خردمند را به جاده ایمان مطلوب، می کشاند ایمانی که برای صاحب اش در آن روز شدید و خطیر، نفع برسند.<sup>4</sup>

### موضوع چهارم: درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. وسعت فضل و رحمت پروردگار نسبت به بنده گان اش در قبولیت توبه آنان با وجود هر گونه گناه و کثرت حجم آن، برملا می گردد.<sup>5</sup> (چنان که آیه های 53 و 54 این مقطع بدان اشاره کرده است)
2. مراد از بنده گان الهی در این مقطع همانان، مؤمنان و مسلمانان می باشد.<sup>6</sup>
3. شتاب در توبه کردن قبل از فرارسیدن عذاب ها در دنیا و قبل از فرارسیدن مرگ، الزامی و واجب می باشد علی الخصوص قبل از فرارسیدن مرگ، پدیده ی که به سراغ هر فرد آمدنی بوده و بعد از آن هیچ گونه توبه و برگشت قابل قبول نمی باشد.<sup>7</sup> (طوریکه آیه های 55 و 56 این مقطع بدان اشاره کرده است)
4. بهترین مورد را که الله متعال نازل کرده است همانا التزام به اوامر او باری تعالی و اجتناب از نواهی اش می باشد.<sup>8</sup>
5. از نمونه های رحمت الهی بر بنده گان اش، نسبت دادن عذر برای شان در ضمن هشدار و بر حذر ساختن آنان می باشد.<sup>9</sup> (چنانکه تمامی آیه های این مقطع بر آن اشاره دارد)

1 تفسیر القرآن العظیم ج 3 ص 227

2 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 512

3 صفوة التفاسیر ج 3 ص 86.

4 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 512

5 ایسر التفاسیر ج 3 ص 433

6 إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الکریم ج 4 ص 314

7 ایسر التفاسیر ج 3 ، ص 433

8 جامع البيان عن تاویل آی القرآن ج 3 ، ص 359

9 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 513

6. انسانهای متقی و نیکو کار بر سائر افراد برتریت داشته و تقوا و احسان از زمره فضایل اخلاقی و امور پسندیده دینی قلمداد می گردد.<sup>1</sup> ( چنانکه آیه شماره 57 و 58 بر این مهم صراحت دارد) .

---

<sup>1</sup> أيسر التفاسير ج 3 ص 433

## مقطع سیزدهم ( 60 الی 67 )

### حالات مردم در رستاخیز و دلایل الوهیت و وحدانیت خداوند متعال

موضوع اول : سبب نزول آیه های کریمه مقطع سیزدهم

﴿قُلْ أَغْفِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾ {سوره زمر 64}

امام طبرانی و ابی حاتم - رحمهما الله - از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت کرده اند که قریش باری بر پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در برابر دست برداشتن از دعوت و تحقیر بت هایشان و یا تقسیم عبادت میان بت ها و خدای متعال به گونه که یک سال بت ها پرستش گردد و یک سال هم خداوند متعال ، اعطاء مال کثیری که به سبب آن سرمایه دار ترین فرد مکه گردد و نیز اختیار ازدواج با زیبا ترین زنی از زنان قریش را دادند پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در پاسخ فرمود : من در این مورد منظر جواب پرودگام می مانم بنا خداوند - جل جلاله - سوره کافرون را تا آخرش و آیه 64 سوره زمر را به تعقیب آن فر فرستاد.

امام بیهقی - رحمه الله - در دلایل از حسن بصری - رحمه الله - روایت کرده که گفت : مشرکین مکه به رسول الله - صلی الله علیه و سلم - گفتند که شما چگونه با دعوت خود پدران و نیاکان خود را گمراه ثابت می سازید ؟ در جواب خداوند این آیه کریمه فوق را تا ( من الشاکرین ) {سوره زمر آیه 66} نازل فرمود.<sup>1</sup>

( وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ) {سوره زمر آیه 67}

ابوبکر الحارثی از ابو شیخ الحافظ و او از ابی عاصم و او از ابن نمیر و او از ابومعاویه از عمش و از علقمه از عبدالله - رحمه الله - برای ما خبر دادند که مردی از اهل بادیه ، خدمت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - آمده و گفت : ای ابو قاسم! شما میدانید که خداوند متعال همه مخلوقات را بر یک انگشت زمین ها را بر انگشت دیگر ، درختان را بر انگشت و مواد ثری ( تحت زمین ) یعنی فراورده های زیر زمینی را بر انگشت دیگر حمل کرده و سپس می گوید من پادشان برحق استم؟ پیامبر - صلی الله علیه و سلم - در این میان چنان خندید که دندانهای پیشروی شان نمایان شد و خداوند آیه کریمه مذکور را فرستاد یعنی الله متعال قادر به قبض زمین و تمامی مخلوقات روی آن در آن واحد است مگر خداوند

<sup>1</sup> لباب النقول فی أسباب النزول ص 224

نمی فرماید ( والأرض جميعا قبضته يوم القيامة ) یعنی خداوند متعال زمین را به قدرت خویش قبض می کند.<sup>1</sup>

امام سیوطی - رحمه الله - در باره سبب نزول این آیه گفته است.  
"ابی حاتم- رحمه الله - از حسن - رحمه الله - روایت می کند که وی فرمود: باری یهودیان قصد پیمایش و مخلوقات خداوند را کردند نخست به سوی خلقت زمین و اسمانها ضمنا خلقت فرشته گان پرداختند و چون به زعم خویش از این عمل فارغ شدند به پوچ و پاگن در این مورد آغاز گر شدند .  
و نیز ابی حاتم از سعید بن جبیر - رضی الله عنهما - روایت می کند که فرمود: یهودیان زمانی در باره صفات الله متعال زبان درازی کرده و مسایلی را در این بابت می گفتند که نه بر آن علم کامل داشتند و نه هم در گذشته آنرا از جای سراغ کرده بودند بدین سبب خداوند متعال آیه کریمه فوق را نازل فرمود.  
ابن منذر از ربیع بن انس روایت می کند که وی فرمود: زمانی که آیه ( وسع کرسیه السموات و الارض ) {سوره بقره 255} نازل شد مردم پرسیدند: یا رسول الله - صلی الله علیه و سلم - این صفت کرسی بود ولی عرش خداوند چگونه است مثل اینست یا غیر آن؟ خداوند متعال در پاسخ ایه کریمه فوق را نازل کرد"<sup>2</sup>

### موضوع دوم: مناسبت های این مقطع

#### مناسبت با مقطع قبلی

این مقطع از صفات قدرت و عظمت الله متعال پرده برمیدارد<sup>3</sup> و این درحالیست که مقطع گذشته حالات و احوال ظالمان را در روز رستاخیز برملا می ساخت<sup>4</sup>

#### ب: مناسبت با محور اصلی سوره

صفت قدرت و عظمت الهی رابطه و مناسبت خاصی با توحید که محور اصلی این سوره است دارد و نیز در این مقطع از خطر ناک بودن شرک که جهت تقابل توحید است، بحث صورت گرفته که اگر پیامبران هم به الله شرک بیاورند اعمال شان تباه و نابود شده و از زیان کاران می گردند.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> أسباب النزول للواحدی.ص 371

<sup>2</sup> لباب النقول فی أسباب النزول، ص 224

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 517

<sup>4</sup> فی ظلال القرآن ج 5، ص 3058

<sup>5</sup> الباحث

## موضوع سوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٦﴾ وَيُنَجِّي

اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٧﴾ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ وَكَيْلٌ ﴿٦٨﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

﴿٦٩﴾ قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ تَأْمُرَاتِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن

أَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٧١﴾ بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٧٢﴾

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحٰنَهُ

وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾

## فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

و روز قیامت آنان را که بر الله متعال دورخ بسته اند، خواهی دید که چهره های شان سیاه شده است . آیا برای متکبران جایگاهی در دوزخ نیست ؟ و الله پرهیزگاران را به سبب کامیابی شان نجات می دهد، درحالیکه هیچ رنج و عذابی به ایشان نمی رسد و غمگین نمی شوند. الله آفریننده همه چیز است و او بر همه چیز وکیل و نگهبان است . کلیدهای آسمان ها و زمین ها از آن او است و کسانی که به آیات الله کفر ورزیده اند، ایشان زیان کار اند . بگو: ای نادانان ! آیا به من دستور می دهید که غیر از الله را عبادت کنم ؟ و یقینا به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است که اگر شرک ورزید بدون شک عمل تو تباہ می شود و حتما از زیان کاران خواهی بود . بلکه تنها الله را عبادت کن و از جمله شکر گزاران باش. و الله را چنانکه شایسته و سزاوار بزرگی اوست، قدردانی نکرده اند و روز رستاخیز همه زمین در قبضه او قرار دارد و آسمان ها پیچیده در دست راست او می باشد . او پاک و منزه است و برتر است از آنچه شریک (وی) می گردانید .



## فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

ای مخاطب تو در روز قیامت، آنانی را که بر الله متعال بنا بر نسبت دادن شریک و فرزند برای او تعالی، دروغ و افترای بسته اند در حالیکه روها و چهر های شان تاریک و سیاه باشد، خواهی دید و این سیاهی و خجل به علت افترای آنان بر الله متعال خواهد بود. یعنی آیا جهنم برای انسان های مستکبر و متکبر در برابر ایمان آوردن و فرمانبرداری از الله رحمن ، جایگاه و مکان مناسب نیست؟ آری، در حقیقت جهنم و آتش دورخ، برای آنان منزل و مأوی بدی خواهد بود.<sup>1</sup>

مقطع کنونی بعد از اینکه حال و وضعیت افراد افترای کننده بر الله متعال را برملا ساخت، در ادامه رشته سخن با ذکر و احوال افراد متقی و کسانی که در برابر الله متعال پروا می دارند، آغاز می نماید چنانکه می فرماید : الله متعال انسان های پرهیزگار و با تقوا را به سبب کامیابی و فوز شان در اهداف و مطلوب شان ، نجات و پاداش می دهد پاداشی که عبارت از سرای آخرت و خانه نیکوکاران بوده و در آن برای آنان هیچ گونه هول و جور وجود ندارد بل آنان را در آن مقام هیچ نوع ترس و بیم اذیت نمی کند و آنان در امن سراسری قرا خواهند داشت.<sup>2</sup>

سپس بعد از گوشزد وعد و وعید الهی ، به قضیه توحید و دلایل اولو هیت بر گردیده و می فرماید : الله متعال آفریننده و از جدید ابداع کننده تمامی مخلوقات بوده تصرف کامل خلائق در دست او باری تعالی می باشد که هر گونه تصرف و کارکرد را که بخواهد در آنها انجام می دهد در حقیقت هیچ معبودی و پرورش دهنده ی غیر از او وجود ندارد و او بر تدبیر تمامی امور توانایی داشته و کلید های تمامی خزائن اشیاء در دست او بوده طوریکه هیچ کسی را به جز او ، یاری تصرف و تملیک در در آنها نباشد آنانی که بر نشانه های واضح و معجزات الهی سر تکذیب و افترا را بلند کرده اند در حقیقت ایشان ، در منجلاب شدید ترین زیان و ضرر قرار دارند . بگو ای محمد: آیا شما ای گروه از جاهلان ، مرا به عبادت غیر الله با وجود این همه دلایل و نشانه های دال بر وحدانیت الله متعال، دعوت و امر می کنید.<sup>3</sup> امام ابن کثیر – رحمة الله علیه – فرموده است : در واقع دعوت شدن پیامبر – صلی الله علیه و سلم- از سوی مشرکین برای عبادت کردن بت های شان ، بیان نگر نهایت جهالت آنان می باشد و آنان این عمل را پیش شرط برای همراهی پیامبر در عبادت الله متعال کرده بودند که در پاسخ این آیه کریمه نازل گردید.<sup>4</sup>

1 صفة التفاسیر ج 3 ، ص 86.

2 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم . ج 6 ص 514

3 همان مصدر . ج 6 ، ص 514

4 تفسیر القرآن العظیم، ج 3 ص 228.

در حقیقت ای محمد این سخن یعنی قران کریم ،مانند انبیاء الهی قبل از تو، برای تو وحی شده است و هر گاه تو در عبادت پروردگارت شریک بیاوری ، در آن صورت تمامی اعمال نیکو تو نابود، و حتما از زمره زیان کاران در آخرت خواهی گشت.<sup>1</sup>

این سخن در واقع الامر منحیث فرض و تقدیر بیان شده است و الا رسول الله – صلی الله علیه وسلم – در تحت حمایت الهی قرار داشته و از صفت عصمت برخوردار می باشد طوریکه شریک قرار دادن او – صلی الله علیه و سلم – برای الله متعال اصلا مستحیل می باشد زیرا او علم بردار توحید و داعی واقعی بسوی حق و حدانیت الله متعال می باشد.<sup>2</sup>

امام ابو سعود – رحمة الله علیه – گفته است: رانندن سخن به گونه فرض و تقدیر در حق انبیاء ، در حقیقت برای آماده سازی هر چه بیشتر آنان در جاده حق ، برای بیدار ساختن منکرین و کفر پیشه گان و برای واضح کردن قباحت و زشتی جاده کفر و انکار می باشد.<sup>3</sup>

ای پیامبر – صلی الله علیه و سلم – ( ای مخاطب ) عبادات خود را خالصا لوجه الله ساخته و هیچ کسی را به جز او عبادت نکن ، و از جمله بنده گان شکر گزار الهی برای پروردگار خود باشد . این مشرکان در واقع الله متعال را چنانکه شایسته و بایسته است نشاخته و چنانکه در خور تعظیم و تجلیل است مورد تعظیم قرار نداده اند.

آنان الله متعال در طوریکه باید مورد تعظیم قرار می کردند، نکردند در حالیکه او تعالی بالذات به تمامی قدرتهای باهره موصوف می باشد پس زمین با این همه هیبت و شکوه در روز قیامت در دست قدرت او و در تحت قبضه او قرار خواهد داشت و حتی آسمانها با این همه جلال و جمال ، سرخم و تحت ادارت او تعالی به گونه بالفور قرار خواهد داشت.<sup>4</sup>

1 التفسیر الموضوعی لسور القران الکریم ج 6 ص 514

2 صفوة التفاسیر ج 3 ص 87

3 إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الکریم. ج 4 ص 314

4 التفسیر الموضوعی لسور القران الکریم . ج 6 ، ص 514

## موضوع چهارم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. سیاه شدن چهرها در روز محشر نشانه و علامه کفر و خلود انسان در جهنم می باشد.<sup>1</sup> (طوریکه آیه 60 این مقطع بر این مهم صراحت دارد )
2. خزائن زمین در فراورده های زمین مانند نباتات و خزائن آسمان در فرود آمدن باران خلاصه می شود<sup>2</sup> (چنانکه آیه 60 و 61 به آن اشاره می کند )
3. الله متعال ، در سرای آخرت مؤمنین را به شرف کامیابی نایل می گرداند یعنی آنان را از عذاب و آتش جهنم نجات می دهد.<sup>3</sup> (آیه 60 و 61 به آن دلالت می کند )
4. مردمان به هیچ وجهی ، الله تعالی را، چنانکه شایسته است ، سپاس و قدر دانی نکرده اند<sup>4</sup> (طوریکه آیه 67 به این مهم اشاره می کند )
5. از آنجای که تمامی نعمت ها از بابت فضل و احسان او باری تعالی می باشد بناء اطاعت از او امر او، اجتناب از نواهی او و شکر گزاری و ستایش او بر همه گان لازمی می باشد.<sup>5</sup> (طوریکه تمامی آیه های این مقطع به این مهم صراحت کرده است)

---

<sup>1</sup> أيسر التفاسير ج 3 ، ص . 435

<sup>2</sup> فتح القدير ج 4 ص 293 .

<sup>3</sup> زادالمسير ج 5 ص 502 .

<sup>4</sup> تفسير رازی ج 5 ص 492

<sup>5</sup> أيسر التفاسير ج 3 ، ص 435

## مقطع چهاردهم ( آیه های کریمه 68 الی 70 )

دو نفخه در صور و ترس و هیبت‌های رستاخیز

موضوع اول: مناسبت های این مقطع

الف : مناسبت با مقطع قبلی

از آنجا که مقطع قبلی بر توضیح و تحلیل قدرت و عظمت الله متعال پرداخته است، این مقطع از کمال قدرت و عظمت الله متعال، سخن می راند.<sup>1</sup>

ب : مناسبت با محور اصلی سوره

و این دو صفت الله - جل جلال له - از جمله لوازم توحید الله متعال می باشد توحیدی که محور اصلی این سوره می باشد از اقسام توحید یکی توحید اسماء و صفات است در این مقطع به صفت مشیت و اراده و صفت قدرت کامله الله ، تصریح گردیده و به صفت عظمت و بزرگواری او تعالی اشاره دارد که بدین ترتیب با محور سوره مناسبت جزء و کل حاصل می گردد.<sup>2</sup>

موضوع دوم : ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى

فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئْنَا بِالتَّيِّبِينَ وَالشُّهَدَاءَ

وَقَضَىٰ بَيْنَهُمُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ ﴿٧٠﴾

فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

و در صور دمیده خواهد شد، پس کسانی که در آسمان ها و زمین هستند ( بی هوش شده ) می میرند، مگر کسی را که الله بخواهد. باز دوباره در آن دمیده می شود، پس ناگهان همگی ( زنده شده ) می خیزند و نظر می کنند . و زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و کتاب ( عمل نامه ها ) نهاده می شود و پیغمبران و گواهان آورده می شوند و به حق بین آنان فیصله می شود و به ایشان ظلم نمی شود . و به هر کسی ( نتیجه ) آنچه کرده است به تمام و کمال داده می شود و او ( الله ) به آنچه می کنند داناتر است .

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ، ص 517

<sup>2</sup> الإستاذ المشرف

## فرع دوم : تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

آیه های این مقطع ، بعضی از احوال و حالاتی از سرای آخرت را بیان داشته و همچنان عده ی از مظاهر قدرت الهی را باز گو می کند ، مظاهریکه با در نظر داشت آن هیچ عقل و منطق سلیم، وجود معبودی غیر از الله را قبول نکرده بل تمامی انواع عبادات ها را برای الله متعال شایسته می داند.<sup>1</sup> آنکه در آن هنگام در صور می دمد قطعاً حضرت اسرافیل – علیه السلام – می باشد زیرا او از سوی الله متعال بر این امر موکل گردیده است پس چون در صور برای بار نخست بدمد، همه آنچه در زمین ها و آسمان ها وجود دارد به استثنای کسی را که خداوند خواسته باشد، بالفور مرده و بیهوش می افتند این استثنا بر این که عده بعد از این دمیدن باقی میمانند، دلالت می کند که سپس برای بار دوم در صور دمیده می شود و این دمیدن دومی برای ایستادن خلایق در محشر در محضر پروردگار عالمیان است که مردمان حاضر گشته و او تعالی آنان را مورد حساب گیری قرار می دهد.<sup>2</sup>

هنگامی که الله متعال برای حساب گیری بنده گان خود در روز قیامت حاضر شود ، تجلی نور او تعالی زمین محشر را روشن و نورانی می گرداند سپس نامه های اعمال مردمان برای بازرسی، حاضر کرده می شود و انبیاء الهی جهت پاسخ دادن از کار کرد امت های شان و شهدای آنان که در حقیقت پاسداران و نگهبانان دین الهی می باشند تا آنان بر سائرین گواه و شاهدت دهند، همه و همه حاضر می گردند.<sup>3</sup>

در محشر گاه میان بنده گان به حق و عدالت، فصیله و قضاوت کرده شده و در اجر و پاداش آنان هیچ نوع ظلم و تعدی صورت نمی گیرد یعنی نه اجر کسی کم می گردد و نه بر کسی بیشتر از گناه اش عذاب داده می شود.<sup>4</sup>

یعنی از نیکویی های آنان چیزی کم نمی گردد و بر گناه هان آنان چیزی افزون نمی شود ، بلکه در حقیقت برای هر فرد بنابر عمل و کارکرد اش چی خیر باشد و یا شر، پاداش داده می شود. و او تعالی برای اعمال و کار کردهای بنده گان خود آگاه و عالم بوده طوریکه به هیچ کتاب و شاهد در این مورد نیاز نیست ولی با وجود این، موجودیت شاهد و کتاب در آن هنگام برای اقامه حجت و دلیل می باشد.<sup>5</sup>

1 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 517

2 أیسر التفاسیر ج 3 ، ص 436.

3 تفسیر القرآن العظیم، ج 3 ، ص 229.

4 التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6 ص 518

5 صفوة التفاسیر ج 3 ص 88.

## موضوع سوم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. مظاهر عظمت پروردگار در عالم و کائنات آن قدر بیشتر است که هر گونه شرک در عبادت با الله متعال را رد و منافی می سازد.<sup>1</sup> (طوریکه تمامی آیه های این مقطع به این مهم تاکید دارد.)
2. در نفعه رستاخیز هر آنچه از موجودات حیه که در زمین و آسمان ها قرار دارند به استثنای آنها را که خداوند خواسته است ، میمیرند.<sup>2</sup> ( طوریکه آیه 68 این مقطع به این امر گوش زد کرده است .)
3. زمین حشرگاه بنا بر تجلی پروردگار برای محاسبه بنده گان، درخشان و منور می گردد.<sup>3</sup> ( چنان که آیه 70 این مقطع بر آن اشاره دارد .)
4. این امت اسلامی بر سائر امت های برتریت و فضلیت دارد و قبولی شهادت دادن امت اسلامی بر امت های دیگر بر این مهم دلیل می باشد.<sup>4</sup> ( چنانکه آیه 69 این مفهوم را می رساند).

---

<sup>1</sup> أيسر التفاسير ج 3 ص 437

<sup>2</sup> ابن كثير ج 5 ص 320.

<sup>3</sup> تفسير البغوي ج 7 ص 543.

<sup>4</sup> أيسر التفاسير ج 3 ص 347.

## مقطع پانزدهم ( آیه های کریمه 71 الی 75 )

سرانجام انسان های نیک بخت و بد بخت

موضوع اول: مناسبت های این مقطع

الف: مناسبت با مقطع قبلی

بعد از این که در مقطع قبلی الله متعال احوال قیامت و رستاخیز را به شکل موجز و اجمال ( و وُفِيت كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ ) ذکر کرد اکنون و در ادامه، حالات تعذیب و مجازات اهل گناه و کسانی که دست به تخطی در برابر احکام الهی زده اند را بیان می نماید و در برابر، سرنوشت اهل راستی و کسانی که در برابر احکام الهی، خاشع و خاضع بوده اند را برملا می دارد و به این ترتیب این سوره به پایان می رسد.<sup>1</sup>

ب : مناسبت با محور اصلی

باورمندی به توحید و عدم توحید ، هر دو سرانجام خاصی دارند یعنی در این مقطع از سر انجام و عاقبت اهل توحید و پایان کار مخالفین توحید ، اعم از کافران ، منافقان، و مشرکان وضاحت داده شده که در حقیقت بشارت به اهل توحید و انداز و تخویف به مخالفین توحید است که بدین گونه ارتباط مستحکمی با محور سوره دارد.<sup>2</sup>

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر آیه های این مقطع

قَالَ تَعَالَى: ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فِئَسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ

<sup>1</sup> تفسیر مفاتیح الغیب ج 13 ص 290

<sup>2</sup> الإستاذ المشرف

نَتَّبُوا مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَبِعَمَلِهِمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٧٦﴾ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَاقِقِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ ﴿٧٦﴾

### فرع اول : ترجمه لفظی آیه های کریمه این مقطع

و کافران به طرف دوزخ گروه گروه رانده می شوند و تا چون به نزدیک آن شوند در هایش گشوده شود و نگهبانان اش به آنان گویند : آیا پیغمبرانی از خود تان به نزدتان نیامدند تا آیات پروردگار تان را برای شما بخوانند و شما را از ملاقات چنین روزی بترسانند؟ می گویند : بلی ! ولی فرمان عذاب بر کافران ثابت و حتمی گردید . به ایشان گفته می شود: از درهای دوزخ داخل شوید در حالیکه در آن جاویدانه خواهید بود . پس چی بد است جایگاه متکبران . و کسانی که از پروردگار شان می ترسیدند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده می شوند و چون نزدیک آن رسند ( مسرور می شوند ) و در هایش گشوده شود و نگهبانان اش به آنان می گویند : سلام بر شما باد! پاک و نیک بودید . پس خوش باشید و برای همیشه در آن در آیدید . و ( اهل بهشت ) می گویند : شکر آن ذاتی را است که وعده اش را در حق ما محقق ساخت و ما را وارثان زمین ( بهشت ) گردانید ، از بهشت هر کجا که خواهیم مأوی می گیریم ، پس چه نیکوست پاداش عمل کننده گان . و فرشته گان را می بینی که گرد عرش حلقه زده اند و به تسبیح و ثنای پروردگار خود مشغول اند و در میان آنان به حق فیصله شده و گفته می شود : ستایش ذاتی راست که پروردگار جهانیان است .

### فرع دوم: تفسیر اجمالی آیه های کریمه این مقطع

بعد از این که الله متعال از از بیان فیصله خود در حق مردمان در محشر ، رشته سخن را به پایان رسانید و اینکه حکم و فیصله الهی در حق آنان بنا بر عدل بوده طوریکه هر فردی را نظر به کارکرد و اعمال اش پاداش داده می شود اگر این اعمال نیکو باشند پاداش نیک، و اگر این اعمال بد و ناشایسته باشند حقا که جزای بد را در بر خواهد داشت، و در ادامه الله متعال از سر انجام و سرنوشت هر دو گروه یاد دهانی می نماید یعنی کسانی که در برابر الله متعال و رسول اش دست به انکار و نافرمانی زده اند، بسوی جهنم سوق داده می شوند تا این که به آن نزدیک می شوند آن گاه نگهبانان جهنم ، دروازه های هفته گانه ی آنرا بر رخ آنان باز و گشاده می سازند سپس آنها از بابت توبیخ و سرزنش ، از سوی نگهبانان جهنم چنین مورد خطاب قرار می گیرند: چگونه شما در برابر احکام الله متعال دست به عصیان و نافرمانی می زدید و از وجود یک اله بر حق کاملاً منکر و غیر مقرر بودید؟ آیا پروردگارتان ،



از جنس خود تان و برای هدایت تان فرستاده های را نفرستاده بود تا آیات الله را برای شما بیان کرده و از این روز خطیر شما را برحذر بدارند؟ آنان ضمن اعتراف بر گناهان خود، در پاسخ می گویند؟ نه این گونه نیست ، بلکه در حقیقت فرستاده های پروردگار ما به سوی ما آمدند و ما را به گونه روشن از این روز بیم داده بودند ولی فرمان الهی بر تعذیب منکرین این روز، از قبل الزامی و حتمی گشته است .<sup>1</sup>

امام قرطبی - رحمه الله - گفته است : این چنین اعتراف آنان، در حقیقت همچو حجت و برهان بر علیه خود آنان می باشد و مراد از کلمه و فرمان الله متعال این آیه کریمه است <sup>2</sup> ( لَأْمَلَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ) {سوره هود: 119} ترجمه : من حتما جهنم را از گروه انس و جن پر خواهم ساخت.

برای آنان گفته می شود : در جهنم وارد شوید و تا آنکه به آتش و سعیر آن برسید و آنجا برای همیشه و ابد باقی بمانید که نه در آنجا از بین خواهید رفت و نه هم به سوی دیگر انتقال یعنی رهاشده خواهید شد پس جهنم چه جای بد و زشتی است برای کفار ! آنانی که نسبت به ایمان آوردن بر الله متعال و تصدیق فرستاده گان اش، هرزگهی بر دُهل تکبر و انکار نواخته اند .<sup>3</sup>

در مقابل ، انسان های نیک و صالح یعنی کسانی که تقوا الهی را پیشه کرده اند، بسوی جنت گروه ، گروه کشانده می شوند .<sup>4</sup>

امام قرطبی در ادامه ، گفته است : کفار به سوی جهنم ، به گونه شرم آور و رسوا، کشانده می شوند و با بسیار جبر و اکراه همانند آنانی که در برابر یک پادشاهی دنیوی دست به طغیان و آشوب بزند که با کراهت تام همراهی شان بر خود صورت می گیرد، آنان نیز همین گونه بسوی عذاب های جهنم کشانده می شوند و در مقابل ، اهل جنت با سواره هایشان به سوی بهشت سوق داده می شوند، بهشتی که در واقع ، سرای عزت و رضامندی است و سوق دادن یا بردن اهل بهشت به سوی بهشت درحالی صورت می گیرد که آنان سوار بر سواره های مخصوص می باشند همانند دنیا، زمانیکه افراد معزز را خدمت پادشاه یا سلطان می برند برای شان سوارهای مخصوص را مهیا می سازند.<sup>5</sup>

و چون بهشتیان به جنت نزدیک شوند ، در های آنرا باز و گشاده یابند چنانکه الله متعال می فرماید ( جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْابْوَابُ ) {سوره ص : 50} ترجمه : باغ های گوارای که درهای آن، برای ایشان باز و گشاده می باشد . این حرف ( واو ) در ( وفتح ) بر خلاف آیه قبلی که از حالت و وضعیت کفار

1 أيسر التفاسير ج 3 ، ص 438

2 الجامع لاحكام القرآن و المبين لما تضمنه السنة و آي الفرقان ج 15 ، ص 285

3 التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم ج 6 ص 519

4 مصدر سابق ج 6 ص 5

5 الجامع لاحكام القرآن و المبين لما تضمنه السنة و آي الفرقان ج 15 ، ص 285

بحث می کرد، در حقیقت بیان گر این است که چون اهل بهشت در نزدیک بهشت قرار می گیرند درهای آنرا باز می یابند گویا این درها در انتظار آنان بوده و آنان را به مکان سرور و امن خیر مقدم می گویند، برخلاف انسان های مجرم که چون به سوی زندان کشانده شوند، درب های زندان از قبل بسته و قفل می باشد و برای آنان باز شده و همین که آنان داخل محبس یا زندان گردانیده شده فوراً درها دوباره همچو حالت اولی خود بسته و قفل می گردند بنا حکمت وجودی حرف (واو) در این آیه از همین قرار بود.<sup>1</sup>

امام ابن کثیر - رحمه الله - گفته است: جواب «إِذَا» در این آیه محذوف بوده که تقدیر آن این طور است یعنی آنان بعد از وارد شدن به جنت، هنگامی خرسند و شادمان شده و این زمزمه را سر می دهند: سپاس مر الله را که آنچه را برای ما وعده کرده بود (وارد شدن به جنت را) محقق گردانید.<sup>2</sup>

وعده مذکور در واقع، اشاره به سوی این قول الله متعال می باشد ( تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا )

{سوره مریم: 63} ترجمه: این همان بهشتی است که ما آن را برای بنده گان خود به ارث می گذاریم آنان که پرهیزگار باشند، اراضی بهشت را در اختیار ما قرار گرفته و ما همانند صاحبان آن، هر گونه تصرف و دخل را که بخواهیم انجام می دهیم و هر جای که بگردیم یا بمانیم، می توانیم، هیچ فردی در این موارد با ما سر ستیز و منازع نخواهد داشت، پس چی زیبا و گوارا است جنتی که همچو پاداش، برای فرمانبرداران از فرمان الله، تعیین شده است.<sup>3</sup>

در آن هنگام، ملائکه را خواهید دید که اطراف عرش پروردگار احاطه کرده و تسبیح و تمجید او باری تعالی را زمزمه می کنند و این کار آنان، نه بنابر تعبد بلکه بنابر تَلَذُّذ می باشد و در میان بنده گان بر حق و عدل فیصله می شود و ندا می گردد که سپاس و امتنان مر الله سبحان را بنابر فیصله عادلانه و حکیمان او تعالی.<sup>4</sup>

امام ابن کثیر - رحمه الله - گفته است: در حقیقت، کائنات با همه اجزای آن، این ندای تسلیمی و ندای پرهیبت را به جهت شکرگزاری بر او تعالی، بنابر عدل و قسط اش در فیصله میان بنده گان، سر میدهند، به همین خاطر این سخن در این آیه به سوی هیچ گوینده نسبت داده نشده و به گونه مطلق ذکر گردیده است تا دلیل برای شهادت همه کائنات، بر جلال و کبریایی او تعالی، باشد.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 520

<sup>2</sup> تفسیر القرآن العظیم، ج 3 ص 232

<sup>3</sup> التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم ج 6، ص 520

<sup>4</sup> صفوة التفاسیر ج 3، ص 89

<sup>5</sup> تفسیر القرآن العظیم، ج 3، ص 232

## موضوع سوم : درسها و اندرزهای برگرفته شده از این مقطع

1. تکلیف در حقیقت بعد از شرع و رسیدن پیام بر انسان، محقق می گردد.<sup>1</sup> ( چنانکه آیه 71 به آن اشاره دارد)
2. باز بودن درب های جنت در آخرت برای مؤمنین در واقع، نماد از پاداش و بزرگداشت از آنان می باشد.<sup>2</sup> ( چنانکه آیه 71 این مقطع بر این مهم صراحت دارد)
3. اهل جنت بعد از داخل شدن در جنت چنین جملات را که در آیه ذکر گردید یاد آوری می کنند بنابراین تصور آنان که گویا جنت بعد از تملیک از سوی دیگران توسط آنان استملاک شده است.<sup>3</sup> (طوری که آیه 73 این مقطع بر آن اشاره دارد).
4. در حقیقت ، کائنات با همه اجزای آن، این ندای تسلیمی و ندای پرهیبت را به جهت شکرگزاری بر او تعالی ، بنابر عدل و قسط اش در فیصله میان بنده گان، سر میدهند، به همین خاطر این سخن در این آیه به سوی هیچ گوینده نسبت داده نشده و به گونه مطلق ذکر گردیده است تا دلیل برای شهادت همه کائنات ، بر جلال و کبریایی او تعالی، باشد.<sup>4</sup> ( چنانکه این درس از تمامی آیه های این مقطع اخذ می گردد).
5. باید در پایان هر کار خیر و نیک ، حمد و ثنای الله متعال گفته شود چنانکه الله متعال آفرینش را با حمد خویش آغاز کرده فرمود( الحمد لله الذی خلق السموات و الأرض ) ترجمه : همه ثنا و حمد مخصوص ذاتی است که آسمان ها و زمین را آفرید. و نیز او تعالی بعد از وقوع سرانجام عالم و رسیدن اشقیاء و سعداء به جایگاه های شان ، حمد خویش را متذکر ساخت است ( و قیل الحمد لله رب العالمین ) ترجمه : و گفته شود: تمامی حمد و ثنا مخصوص پروردگار عالمیان می باشد( چنانکه این دروس از آیه 75 یعنی آخرین آیه این مقطع اخذ می گردد).<sup>5</sup>

### پایان

<sup>1</sup> روح المعانی ج 6 ص 521.

<sup>2</sup> تفسیر البحر المحیط ج 7 ص 232.

<sup>3</sup> فتح القدير ج 4 ص 432.

<sup>4</sup> تفسیر قرآن العظیم ج 7 ص 203.

<sup>5</sup> أيسر التفاسیر ج 3 ص 439.

## خاتمه

این بخش شامل نتیجه گیری، پیشنهادات و فهارس می باشد

### الف : نتیجه گیری

- از آنچه طی پانزده مقطع سوره الزمر نگاشته شده، به شرح ذیل نتیجه گیری می شود.
- این سوره مبارکه بنا بر روایت موثق بنام الزمر مسمی گردیده است و الزمر خود در لغت به معنی گروه و جماعت بوده که این کلمه در آیه 71 این سوره ذکر گردیده است و این سوره شامل 75 آیه می باشد.
- هیچ گونه عبادت به در قبولیت نمی رسد مگر این که از صفت اخلاص برخوردار باشد.
- قرآن، حقا که از صفت آسمانی بودن برخوردار می باشد یعنی قرآن ساخته هیچ بشر نه بلکه از سوی خالق بشر نازل شده است.
- نشانه های الله سبحان در جهان هستی و قرار دادن آن منحیث دلیل و حجت برای توحید و یگانه الله متعال است.
- الله متعال در حقیقت ، خالق و ایجاد کننده تمامی مخلوقات روی زمین است .
- قضیه کفر نسبت به ایمان حیرت آور و قابل تعجب است زیرا برای اقامه ایمان دلایل فراوان وجود دارد و لی بر کفر کافران هیچ دلیل منطقی سراغ نیست باوجود این هم باز بشتترین مردم کفر می ورزند .
- الله متعال از بنده گانش بی نیاز بوده ولی بنده ها به او باری تعالی نیازمند می باشند .
- عدالت الله سبحان در روز قیامت قائم و ثابت بوده و آن روز نیز حتمی الوقوع می باشد
- الله متعال ، از کفر و شکر ورزی بنده گان خود ، به طور مطلق بی نیاز است
- هیچ کسی بار گناه کسی دیگری را به دوش نخواهد کشید
- الله تعالی آفتاب و مهتاب را طوری آفریده است که هر دو در مدار خود در حرکت بود و از آن هیچ گاه توقف ننموده از مدار خویش بیرون نمی شوند.
- انسان ها هیچ چیزی را از الله متعال ، پنهان کرده نمی تواند زیرا او باری تعالی، حتی بر آنچه که در سینه نهفته است آگاه و عالم است.
- انسان قانت درحقیقت عبارت از فردی است که در برابر احکام الله متعال و رسول اش ، فرمان بردار و تسلیم می باشد.
- بهترین نماز ، در واقع نمازی است که قیام یعنی در آن طویل تر باشد.

- در حقیقت انسان که از سرمایه ایمان به الله متعال، مستفید بوده و حیات خود را در کمال اطاعت و فرمان برداری او باری تعالی می گذراند برتر و بهتر است نسبت به انسان که ناسپاس و کافر که زنده گانی خود را در جاده کفر و گمراهی به سر می رساند
- فردی عالم و دانشمند از فرد جاهل برتر و بهتر است اما هر گاه که فرد عالم و دانشمند به علم خود عمل ننماید در آن صورت هر دو در انحطاط و کج روی یکسان می باشند.
- الله متعال بر پیامبر خود – صلی الله علیه و سلم – و نیز بر مؤمنان عنایت و احسان ویژه ی را مبذول داشته است طوریکه آنان را به سوی کمال و کامیابی واقعی هدایت و رهنمایی نموده است.
- هر کی در دنیا دست به دامان نیکوی بزند حقا که در دنیا و آخرت نتیجه نیکو کاری خویش را خواهد دید.
- اهل جهنم در حقیقت ، کسانی اند که بر علاوه ظلم بر خویشان ، در حق اهل و عیال خویش نیز ظلم را روا داشته اند.
- برانگیخته شدن و حساب اعمال در روز رستاخیز و سایر احوال دیگر این روز همه برحق و واقع شدنی است .
- عبادت خالصانه در واقع ، عبادتی است که از رنگ و بوی هر گونه شرک و ریا مبرا بوده و هیچ موردی از امور منافی توحید در آن جا نگرفته باشد.
- هر گاه برای فردی گمراهی دخول جهنم ازلی بوده باشد در این صورت هیچ گونه دعوت و پند از سوی هر گونه واعظ و مصلح مفید واقع نبوده و تمامی تلاش های فرد عوت گر بی نتیجه خواهد بود.
- برای اثبات قدرت و یگانه گی الله متعال دلایل بی شمار در مخلوقات و کائنات وجود داشته که دایم الحال برای این مدعا ناطق و گویا می باشد .
- از نشانه های گسترده و بی شمار الهی در کائنات تنها اهل خرد و عقل سلیم بهره برداری کامل و شامل کرده می تواند. الله متعال چشمه ها و جوی بارها را توسط آب فروآمده از آسمان ، نظر به ضرورت مردمان در نقاط مختلف زمین ایجاد می نماید.
- قلب های انسان ها به دو گونه است نخست قلب قابل هدایت و هدایت پذیر و دوم قلب های که سخت و سفت اند که قابل هدایت نیستند.

- قرآن کریم بهترین سخن و کلام است تا مؤمنان از ارزیابی آن بهره مند شوند زیرا اخبار قرآنی همه اش صدق و احکام اش همه عدل می است.
- اهل خشیت و خوف از الله متعال ، از فضیلت و برتری ویژه برخوردار اند طوری که آنان در برابر شنیدن قرآن کریم متاثر گردیده قلب های آنان در جریان شنیدن وعید الله متعال، لرزان و در ترس آمده است نرم و گرم می گردد.
- عذاب های آخرت هر چی باشد در نوع خود خطیر و جانسوز است اما خطرناک تر و آذاردهنده تر زمانی خواهد بود که انسان سمت و طرف نزول و آمدن آنها را نداند .
- گرفت و تعذیب الهی در دنیا عموماً در قالب مسخ ، خسف و قتل و غیره می باشد
- اگر ایمان مردم به روز رستاخیز و آخرت به گونه جزم و علم یقینی می بود در این صورت هیچ کسی بسوی انکار و تکذیب دین و بسوی کفر و ظلم روی نمی آورد. برای افهام درست و مبالغه در هدایت یک فردی مورد هدف، بیان مثال ها و به تطویر کشیدن قضیه مطلوب جائز و پسندیده می باشد.
- الله متعال ، در قرآن کریم برای هدایت افراد هر گونه مثالی را بیان داشته است.
- در روستاخیز میان انسان ها دعوا و خصومت وجود خواهد داشت و الله متعال میان آنان فیصله عادلان و برحق بنا بر متصف بودن او تعالی بر صفت حق خواهد کرد.
- الله متعال چنان غالب و توانای است که در اجرای اراده اش هیچ کسی را مجال نزاع و ممانعت نمی باشد.
- بدان ، هر گاه که الله متعال یادی از وعید خویش در قبال عمل کردهای مشرکین کند در ادامه دلایل مبنی بر ابطال عقاید آنان را بیان می کند .
- سنت ثابته الله متعال ، برای حمایت بنده خود ، در امور دنیوی و اخروی ، کافی و کفایت کننده است .
- تحقق وعده الهی برای انبیاء – علیهم السلام \_ و مؤمنان واقعی ، یک امری حتمی و قابل اجرا می باشد
- اهل شرک و کفر و ظلم در زنده گانی تار و تاریک بنا بر تناقضات فکری و اعتقادی که دارند به سر می برند.
- مراد از ظلم در این آیه ، شرک است زیرا شرک در واقع ، ظلم بزرگ است.

- فراخی و تنگی در رزق و روزی بنابر محبت و نیردیکی به الله متعال نمی باشد بلکه این مهم بر اساس حکمت و تربیه تدریجی الهی برای افراد و جماعات تعیین می گردد
- نسبت دادن منشأ هر نعمت و راحت ظاهری و باطنی، بسوی غیر الله متعال در حقیقت، اوج قباحت و وقاحت یک فرد را نشان می دهد.
- الله متعال ظالمان و کفار را به زودی به سرانجام اعمال شان خواهد رساند و این امر را به گونه وعد و عید برای آنان دایما گوش زد کرده است.
- وسعت فضل و رحمت پروردگار نسبت به بنده گان اش در قبولیت توبه آنان با وجود هر گونه گناه و بزرگی حجم آن ، بر ملا می گردد.
- شتاب در توبه کردن قبل از فرارسیدن عذاب ها در دنیا و قبل از فرارسیدن مرگ ، الزامی و واجب می باشد علی الخصوص قبل از فرارسیدن مرگ، پدیده ی که به سراغ هر فرد آمدنی بوده و بعد از آن هیچ گونه توبه و برگشت قابل قبول نمی باشد.
- بهترین دستور را که الله متعال نازل کرده است همانا التزام به اوامر او اجتناب از نواهی اش می باشد.
- از نمونه های رحمت الهی بر بنده گان اش ، نسبت دادن عذر برای شان در ضمن هشدار و بر حذر ساختن آنان می باشد . سیاه شدن چهرها در روز محشر نشانه و علامه کفر و خلود انسان در جهنم می باشد.
- الله متعال ، در سرای آخرت مؤمنین را به شرف کامیابی نایل می گرداند یعنی آنان را از عذاب و آتش جهنم نجات می دهد.
- مردمان به هیچ وجهی ، الله تعالی را، چنانکه شایسته او است ، نشناخته اند.
- عموماً یکی از اوصاف دستان، چپ بودن که نشانه ضعف و نقص است می باشد ولی نظر به عده روایات هر دو دست بلا کیف الله متعال راست و از صفت نقص مبرا می باشد.
- از آنجای که تمامی نعمت ها از بابت فضل و احسان او باری تعالی می باشد بناء اطاعت از اوامر او، اجتناب از نواهی او و شکر گزاری و ستایش او بر همه گان لازمی می باشد. تکلیف در حقیقت بعد از شرع و رسیدن پیام بر انسان ، محقق می گردد.
- باز بودن درب های جنت در آخرت برای مؤمنین در واقع، نماد از پاداش و بزرگداشت از آنان می باشد.
- اهل جنت بعد از داخل شدن در جنت چنین جملات را که در آیه ذکر گردید یاد آوری می کنند بنابر تصور آنان که گویا جنت بعد از تملیک از سوی دیگران توسط آنان استملاک شده است.
- در حقیقت ، کائنات با همه اجزای آن، این ندای تسلیمی و ندای پرهیبت را به جهت شکرگزاری بر او تعالی ، بنابر عدل و قسط اش در فیصله میان بنده گان، سر میدهند، به همین خاطر این سخن در این آیه به سوی هیچ گوینده نسبت داده نشده و به گونه مطلق ذکر گردیده است تا دلیل برای شهادت همه کائنات ، بر جلال و کبریایی او تعالی، باشد.
- باید در پایان هر کار خیر و نیک ، حمد و ثنای الله متعال گفته شود چنانکه الله متعال آفرینش را با حمد خویش آغاز کرده فرمود( الحمد لله الذی خلق السموات و الأرض ) ترجمه : همه ثنا و حمد مخصوص ذاتی است که آسمان ها و زمین را آفرید. و نیز او تعالی بعد از وقوع سرانجام

عالم و رسیدن اشقیا و سعءاء به جایگاه های شان ، حمد خویش را متذکر ساخت است ( و قیل  
الحمد لله رب العالمین ) ترجمه : و گفته شود: تمامی حمد و ثنا مخصوص پروردگار عالمیان می  
باشد.



## ب : پیشنهادات

در این رساله، سوره مبارکه الزمر به گونه تفسیر موضوعی، تفسیر گردید و من در ضمن، مناسب می دانیم تا موارد ذیل را همچو پیشنهادات متذکر گردم.

1. شایسته میدانم که محصلین ماستری در بخش تفسیر و حدیث جهت تهیه رساله ماستری شان، رو به تفسیر موضوعی یک از سوره های قرآنی آورند و سوره مورد نظر را در سایه تمامی پرانسیپ های علمی برای تفسیر موضوعی مورد تحلیل قرار دهند
2. برای الگو گیری و نمونه برداری در راستای تفسیر موضوعی، مناسب ترین کتاب را که می توان از آن یاد کرد همانا - التفسیر الموضوعی لسور لقران الکریم - است که حقا تمامی نورم ها و مناهج ارزند تفسیر موضوعی در آن رعایت گردیده است .
3. بهترین کار برای تهیه یک رساله کامل، همان بلدیت با منابع و مصر دست نخست می باشد که حقا این کار ممکن نیست مگر در ضمن بلدیت کامل با زبان عربی بناء تاکید بر اکید پیشنهاد می نمایم تا محصلین بخش ماستری تا بر زبان عربی صلاحیت کامل و شامل حاصل نمایند.
4. برای شرح مفردات مورد نظر ضمن مراجعه به امهات مصر، از موسوعة الكلمة و اخواتها نیز بهره جستن قابل ارزش و چشمگیر خواهد شد.

## ج : فهرست آيات

نوت : اين فهرست شامل آيات سوره زمر نيست زيرا سوره الزمر ، همه رساله را احتوا کرده است.

تعداد	طرف آيات	سوره	شماره آيه	صفحه
1	و أن تعفوا أقرب لتقوا	البقرة	173	52
2	فقلنا اضربوه ببعضها	البقرة	73	73
3	لا يستطيعون ضربا في الأرض	البقرة	273	73
4	وقالوا لإخوانهم إذا ضربوا في الأرض	آل عمران	156	73
5	وإذا ضربتم في الأرض	النساء	101	73
6	فإن أنستم منهم رشدا	النساء	6	100
7	يغشى الليل و النهار يطلبه حثيثا	الاعراف	54	41
8	أن أضرب بعصاك الحجر	الاعراف	160	73
9	لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ	الاعراف	41	81
10	لا تأتیکم إلا بغتة	الاعراف	187	110
11	فاضربوا فوق الأعناق واضربوا منهم كل بنان	الأنفال	12	73
12	لَأْمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ	هود	199	125
13	ليحملوا أوزارهم كاملة ومن أوزار الذين يضلونهم بغير علم	النحل	25	40
14	و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لإن صبرتم لهو خير للصابرين	النحل	126	59
15	حتى تستأنسوا	النور	27	100
16	وأناسي كثيرا	الفرقان	49	101
17	سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ	القصص	28	31
18	فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ	الروم	30	31
19	فراغ عليهم ضربا باليمين	الصافات	93	73
20	جنات عدن مفتحة لهم الابواب	ص	50	125
21	وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ	غافر	49	81

39	13	الجائية	سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ	22
73	4	محمد	فَضْرِبِ الرِّقَابَ	23
73	27	محمد	يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ	24
82	43	الرحمن	هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ	25
74	21	الحشر	وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ	26
32	2	الجمعة	وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ	27

د : فهرست اعلام

شماره	نام	صفحه
1	ابن فارس	8
2	ابن جریر	68
4	ابن کثیر	32
5	اصفہانی	10
6	الوسی	29
7	ابو سعود	58
8	ابو حیان	28
9	ابوحاتم	45
10	ابو سعید الحسن	28
11	احمد بن ماجد	28
12	ابو عبدالله محمد بن صالح العثیمین	12
13	جابر بن عبدالله	12
14	جوہری	11
15	الخلیل بن احمد	11
16	رازی	29
17	زمخشری	27
18	سید قطب	14
19	سیوطی	45
20	شوکانی	42
21	عثمان بن عفان	45
22	عطا بن ابی رباح	12
23	عکرمہ	12
24	فیروز آبادی	10
25	قرطبی	12

## ز : فهرست

- القرآن الكريم
1. ابن جرير ابى جعفر محمد بن جرير، تفسير الطبرى - جامع البيان عن تاويل آى القرآن .
  2. ابن جزى - التسهيل لعلوم التنزيل
  3. ابن عاشور محمد بن طاهر ، التحرير و التنوير ، مؤسسة التاريخ ، چاپ اول 1420 هجرى بيروت لبنان
  4. ابن فارس ، ابو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، دارإحيا التراث العربى - بيروت 2001 م
  5. ابن كثير ، ابى الفداء اسماعيل بن عمر، تفسير ابن كثير، تفسير القرآن العظيم .
  6. آلوسى ، ابو الفضل شهاب الدين محمود بغدادى ، تفسير روح المعانى ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، لبنان
  7. انورى حسين ، فرهنگ روز سخن، سخن - تهران 1383.
  8. ابو سعود - محمد بن محمد ، إرشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، دارالمصحف - قاهر - ب ت.
  9. أبو حيان - محمد بن يوسف - تفسير البحر المحيط .دار الفكر - بيروت - 1420.
  10. بغوى ابو محمد حسين بن مسعود معالم التنزيل ، تحقيق عادل احمد عبد الموجود ، دارالكتب العلمية بيروت لبنان چاپ اول 1418 1997 م ج 5 ص 331
  11. بيبضاوى، أنوار التنزيل و أسرار التاويل
  12. الجزائرى، ابوبكر، أيسر التفاسير لكلام العلى القدير ، مكتبة العلوم و الحكم، المدينة المنورة 4340
  13. جوهرى ، اسماعيل بن حماد ( ت 393 هجرى ) الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية ، دارالعلم الملايين بيروت 1979 م ص 342
  14. الخضيرى ، محمد بن عبدالعزيز، السراج فى بيان غريب القران ، جامعة ملك سعود
  15. رازى فخر الدين ابو عبد الله محمد بن عمر ، تفسر مفاتيح الغيب ، بيروت ، دار احياء التراث العربى سال چاپ 1420
  16. الراغب الاصفهاني ، ابى القاسم حسين بن محمد، المفردات فى غريب القران. الطبعة الاولى 1412 درالمعرفة، بيروت لبنان
  - 1- زمخشرى محمود بن عمر، الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التاويل بيروت دارالكتاب العربى سال چاپ 1407ق
  17. الزكلنى، الاعلام
  18. زركشى - بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن
  19. السيوطى ،الحافظ جلال الدين، مرص المطالع فى تناسب المقاطع و المطالع .، دارالمنهاج - رياض.
  20. السيوطى - جلال الدين بن عبدالرحمن - لباب النقول فى أسباب النزول .، ط 1 - مؤسسة الكنت الثقافية - بيروت .
  21. سيد قطب، تفسير فى ظلال القران. دارالشروق.
  22. سير اعلام النبلاء
  23. الشوكانى محمد بن على ، فتح القدير ، تحقيق يوسف الغوشا ، دار المعرفة سنة 1428 - 2007
  24. شمس الدين داوودى - طبقات المفسرين

25. الصابوني - شيخ محمد علي، ط جديد - التبيان في علوم القرآن .مكتبة بشرى ،1432،2011
26. الصابوني - شيخ محمد علي، ط جديد صفوة التفاسير
27. العثيمين محمد بن صالح ، تفسير سورة الزمر. ط 1 - 1436 - مؤسسة محمد بن صالح العثيمين الخيرية.
28. فايز ابراهيم محمد - سيد قطب و بيداري اسلامي - تهران : نشر احسان 1398
29. الفراهي عبد الحميد - مفردات القرآن ، المورد معهد العلم الإسلامي، لاهور
30. القرطبي - ابي عبدالله محمد بن احمد بن ابي بكر، الجامع لاحكام القرآن و المبين لما تضمنه السنة  
و آي الفرقان .، مؤسسة الرسالة.
31. قريشي، علي اكبر، قاموس قرآن .، دارالكتب الاسلامية - تهران - 1352
32. الكبيسي - شيخ دوكتور احمد عبيد، موسوعة الكلمة و إخوانها في القرآن الكريم .، درالمعرفة
33. مسلم - دوكتور مصطفى ، مباحث في تفسيرالموضوعي .، ط 3 -درالقلم دمشق، 1421،2000م
34. المحييد د محمد بن حمد بن عبدالله ،غريب القرآن بين كتابي المفردات للراغب الصفهاني و عمدة الحفاظ لاسمين الحلبي .، جامعة ملك سعود
35. محمد يعقوب ، طاهر محمود - أسباب الخطاء في التفسير .، ط 1 - دار ابن جوزي،1425هجري.
36. محمد دكتورسيد احمد و دوكتور ابراهيم مصطفى و غيره ، المعجم الوسيط، نشر دار الاحيا التراث العربي بيروت لبنان
37. نخبة من علماء التفسير و علوم القرآن ، التفسير الموضوعي لسور القرآن الكريم .، ط 1 ،1431،2010،الشارقة - الامارات العربية المتحدة.
38. نخبة من العلماء - المختصر في تفسير القرآن الكريم .، ط 3 - الرياض ،1436 هجري
39. الواحدى - ابي الحسن علي بن احمد - أسباب النزول . ط 2 - درالاصلاح - الدمام.
40. ولى الله دهلوى، احمد بن عبدالرحيم ، الفوز الكبير في اصول التفسير. ط 1، 1429، 2008م

## Abstract

The surah has been named as Al-Zumr according to an authentic narration, and Al-Zumr itself literally means group. It was the congregation and the word is mentioned in verse 71 of this surah and it contains 75 verses. Surah Al-Zumr is said to be Makki according to the words of Ikrimah, Hassan, Atta and Jabir bin Abdullah – may Allah have mercy on them. And Ibn Abbas - may God be pleased him - two verses of God sent down the best hadith} verse 23 and words of worshipers.

أَسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا (يت O worshipers \* those who spend on themselves, do not squander it}).

It has been revealed that he and his companions have been considered civil. In this regard, some sections have had the status of special revelation that one or more verses of Surah. According to it, it is about to decline while some have been revealed without a specific cause. And also this Holy Surah is divided into fifteen (15) sections according to the thematic division. The section on a specific topic opens the subject, for example, the first section (verses 1 to 4). It is the revelation of the Holy Quran by Almighty Allah and the allocation of worship for him . To 7 (which is the subject of the signs of the power of God Almighty in the existence and creation of man.

Fourteenth section (verses of the Qur'an 68 to 70) the subject of two breaths in the images and fear and the awe of the resurrection and the final stage is the fifteenth stage (verses 71 to 75 of ) (subject, finally, good people luck and misfortune have been contained. But in general, all these sections are on a central theme and the basic principle that is the main axis of this surah has formed, that is, the issue of monotheism and aloness of Almighty Allah, revolves. Monotheism is the basis of all blessings

Eternity and immortality, and is considered the cause of divine help in this world, but on the contrary, the source of all mankind's misfortunes and confusion in worldly affairs, as well as the reason for man's eternal entry into hell, and that too. The humiliating kind lies in polytheism and disbelief, which are contrary to monotheism, to the point that the group enters. The group of human beings in heaven and hell is enslaved to these two principles (monotheism and disbelief).



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Amarat of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Thematic interpretation of Surah Al-Zumr**

**A Master's thesis**

**Student: Mujib Rahman ( Nusrat )**  
**Supervisor: Prof. Dr. Mohammad Ismaeil Labib ( Balkhi)**  
**Year:2022**





**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Aمارat of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**DM of Academic Affairs**

# **Thematic interpretation of Surah Al-Zumr**

**A Master's thesis**

**Student: Mujib Rahman ( Nusrat )**

**Supervisor: Prof. Dr. Mohammad Ismaeil Labib ( Balkhi)**

**Year:2022**